

# مطالعات تربیتی و اجتماعی

۲

## هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر فریبا حاج علی: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء  
دکتر محسن رفیعی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم  
دکتر احمد رهنمایی: دانشیار گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
دکتر معصومه شریفی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم  
دکتر محمد مهدی صفورایی: دانشیار گروه روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه  
دکتر زینب طیبی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم  
دکتر فایزه عظیم زاده اردبیلی: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق  
دکتر حمید پارسانیا: دانشیار گروه جامعه شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی  
دکتر عبدالله معتمدی: دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی  
دکتر محمد فاکر میبدی: استاد گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه  
دکتر زهرا(شادی) نفیسی: دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مسئول بسیج اساتید پردیس حضرت معصومه  
سردبیر: دکتر زینب طیبی  
مدیر اجرایی: هادی برهانی  
ویراستار علمی: دکتر زینب طیبی  
ویراستار ادبی: دکتر زینب ربیعی  
مترجم انگلیسی: کمال بزرگر بفرویی  
صفحه آرا: محمد حسین همدانیان  
زبان انتشار: فارسی  
قالب انتشار مجله: چاپی و الکترونیکی  
تناوب انتشار: دوفصلنامه  
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

## داوران این شماره (به ترتیب الفبا):

دکتر محسن رفیعی، دکتر فاطمه زیان، دکتر صدیقه شاکری حسین آباد،  
دکتر فاطمه علی پور، دکتر ابوالفضل مرادی، دکتر عبدالله معتمدی.

## همکاران این شماره: خانم رضیه عمرانی.

نشانی: قم، بلوار شهید کربعی، روبروی بوستان بنفشه، دانشگاه فرهنگیان استان قم،  
پردیس حضرت معصومه  
تلفن: ۰۲۵۲۲۷۰۴۶۷۲  
آدرس الکترونیکی: quran.etrat.journal@gmail.com

نقل مطالب دوفصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت دارای مجوز نشر به شماره ۸۰۷۱۷ مورخ ۹۶/۱۰/۰۴ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

## دستورالعمل نگارش و ارسال مقالات دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت

### الف) راهنمای نگارش مقالات:

۱. زبان انتشار دارو فصلنامه فارسی است، از این رو مقاله به زبان فارسی باشد.
۲. مقاله تحقیقی، مستند، دارای نوآوری و براساس معیارهای پژوهشی و حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و سنت باشد.
۳. **عنوان:** عنوان مقاله دقیق، علمی، رسا، مختصر و متناسب با متن و مسأله پژوهش باشد.
۴. **مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، دانشگاه یا سازمان وابسته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۵. **چکیده:** آیینیه تمام نما و فشرده بحث است که باید در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، اشاره به مهمترین یافته ها و نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه باشد و به طور جداگانه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و حداکثر ۱۵ کلمه ضمیمه شود.
۶. **مقدمه:** شامل خلاصه ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال های پژوهش و پیشینه ی پژوهش باشد.
۷. **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم بندی مطالب در قالب محورهای مشخص پرداخته شود. متن مقاله باید پاراگراف بندی شده و دارای نثری روان و یکدست باشد و مقالات دارای نثر نارسا و اشکالات ویرایشی متعدد، در فرایند داوری قرار نمی گیرند.
۸. **نتیجه گیری:** شامل مهمترین نتایج مبتنی بر یافته های پژوهش به شیوه ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته های پژوهشی با اهداف پژوهش و ارائه ی راهکارها و پیشنهادات.
۹. **ارجاعات:** ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله و به شیوه ی استاندارد (APA)، در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده به شکل ذیل آورده شود:
  ۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛
  - منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛
  ۲. آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛
  ۳. چنانچه از نویسنده ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
  ۴. در صورتی که به دو اثر مختلف با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شود، به صورت (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه / نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)؛
  ۵. اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، فقط نام خانوادگی یک نفر آورده می شود و با ذکر کلمه «دیگران» به سایر مؤلفان اشاره می شود.
  ۶. یادداشت ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت ها مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).
۱۰. **فهرست منابع:** در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
  ۱. کتاب: نام خانوادگی، نام. نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).

۲،۱۰. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، صفحه شروع و پایان مقاله.

۳،۱۰. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایره المعارف ها: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.

۴،۱۰. در صورت نامشخص بودن محل نشر از لفظ «بی جا»، نام ناشر «بی نا» و تاریخ نشر از لفظ «بی تا» استفاده شود.

۱۱. نقل قول های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج شود و ابتدا و انتهای مطلب در گیومه «» قرار گیرد.

۱۲. عنوان کتاب در متن مقاله ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.

۱۳. درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پرانتز ضروری است.

۱۴. مقاله در الگوی A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه ها (چپ و راست ۴ و بالا و پایین ۵ سانتی متر) و میان سطرها (۱ سانتی متر)، در محیط ۲۰۰۷ word، متن مقاله با قلم ۱۴ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت ها و کتابنامه ۱۲ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف چینی شود و حجم مقاله حداقل ۴۰۰ و از ۸۰۰۰ کلمه تجاوز ننماید.

۱۵. **عناوین تیتراها:** عناوین با روش شماره گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی بکار رود.

۱۶. **شکل ها، نمودارها و جداول:** اصل عکس ها، نمودارها و جداول باید همراه با متن مقاله در محل مناسب علامت گذاری و دارای زیرنویس باشد.

۱۷. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ([www.persianacademy.com](http://www.persianacademy.com)) در نگارش مقالات الزامی است.

### **ب) راهنمای ارسال مقالات و فرایند داوری:**

۱. مقاله دستاورد پژوهش علمی نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲. مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد. (تکمیل تعهدنامه از سوی نویسنده مسئول الزامی است).

۳. فایل مقاله به نشانی پست الکترونیکی دو فصلنامه ([Quran.etrat.journal@gmail.com](mailto:Quran.etrat.journal@gmail.com)) با ذکر نام و نام خانوادگی کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام متبوع وی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال شود.

۴. «دو فصلنامه نامه قرآن و عترت»، در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی شود. دو فصلنامه هیچ گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله برعهده نخواهد داشت و مقالات رسیده پس از تأیید داوران و تأیید سردبیر، چاپ خواهد شد.

۵. مسئولیت های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله، برعهده نویسنده مسئول است.

۶. تقدّم و تأخّر چاپ مقالات با بررسی و نظر هیأت تحریریه مشخص می شود.

۷. سردبیر، نامه پذیرش مقاله را تنها پس از انجام اصلاحات مورد نظر داوران صادر خواهد کرد.

۸. قالب انتشار دو فصلنامه چاپی - الکترونیکی است. در صورت چاپ مقاله، دو نسخه از دو فصلنامه به نویسنده مسئول اهدا می شود.



## فهرست مطالب

۷

اصول ده‌گانه رفتاری در انتقال مفاهیم  
دروس دینی و قرآن ابتدایی از منظر قرآن کریم  
معصومه حافظی / معصومه شریفی

۲۹

تتبعی در علل ناکارآمدی آموزش‌های دینی مدارس  
زهرا فخرروحانی

۵۱

اصول و روش‌های تربیتی انبیا در قصص قرآن  
از منظر تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن  
زینب طیبی / نرگس توکل

۷۷

تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی  
از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی  
شهرزاد عبدالرحیمیان / شکوفه دارابی

۸۹

آسیب‌های فضای مجازی برای خانواده  
و راه‌کارهای مقابله با آن  
امید اسدی / محمد حسین نژاد

۱۵۹

مقایسه‌ی نظری شبکه‌های ارتباطی  
از منظر اسلام و علوم انسانی غرب  
سید سجاد مجابی / مرتضی رازداری / محسن ذوالقدرنسب



# اصول ده‌گانه رفتاری در انتقال مفاهیم دروس دینی و قرآن ابتدایی از منظر قرآن کریم<sup>۱</sup>

معصومه حافظی<sup>۲</sup>

معصومه شریفی<sup>۳</sup>

## چکیده

این پژوهش با هدف ترویج فرهنگ غنی قرآن کریم و استخراج اصول رفتاری مورد نیاز آموزگاران که رسالت مهم تدریس دروس دینی و قرآن مقطع ابتدایی را به عهده دارند، به سامان رسیده است. در قرآن کریم، شیوه تبلیغ دین، برآمده‌هایی همچون مدارا، خودسازی، تبشیر و انذار و تواضع استوار است که در این مقاله، ده مورد از این اصول، مورد واکاوی قرار گرفته است. این اصول رفتاری، بیشتر از آیاتی استخراج شده‌اند که انبیای الهی و به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان اسوه‌ی رفتاری در فرآیند تبلیغ علوم دینی، مورد خطاب قرار داده‌اند. در این پژوهش، با معیار قرار دادن این دسته از آیات، داده‌ها با روش کتابخانه‌ای استخراج شده و با بهره‌بردن از سخنان معصومین علیهم‌السلام و مراجعه به کتاب‌های لغوی، تفسیری و اخلاقی، با شیوه تفسیر اجتهادی و به شکل توصیفی-تحلیلی، مسأله تحقیق تبیین شده است. باور بر آن است که اصول یادشده، از جمله راهکارهای بهینه‌سازی فرآیند پرورش دینی دانش‌آموزان است و آموزگاران دروس دینی، با به‌کارگیری این اصول رفتاری، خود را به سرچشمه علم الهی متصل نموده‌اند که از هرگونه خطایی مصون بوده و به ارتقا و بالندگی فرهنگ تعلیم و تربیت کمک شایانی می‌نمایند. واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ، اصول رفتاری، مربی، دروس دینی و قرآن.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۳۰

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه فرهنگیان قم [hafezi.mp@gmail.com](mailto:hafezi.mp@gmail.com)

۳. استادیار دانشگاه فرهنگیان استان قم، پردیس حضرت معصومه علیها‌السلام [dr\\_sharif\\_masoomeh@yahoo.com](mailto:dr_sharif_masoomeh@yahoo.com)

## مقدمه

آموزه های قرآن کریم، مشتمل بر اصول و قواعدی مستحکم در زمینه ی تعلیم و تربیت بشری است که بر قلب بزرگ ترین معلم تاریخ بشریت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شده و با اعجاز فرازمانی، نظراتی نو و کارآمد را در مسیر بالندگی و رشد تمدن پدید آورده است. قرآن کریم، کتاب هدایت است و در جریان هدایتگری این کتاب وحیانی، از ذکر قواعد و اصول رفتاری که از جمله ابزارهای یک تدریس و تبلیغ موفق در زمینه معارف الهی است، فروگذاری نکرده است؛ اصولی که عاری از هرگونه خلل و کاستی بوده و از منبع وحی الهی سرزیر شده اند. با کنکاش و استخراج اصول رفتاری از قرآن کریم و به کارگیری آن ها در فرایند یاددهی، می توان فرهنگ تعلیم و تربیت را در جامعه خود درخشان تر کرد و تحولات و تطورات ارزشمندی را به وجود آورد. غفلت از استخراج اصول و قواعد یاد شده از قرآن، نظام آموزشی- تربیتی جامعه اسلامی را در بافتی قرار می دهد که با سرچشمه دانش، فرسنگ ها فاصله دارد. چنین نظامی هرچند در جستجوی دانش باشد، اما از چالش ها و آفت های نظری آدمی مصون نبوده و برای شفافیت و یافتن الگوها و معیارهای اصیل، قربانی های زیادی را با آزمون و خطا به جا می گذارد. با این نگاه، ضرورت پژوهش حاضر از سرچشمه دانش روشن می شود.

در این نوشتار، سعی بر آن است با تمسک به آیات هدایت گری انبیای عظام الهی، به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز بهره بردن از فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان معلمان و مفسران راستین قرآن کریم، اصول رفتاری مورد نیاز آموزگاران دروس دینی و قرآن را استخراج و تبیین کرده و این گونه به ترویج فرهنگ متعالی قرآن کریم در قلمرو تعلیم و تربیت مفاهیم دینی بپردازد.

با وجود آنکه درباره ی الگوها و راهبردهای تدریس و تبلیغ علوم، قلم فرسایی شده؛ اما درباره ی اصول رفتاری در انتقال مفاهیم دروس دینی و قرآن از منظر قرآن کریم، تحقیق مستقل، جامع و سامان مندی شده صورت نگرفته است. نظریه ی ضرورت حاکمیت این اصول بر قلمرو تعلیم و تربیت دینی، نظریه ی جدیدی نیست؛ اما ترسیم این فرهنگ متعالی از قرآن کریم، به منزله ی کاری نوبوده و در این مقاله سعی بر آن است که اصول مربوط، هدفمند و منسجم، استنباط و تبیین شوند؛ گرچه حق مطلب در این مسیر پویای دانش را، با نگارش یک مقاله ادا نمی شود و با استفاده از چراغ همیشه روشن دانش الهی، انتظار دستاوردهای علمی گسترده ای



در این باره است که این مقاله می‌تواند شمه‌ای از دانش مربوط را به تصویر بکشد. این پژوهش با مبنا قرار دادن آیات مربوط به هدایت‌گری انبیای الهی، به ویژه پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ و با مراجعه به کتاب‌های تفسیری، لغوی، روایی و اخلاقی و با ابزار فیش‌برداری و به روش توصیفی. تحلیلی، به استخراج و تبیین اصول مربوط پرداخته و بر پایه آن بنیاد و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، با روش تفسیر اجتهادی به تبیین و تفسیر مستندات بپردازد و این‌گونه اصول رفتاری در انتقال مفاهیم دینی از منظر قرآن کریم را به جامعه فرهنگی تقدیم کند. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که اصول ده‌گانه رفتاری در انتقال مفاهیم دروس دینی و قرآن ابتدایی از منظر قرآن کریم کدام است؟

## ۱. مفهوم شناسی

مهم‌ترین مفاهیم این نوشتار که نیازمند توضیح است به شرح ذیل است:

### الف) اصول

«اصل» در لغت بر «ته و بن هر چیز» و به هر آنچه که وجود چیزی دیگر به آن بسته است، اطلاق می‌شود. اصل، مقابل فرع است و جمع آن اصول است و بر قوانین نیز گفته می‌شود. (جز، ۱۹۷۳م، ص ۱۰۹) بر این اساس، از آن جایی که قوانین هر موضوع، اصل و ریشه‌ی آن موضوع است، می‌توان در تعریف اصل گفت که اصل عبارت از قاعده و قانون ثابتی است که پایه و ستون مسائل مربوط به قلمرو خود را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که استنباط کلیه‌ی احکام و مسائل مربوط به آن حوزه، بر مبنا و مطابق آن قاعده صورت می‌پذیرد.

### ب) اصول رفتاری

منظور از اصول رفتاری، قواعدی است که به جهت استواری و ثباتشان، در ادوار گوناگون، به عنوان زیرساخت‌های تربیتی مطرح است.

## ۲. اصول رفتاری مورد نیاز آموزگاران در قرآن کریم

قرآن کریم در حوزه‌ی تربیت دینی، آموزه‌هایی را ارائه می‌دهد که می‌توان از آن‌ها به عنوان قواعد و یا اصول رفتاری یاد کرد؛ اصولی که در ادوار گوناگون کاربرد داشته و به عنوان

ستون‌های تربیتی در فرهنگ قرآن کریم، مطرح‌اند. در حقیقت، اصول مربوط که از سرچشمه زلال دانش الهی نشأت گرفته‌اند و ترسیم‌کننده رفتار پیامبران الهی، به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است و می‌تواند چراغ راه آموزگاران دروس دینی و قرآن باشد؛ آموزگارانی که رسالت تربیت دینی دانش‌آموزان را به عهده دارند. از آن جا که دانش‌های قرآن کریم جاودانه بوده و در عرصه هدایت، تبیین‌کننده همه چیز است: «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، در این جا از انحصار اصول نمی‌توان سخن گفت؛ بلکه مراد از اصول ده‌گانه در این پژوهش، اصولی است که تنها در عرصه پژوهش حاضر استخراج شده‌اند و اینک به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

## ۱-۲. سعه صدر و مدارا

در تدریس مفاهیم دینی همچون ترویج نماز، حجاب، احترام به والدین و ... در دروس هدیه‌های آسمان و آموزش قرآن ابتدایی، در صورتی می‌توان به اهداف واقعی درس نائل شد و آن مفاهیم را از بعد نظری و عملی نهادینه کرد که آموزگاران با فراگیران با نرمی و عملکردی دور از هرگونه خشونت (کلامی، جسمی، روانی) رفتار کنند. از منظر قرآن کریم، این قاعده‌ی مهم، رمز موفقیت پیامبر اکرم ﷺ به عنوان بزرگترین معلم قرآن کریم، شمرده شده و در این باره آمده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَقَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند».

در آیه‌ی یاد شده، خداوند متعال، محبوبیت و جذب افراد توسط پیامبر اکرم ﷺ در امر هدایت دینی را مدیون نرمی وی دانسته است؛ همان نرمش و عطوفتی که بنا بر متن آیه شریفه ریشه در رحمت الهی داشته و از گنجینه‌های الهی دریافت شده است. براساس آموزه‌ی فوق، نه تنها رمز موفقیت پیامبر ﷺ به رفتار نرم و عاری از خشونت وی وابسته بود؛ چراکه هرگونه خشونت ورزی در امر تبلیغ دین، آسیبی بر پیکره‌ی دین حک می‌کند و موجب پراکنده شدن مردم و شکست و ناکامی در این رسالت بزرگ می‌شود. در فرهنگ قرآن کریم، عشق و محبت، دلیل اطاعت از پیامبران الهی خوانده شده است و رابطه‌ی بین اطاعت و محبت کردن، یک رابطه تفکیک‌ناپذیر دانسته شده است؛ همان‌طور که در این باره آمده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ

تَحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ (آل عمران: ۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد». امام صادق ع از رسول اکرم ص نقل می‌کند: «به کودکان محبت کنید و مورد شفقتشان قرار دهید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۹). بنابراین یک معلم موفق برای رسیدن به هدف درس، هرگز از خشونت استفاده نمی‌کند؛ بلکه فراگیران را مورد لطف خود قرار می‌دهد و حب و ملاحظت را با تدریس خود آمیخته می‌کند. ضرورت رعایت این اصل اخلاقی توسط آموزگاران دروس هدیه‌های آسمان و آموزش قرآن از چند زاویه نمایان است: (یک) از آنجا که هدف اصلی این دروس، ایجاد ارتباطی وثیق میان فراگیران و خداوند متعال برپایه شناختی صحیح بوده، رعایت این اصل اخلاقی، در این دروس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

دو) با توجه به آن که دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، نونهالانی هستند که در ابتدای مسیر رشد کمالات بوده و بیشتر به ملاحظت و مدارا احتیاج دارند، رعایت این شاخصه‌ی رفتاری در مورد آن‌ها از ضرورت بیشتری برخوردار است.

سه) آموزه‌های دروس دینی و قرآن ابتدایی، در راستای این اصل اخلاقی بنا شده و با آن پیوندی جدانشدنی دارند؛ به عنوان مثال، تدریس مهربانی خداوند نسبت به بندگان: ﴿وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷)، در کتاب آموزش قرآن پایه پنجم (ص ۵۴) و یا آموزه‌ی مربوط به گذشت و فروبردن خشم ﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۳۴)، در کتاب هدیه‌های آسمان این پایه (ص ۵۵)، تنها برپایه رعایت اصل یاد شده قابل پذیرش است و بدون آن، آموزگار نمی‌تواند فرایند تدریس را با موفقیت تمام طی نماید.

#### ۱-۲. پیامبر اکرم ص، اسوه حسنه در مدارا

پیامبر اکرم ص که در کلام پروردگار متعال، اسوه حسنه معرفی شده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود﴾ (احزاب: ۲۱)، رسول رحمت و مهربانی است؛ چنانکه در مورد وی آمده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۱۰۷)؛ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. بزرگ معلم تاریخ که به جهت خاتم‌الأنبیا بودن و جهانی بودن دین اسلام، سنگین‌ترین رسالت الهی را بردوش داشتند و نسبت به مؤمنین همواره رؤوف و مهربان بودند: ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه: ۱۲۸) و

همواره در برابر توهین ها و بی ادبی ها، صبور و بردبار بود؛ تا جایی که حتی ایشان را آزار می دادند و - به تمسخر - او را «أذن» (خوش باور) می خواندند؛ ولی خداوند متعال در برابر رفتارهای زشت آن ها، به پیامبر ﷺ برخوردی مداراگونه را توصیه می کند و می فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ (توبه: ۶۱)؛ از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او آدم خوش باوری است! بگو: خوش باور بودن او به نفع شماست». بنابراین اصل اخلاقی، آموزگاری که پیامبر اکرم ﷺ را الگوی خود قرار می دهد، هرگز با توهین فراگیران، رفتاری از خود بروز نمی دهد که آن ها را از خود دور کند، بلکه مدارا پیشه نموده و دلسوزانه هدایت فرد را دنبال می نماید. در قرآن کریم، سه شاخصه از شرایط تبلیغ و هدایت بشری به صورت خطاب به پیامبر اکرم ﷺ مطرح شده است؛ چنانکه فرموده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف: ۱۹۹)؛ (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)!» این شاخصه های رفتاری که پیامبر اکرم ﷺ بدان ها آراسته است، عبارتند از: گذشت و عدم سختگیری؛ دعوت به خوبی ها؛ روی گرداندن از جاهلان و عدم ستیزه با آن ها. رعایت این شاخصه های رفتاری توسط آموزگاران که در مسیر تبلیغ دین تلاش می کنند و پیامبر اکرم ﷺ را اسوه حسنه خود می دانند، موضوعیت داشته و البته لازمه چنین رفتارهای اخلاقی، مدارا کردن با فراگیران است. ممکن است چنین پنداشته شود که با ایجاد ترس و محیطی خفقان آور و سهمگین در فضای آموزشی، می توان فراگیر را به اطاعت نمودن و در نتیجه اهداف درسی سوق داد. این انگاره با روان شناسی قرآن کریم، در تعارض است؛ گرچه این پندار نادرست در برهه هایی از تاریخ سرزمینمان، به عنوان یک راهکار صحیح در نگاه افراد جامعه تلقی می شد، تا آنجا که حتی یکی از علمای تربیت و اخلاق در قرن هفتم هجری، چنین تنبیهی را از آداب تربیت کودک، توسط معلم دین دار و عاقل شمرده و در این باره گفته است: «چون معلم در اثنای تأدیب، ضربی بتقدیم رساند از فریاد و شفاعت خواستن حذر فرمایند، چه آن فعل ممالیک و ضعفا بود، ضرب اول باید که اندک بوده و نیک مولم، تا از آن اعتبار گیرد و بر معاودت دلبری نکند» (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۲۲۶).

همچنین تاریخ گواه آن است که سلاطین و زورگویان در طول تاریخ بشریت، برای مطیع کردن رعایا، چاره ای جز خشونت ورزی نداشتند و از آن حربه، بهره ها می بردند. قرآن کریم درباره

عملکرد فرعون جهت مطیع نمودن مردم می‌فرماید: ﴿فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ﴾ (زخرف: ۵۴)؛ (فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند. این روش فرعون‌گونه در مقایسه با رفتار پیامبران الهی، الگویی متفاوت به خود می‌گیرد و آموزه‌ای که قرآن کریم برای هدایت نمودن افراد مطرح می‌فرماید، اصلی متضاد با آن روش ناپسند است و حتی در مورد فرعون که فردی بسیار سرکش است، از موسی علیه السلام می‌خواهد که با او به نرمی رفتار شود: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا؛ اما بنرمی با او سخن بگویند﴾ (طه/ ۴۴) و اجازه خشونت و رزی نمی‌دهد. بدیهی است انسان وقتی که از روحیه‌ی والای بردباری و قدرت تدبیر خالی باشد، چاره‌ای جز اسیرکردن دیگران ندارد؛ آموزگاری هم که به اهداف درس دینی و قرآن توجه دارد، هرگز دانش‌آموز خود را خوار نمی‌کند؛ بلکه او را بزرگ شمرده و رفتار بزرگوارانه‌ای با وی در پیش می‌گیرد؛ رفتاری که حبّ وی را در قلب دانش‌آموز بارور نموده و پذیرش آموزه‌ها را منطقی می‌کند.

#### ۲-۱-۲. پاسخ بدی با خوبی بر محور بردباری

مطابق قرآن کریم، چنانچه آموزگار درصدد باشد که فرصت‌های یادگیری فراگیران را ارتقا بخشد، باید بدی را با خوبی دفع کند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴)؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

در پایان آیه شریفه، حکمت دفع بدی با خوبی این چنین مطرح شده است که دشمنی به دوستی تبدیل می‌شود. البته چنین رفتاری نیز میسر نمی‌شود مگر اینکه انسان، خود را به صفت صبر و تقوای الهی مزین کند؛ چنانکه در آیه بعد بدان اشاره شده است: ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ (فصلت: ۳۵)؛ اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی‌گردند! علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه شریفه، مراد از (ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ) را کسانی دانسته‌اند که بهره‌ای عظیم از کمال انسانیت و خصلت‌های نیک دارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۹۲) آموزگاران دروس دینی و قرآن که راه انبیای الهی را دنبال می‌کنند، باید از بردباری آن بزرگواران سرمشق گیرند؛ آنانکه در راه تبلیغ علوم دینی همواره از صبراستعانت می‌جستند و مداراگونه

برخورد می‌کردند. همه رسولان الهی در مسیر هدایت افراد، مورد توهین و تمسخر برخی افراد قرار می‌گرفتند؛ همان‌طور که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (یس: ۳۰)؛ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد، مگر اینکه او را استهزا می‌کردند. آموزه‌ی پروردگار در برابر تمسخر این افراد، دعوت به صبر و بردباری است؛ چنانکه در مورد کسانی که اعم از پیامبران و دیگر مؤمنان. مورد تمسخر کافران قرار می‌گرفتند، فرموده است: «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (مؤمنون: ۱۱۰)؛ ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم. آن‌ها پیروز و رستگارند!»

## ۲-۲. خودسازی آموزگار

قرآن کریم به صراحت به این اصل اشاره کرده است: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَثْلَوْنَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟». برخی مفسران در ذیل آیه شریفه به این اصل مهم اشاره کرده‌اند؛ در تفسیر نمونه تصریح شده است که اصولاً يك برنامه اساسی مخصوصاً برای علما و مبلغین و داعیان راه حق، این است که بیش از سخن، مردم را با عمل خود تبلیغ کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۵). معلمی که خود را مزین به صفات اخلاقی سازد و به دستورات دینی عمل نماید، می‌تواند فراگیران را با عمل به آموزه‌ها، هدایت کند. آیه الله جوادی آملی در تفسیر این آیه بیان می‌کند: «بی‌تردید اگر آمریا ناهی، خود اهل عمل باشد، امر و نهی او از تأثیر ویژه‌ای برخوردار است و چنانکه از روایات اسلامی و تجارب علمی برمی‌آید، حرکات قلبی و جذبه‌های نفسانی انسان‌های اهل عمل، تأثیر ویژه‌ای در نفوس دیگران دارند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۵۰).

قرآن کریم از پیامبر اکرم ﷺ در کنار دعوت‌کننده به سوی خداوند، به «سراج منیر» تعبیر کرده است. «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب: ۴۶)؛ و تورا دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش! آیه الله جوادی آملی در تشریح «سراج منیر» بیان می‌کند که توان پراکندن غبارها و درخشان کردن فطرت انسان‌ها، نه در پهنای زبان

یافت می‌شود و نه در بلندای قلم و تعبیر سراج منیر، گویای این حقیقت است که این مسیر را باید چراغ گونه نمود و چراغ هرگز با صدا و سخن هدایت نمی‌کند؛ بلکه با کار خویش راه را می‌نمایاند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۶۱) با این بیان، کسی که مدرّس و مبلغ دروس دینی و قرآن است، بر او لازم است که ابتدا خود عامل به رهنمودها بوده تا بتواند تأثیری به سزا در امر هدایت‌گری فراگیران داشته باشد.

## ۲-۱. عامل بودن

در آموزه‌های قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام لزوم توجه به عامل به عمل بودن آمده است؛ حضرت علی علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمودند: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱)؛ به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش». در این فرمایش گرانقدر، کسی شایسته امر به معروف دانسته شده که خود عامل به معروف باشد؛ همانطور که ایشان خود نیز الگو بودند و در این باره م فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنْتَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، خطبه ۱۷۵)؛ ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر آنکه پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم، جز آنکه پیش از آن ترک گفته‌ام».

امام صادق علیه‌السلام در یکی از سخنان خود، بهینه‌سازی تربیت دینی را به اصل خودسازی مرتبط ساختند و فرمودند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۸)؛ مردم را با اعمالتان به سوی خدا بخوانید نه با زبان‌هایتان». ایشان دعوت با عمل را به عنوان ابزار دریافت پیام خواندند؛ پیامی که مردم با دیدن پرهیزکاری و اعمال نیک مبلغ به آن دعوت می‌شوند و در این باره فرمودند: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِمَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَيَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸)؛ چنین باشید که مردم را بدون گفتار به خدا دعوت کنید تا از شما پرهیزکاری و کوشش و نماز و خیر ببینند؛ که همانا این نوعی دعوت کردن است». امام صادق علیه‌السلام در مورد این اصل رفتاری در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند که خداوند عزوجل، پیامبرش را به بهترین آداب الهی مؤدب کرد، وقتی ادب او به کمال رسید، فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. سپس اداره امور دینی و دنیایی مردم به ایشان واگذار شد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج

۱، ص ۲۶۶). همچنین درباره آسیب‌های ناشی از عدم رعایت این اصل مهم فرمودند: «إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمُطْرُ عَنِ الصَّفَا (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴)؛ همانا عالم در صورتی که به دانش و دانایی خود عمل ننماید، مواظ و نصایح وی از دل‌های مردم می‌لغزد و رویگردان می‌شود؛ همان‌گونه که باران بر تخته سنگ‌های صاف می‌لغزد». در این مجال توجه به دو نکته، بایسته است: رعایت این شاخصه از الگوهای مطرح شده در قیاس با دیگر دروس، به نوعی وجهی انحصارگونه دارد؛ زیرا رعایت این اصل قرآنی در تدریس محتوای دروس دینی ضرورت دارد و در راستای هدایت فراگیران است. همچنین از آنجا که الگوپذیری دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی نسبت به مقاطع دیگر بیشتر بوده، ضرورت رعایت این اصل رفتاری در تدریس آموزگار، برجسته‌تر است؛ به عنوان مثال یکی از پیام‌های قرآنی در پایه سوم ابتدایی (ص ۱۲۲)، آیه شریفه: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) است. مشخص است چنانچه آموزگار خود خوش‌گفتار نباشد، نمی‌تواند در تدریس این پیام الهی، موفقیت زیادی داشته باشد؛ البته این بدان معنا نیست که وی نمی‌تواند هیچ نقشی در آموزش این پیام قرآنی داشته باشد؛ بلکه نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته است، در تدریس خود موفق باشد. با این بیان، پیشنهاد می‌شود که در نظام آموزش و پرورش، به این شاخصه‌ی مهم به خصوص در گزینش آموزگاران دینی و قرآن، توجه شود و در صورت امکان، از آموزگاران برای تدریس این دروس استفاده شود که خود عامل به مفاهیم مربوط باشند و با توجه به اهمیت موضوع، در این زمینه تدبیرهایی مناسب اندیشیده شود.

## ۲-۳. پشتکار

از اصول رفتاری مورد نیاز آموزگار در انتقال مفاهیم دینی، تلاش و پشتکار است؛ تلاشی که تجلی‌گاه معرفت عمیق معلم دین به ضرورت هدایت فراگیران است. از منظر وحی الهی، یک آموزگار دینی با تأسی به تلاش و دغدغه‌ی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر امر هدایتگری ائمت، در آموزش مفاهیم دینی به دانش‌آموزان، باید رغبت و پشتکار فراوان داشته و در راه این رسالت بزرگ، از هیچ تلاشی دریغ نکند. خداوند از این روحیه والای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این چنین یاد می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (توبه:



۱۲۸)؛ به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رثوف و مهربان است! بنا بر این الگوی قرآنی، رنج و عذاب فراگیران بر آموزگار دین بسیار گران بوده و او در مقام شامخ هدایتگری خود، با تلاشی منسجم، مسیر بالندگی امت را هموار می‌سازد و البته این روحیه در آموزگاری که می‌خواهد آموزه‌های دینی را به فراگیران آموزش دهد، میسر نمی‌شود، مگر آنکه وی نسبت به هدایت فراگیران عشق بورزد؛ همانطور که پیامبر اکرم ﷺ از چنین روحیه‌ای برخوردار بود و به تعبیر یکی از مفسران در تفسیر «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»، پیامبر اکرم ﷺ نسبت به هدایت مردم، حریص و عاشق بود. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۳۹) این روحیه‌ی پشتکار و اهمیت دادن به تبلیغ دین، آنچه‌ای که درباره پیامبر اکرم ﷺ صادق است که خداوند متعال جهت دلداری به وی می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء: ۳)؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند!»

#### ۲-۴. داشتن روحیه‌ی امیدواری

از دیگر اصول رفتاری معلّم و مبلّغ دینی در فرهنگ قرآن کریم، اصل امیدواری است. یک مدرّس دینی، جهت موفقیت در انجام رسالت خود، از روحیه‌ی والای امید برخوردار است و همواره از برچسب منفی زدن در مورد فراگیران پرهیز می‌کند. خداوند متعال در مورد تبلیغ موسی عَلَيْهِ و برادرش هارون، به سخن گفتن با نرمی امر می‌کند و اذهان آن‌ها را از افکار نامیدانه دور می‌سازد و می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه: ۴۴)؛ اما به نرمی با او سخن بگویند شاید متذکّر شود، یا (از خدا) بترسد». از منظر قرآن کریم، مدرّس دین، حتی در برخورد با فرعون که قلبش همچون سنگ بوده و ظلم‌های او مانع هدایتش گشته‌اند، باید به آموزه‌ی «یتذکّر او یخشی» توجه داشته باشد؛ چه رسد به نونهالانی که از فطرت پاک الهی برخوردار بوده و قلبشان آماده و مستعد هدایت الهی است. خداوند متعال در این آیه به کسانی که رسالت هدایت افراد را به عهده دارند، پیام می‌دهد که همواره امید به اصلاح افراد داشته باشند و حتی از هدایت هیچ بیمار عقیدتی نیز مأیوس نشوند. حضرت علی عَلَيْهِ در سفارش به فرزند خود امام حسن مجتبی عَلَيْهِ، به زمینه بسیار مستعد روح نوجوانان برای رشد و تکامل اشاره کرده

و فرمودند: ﴿إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ﴾ (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

## ۲-۵. تبشیر و انذار

در قرآن کریم، بشارت و انذار دادن امت، از وظایف انبیای الهی شمرده شده است و خطاب به پیغمبر اکرم ﷺ آمده است: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ (بقره: ۱۱۹)؛ ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی. در فرهنگ قرآنی، از این ویژگی رفتاری انبیای الهی به فراوانی سخن گفته شده است؛ به طوری که به جهت تفکیک ناپذیری آن با امر رسالت، می توان از آن به عنوان عضوی از رسالت ایشان یاد کرد. (بقره: ۲۱۳؛ نساء: ۱۶۵؛ انعام: ۴۸؛ کهف: ۵۶) از آن جا که در آیات مربوط، واژه های مربوط به بشارت و انذار در کنار هم ذکر شده اند، می توان از باب مسامحه از آن ها به عنوان یک اصل رفتاری در هدایت بشری تعبیر نمود. راغب اصفهان، واژه های «تبشیر» و «انذار» را به معنای نوعی خبر دادن می داند؛ «تبشیر» را به معنای خبری که در آن سرور است و «انذار» را به معنای خبری که در آن ترس است می داند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۹۸). از آیه شریفه ی یاد شده، روشن می شود که بشارت و انذار رسول اکرم ﷺ از جمله رسالت ایشان بوده و با انجام آن، رسالت ایشان به درستی انجام شده و دیگر در برابر اصحاب دوزخ مسئولیتی ندارند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ با آگاهی بخشیدن به نتایج اعمال خیر (تبشیر) و اعمال شر (انذار)، حق مطلب را ادا کرده و دیگر انتخاب با خود افراد است که راه مستقیم را برگزینند یا مسیر ضلالت را انتخاب کنند. زمخشری از مفسران ادیب قرن ششم نیز از ارسال پیامبر ﷺ به عنوان «بشیر و نذیر» در آیه شریفه، چنین برداشت کرده که پیامبر ﷺ نمی تواند مردم را برای ایمان آوردن به خدا مجبور کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱، ۱۸۲). در قرآن کریم، از جمله ویژگی های حضرت یحیی ع را جبار نبودن ایشان دانسته است. «وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا» (مریم: ۱۴) و خطاب به پیامبر اکرم ﷺ تصریح شده که تو جبار نیستی، تو فقط باید به وسیله قرآن آن ها را متذکر سازی. «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مِنَ الْخَافِ وَعِيدٍ» (ق: ۴۵)؛ و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی

پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می‌ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است)! بیان محکم قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ که توجّبار نیستی، پیامی صریح به آموزگاران درس دینی و قرآن دارد که شما نباید جبار باشید و به تعبیریکی از مفسران در ذیل آیه، ایمانی که از راه اقناع به ضرورت آن دست نیاید، چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟ (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۵۰۴) از این رو، آموزگاران که وظیفه‌ی رساندن مفاهیم دینی را به عهده دارند، به تأسی از رسول اکرم ﷺ، باید متوجه نقش بشیر و نذیر بودن خود باشند و همواره در حین تدریس به نقش آن اهتمام ورزند. آن‌ها باید فراگیران را به انجام اعمال نیک تشویق نموده و از اعمال شر و پیامدهای آن آگاه نمایند و عملکردشان در امر تدریس آموزه‌های دینی عاری از تهدید و اجبار باشد.

برخی قرآن پژوهان، مراد از «انذار» در قرآن کریم را به معنای (تهدید) دانسته‌اند و آن را در زمره رسالت انبیای الهی شمرده‌اند؛ به عنوان مثال در یکی از برداشت‌ها آمده است: «پیامبر از جانب خداوند مأموریت داشت که در جهت هدایت مردم، هم از راه تشویق و هم از راه تنبیه و تهدید گام بردارد». (کوثر، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۲۳۷-۲۳۶) این تعبیر، نمی‌تواند تعبیری صحیح در تبیین آیات مربوط به انذار پیامبران باشد؛ زیرا رسول الهی برای تهدید کردن نیامده؛ بلکه برای هدایت بشریت مبعوث شده و کسانی که در مسیر حق واقع می‌شوند را بشارت و گمراهان را از عواقب راه و پرتگاه‌های مسیر، انذار می‌دهد. در قرآن کریم، میان بیان کردن حقایق توسط رسول الهی و بشیر و نذیر بودن ایشان هیچ گونه تفکیکی وجود ندارد؛ چنانکه در مورد رسول اکرم ﷺ فرموده است:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسْلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (مائده: ۱۹)؛

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد، در حالی که حقایق را برای شما بیان می‌کند تا مبادا (روز قیامت) بگویید: نه بشارت دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده‌ای! (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. در این آیه شریفه، پیامبر ﷺ مکلف به ابلاغ در قالب بشارت و انذار شده است و مطابق

عدل الهی، چنانچه پیامبرانی با این رسالت برای هدایت امت‌ها فرستاده نمی‌شدند، به مردم حق داده می‌شد که در فردای قیامت از اینکه فرستاده‌ای از سوی خداوند برای آگاه کردن آن‌ها از مسیر هدایت و نیز عواقب مسیر ضلالت نیامده، از خود دفاع کنند. بنابراین فرهنگ قرآن کریم، رسولان الهی و وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارند: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ (مائده: ۹۹)؛ پیامبر و وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد. با این بیان، پیام رسولان الهی که با بشارت و انذار همراه بوده، نوعی خبر بوده، نه اجبار، تهدید، خشونت و کتک کاری و این نوع رفتارهای خشونت‌آمیز نه تنها در رسالت آن‌ها راه نداشته؛ بلکه با آن در تضاد بوده است.

با وجود چنین آموزه‌های دینی، متأسفانه تاریخ سرزمینمان شاهد آن است که گاهی در مکتب خانه‌ها، چوب مدرّس، نقش هدایتگری را بازی می‌کرد و فرهنگ اخلاق محور قرآن کریم، آن‌گونه که باید در طول تاریخ اسلامی در متن تعلیم و تربیت قرار نگرفته بود. نگاهی به نظام آموزشی چند دهه‌ی پیش کشورمان، از این واقعیت تلخ پرده برمی‌دارد و اعمال خشونت‌ها و تهدیدها، جدایی و بریدن از اصول رفتاری قرآن کریم را گواهی می‌دهد و البته این رویه‌ی نادرست هدایتی، بیشتر در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی اعمال می‌شد؛ کودکانی که توان دفاع از خود را نداشته و چاره‌ای جز زیر شلاق و چوب فلک قرار گرفتن، نداشتند. خوشبختانه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به مرور زمان، قبح این نوع رفتارها هویدا شد و اکنون جامعه‌ی تعلیم و تربیت، سعی در پاکسازی این نوع رفتارهای خشونت‌آلود در برخورد با دانش‌آموزان دارد و پژوهشگران این عرصه، به جای بکارگیری چوب فلک، مدیریت مثبت رفتار را لازم شمرده و به عنوان مثال، به هنگام مواجه شدن با رفتاری بی‌قانونی از طرف کودک، پیشنهاد می‌دهند که وی را برای مدتی روی صندلی تفکر بنشانند، تا بتواند به تحلیل درستی از رفتارش برسد و پیشنهادهایی جهت جبران رفتارش بدهد (جان بزرگی و نوری و آگاه هریس، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

## ۲-۶. آسان‌گیری در یاددهی

همان‌گونه که رویه‌ی دین در هدایت و ارشاد افراد، آسان‌گیری و عدم فرامین سخت و سنگین و طاقت فرسا است، آموزگار دروس دینی و قرآن نیز باید مطابق این رویه عمل نماید، تا بتواند به درستی از عهده رسالت خود برآید. مطابق فرهنگ قرآن کریم، تکلیف طاقت فرسا بر

فراگیر، از هیچ جایگاه منطقی برخوردار نیست. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ؛ خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را﴾. (بقره: ۱۸۵) حضرت علی عليه السلام درباره تکالیف آسان پروردگار می فرماید: ﴿وَكَلَّفَ يَسِيرًا وَمَا يُكَلِّفُ عَسِيرًا﴾ (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۷۸)؛ خداوند احکام آسانی را واجب کرد و چیز دشواری را تکلیف نفرمود. گاهی برخی آموزگاران با سخت گیری زیاد و «تکلیف ما لا یتطاق»، تصور می کنند در راه هدایت دانش آموز، مَدِّبرانه عمل کرده اند؛ در حالی که مطابق دستور قرآن کریم، این شیوه نادرست و مخالف فطرت بشری است؛ زیرا مسیر هدایت از مسیر عشق و دوستی با حضرت حق جدا نیست. یادکردنی است این راهبرد، با پیگیری و پشتکار آموزگار در امر هدایت دانش آموزان، تعارضی ندارد؛ زیرا معلّم با داشتن سعهی صدر، می تواند کارهای بزرگ و مهمّی را به آسانی انجام دهد و به دانش آموزان هم تکالیف شایسته ای بدهد.

در مسیر هدایت آموزه های دینی، مشقت و سختی که آموزگار را نیز زجر دهد، وجهه و جایگاهی ندارد و در قرآن کریم، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: ﴿مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه: ۲)؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! با توجه به آیه بعد که می فرماید: ﴿إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يَحْشَى﴾ (طه: ۳)؛ آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می ترسند نازل ساختیم، به نظر می رسد مراد آیه این است که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نباید خود را در راه تبلیغ قرآن کریم، به مشقت و سختی فراوان بیندازد؛ همان طور که در یکی از تفاسیر تصریح شده است که منظور از «لتشقی» مشقت در راه تبلیغ قرآن است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۷۰).

## ۷-۲. بیان شیوا و روان

یکی دیگر از اصول رفتاری مورد نیاز آموزگاران در عرصه هدایت دانش آموزان، داشتن بیانی شیوا، گویا و روان است. در قرآن کریم، از جمله درخواست های حضرت موسی صلی الله علیه و آله از پروردگار متعال در انجام رسالتش، باز نمودن گره از زبان خود بوده است؛ چنانکه در این باره فرموده است: ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ (طه: ۲۷-۲۸)؛ و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند! برخی تفاسیر، مقصود از آیه شریفه را لکنّت زبان حضرت موسی صلی الله علیه و آله دانسته اند: «در زبان موسی نقصانی بود که شنونده متوجه سخن او نمی شد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵).

درحالی که از آیه شریفه چنین تعبیری برداشت نمی شود؛ بلکه عبارت شریفه «یفقهوا قولی» خود قرینه براین دارد که درخواست موسی عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند، بیانی شیوا و روان بوده؛ نه آنکه دچار لکنتی بوده و خواستار برطرف شدن آن باشد؛ زیرا از لحاظ لغوی، ماده «ف. ق. ه» به معنای دانستن و فهمیدن است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۳۷۰) نه صرفاً رساندن پیام. در رساندن پیام الهی، لازم است که زبان از لکنت عاری باشد؛ اما در تفهیم پیام دین، تنها نداشتن لکنت کافی نیست؛ بلکه شیوایی و روان بودن کلام نیز لازم است. افزون براین ها، مبرهن است که پیامبران الهی که از سوی خداوند متعال برای هدایت امت گزینش شده بودند، از معایبی که مخّل رسالت آن ها بوده، مصون بودند.

## ۲-۸. دانش افزایی

یکی دیگر از اصولی که رعایت آن در تدریس مفاهیم دینی لازم است، اصل کسب علم و تخصص است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود را شهر علم و حضرت علی عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را درب آن می خواند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، صص ۲۷-۳۴). در آموزه های قرآن کریم، یک مبلغ دینی باید در راستای تبلیغ علوم دینی با شیوه های مختلف علمی آشنایی داشته و آن را در فرایند تعلیم و تربیت به کارگیرد؛ چنانکه در این باره خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ ای رسول ما، با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.»

آموزگاری که رسالت هدایت نظری و عملی دانش آموزان و نونهالانی که از فطرتی سالم برخوردارند را به عهده دارند، باید خود متخصص این دروس بوده و آگاه به آموزه های قرآن کریم و فرمایشات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام باشند. طبیعی است کسی که به اصول و قواعد تفسیری آشنایی ندارد، در عملکرد خود، از ضربه ی تفسیر به رأی برپیکره ی دین مصون نخواهد بود و کسی که با علم حدیث و رجال نیز آشنایی نداشته باشد، در این مسیر از توطئه های افرادی همچون کعب الاحبار در امان نخواند بود. شاید چنین پنداشته شود که این تخصص ها در کرسی های دانشگاه ضرورت دارد، نه در مقطع ابتدایی که آموزگار با فراگیری سرو کار دارد که از سنّ

کمتری برخوردارند، اما این نگاه اشتباه است؛ زیرا در فرایند تعلیم و تربیت، این آموزگار ابتدایی است که باید نخست، اصول اولیه دینی را در ضمیر پاک دانش‌آموزان نهادینه کند و بدون تردید، لغزشی حتی اندک، خسارتی بزرگ‌تر از آنچه که در مقاطع بالاتر تصور می‌شود را به بار می‌آورد و اقدامی درست و سنجیده، نسلی با تربیت دینی مستحکم را ثمر می‌بخشد؛ از این رو، توانمندی آموزگار در مسائل تخصصی دین، اصلی اجتناب‌ناپذیر در بهینه‌سازی فرایند پرورشی دانش‌آموزان است.

## ۹-۲. پرهیز از جمود و تعصب

یکی دیگر از اصول رفتاری در تبلیغ دین که آموزگاران دروس دینی و قرآن باید بدان پای بند باشند، پویایی رفتار است که آموزگار را محدود به شیوه مطابق با سلیقه فردی خود نمی‌کند و به وضعیت، ظرفیت و سلائق دانش‌آموزان نیز متوجه می‌سازد. به تعبیری یکی از نظریه‌پردازان، تعلیم باید متناسب با سنّ دانش‌آموز و در خور فهم و استعداد وی باشد؛ به گونه‌ای که هرگز از آن تعلّم خسته و منزجر نشود (مظلومی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۷). رسول گرام اسلام ﷺ در مورد سیره‌ی پیامبران الهی علیهم‌السلام در این باره می‌فرماید: «ما پیامبران امر شدیم که با مردم به قدر عقلشان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۲۳). تخصص‌محوری در سیره‌ی آموزگاران که در اصل پیشین به آن اشاره شد، مانع آفت‌هایی می‌شود که ریشه در جهل و نادانی و یا تعصب‌های بی‌جا دارد. در فرهنگ قرآن کریم، یک مبلّغ دینی باید حکیم باشد تا بتواند در انجام این رسالت سربلند باشد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما».

به طور معمول، انسان در اثر جهل و نادانی و نیز داشتن تعصب در برابر حقایق، دچار جمود فکری می‌شود؛ جمودی که با فرهنگ متعالی قرآن کریم، فرسنگ‌ها فاصله دارد. قرآن کریم در مورد کسانی که باورهایشان تعصب‌گونه شکل گرفته، می‌فرماید: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَوْحُونَ (روم: ۳۲)؛ مؤمنون: ۵۳)؛ هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دل‌بسته و) خوشحالند! کسی که دچار جمود فکری است، نمی‌تواند متناسب با حال مخاطبین، تکنیک‌های صحیح هدایتی را بیابد؛ بلکه خود را محصور و محدود در عملکرد فردی و یا خصلت‌های منحصر به فرد خود در امر تدریس

یافته و در جهل مرکب به سر می برد؛ زیرا او حتی نمی داند که راهبردهای متنوعی برای هدایت افراد وجود دارد و اینکه در ادامه آیه شریفه آمده است: «وَجَادِهُمُ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). آیه بیانگر آن است که کسی که رسالت هدایت افراد را به عهده دارد، در مسائل عقیدتی نگاهش به مخالفین، نگاهی تعصب گونه و خشونت آمیز نیست؛ بلکه با رعایت ادب و دانش کافی گفتگو می کند و حتی در برابر کسانی که روحیه مبارزه گونه دارند و لازم است در برخورد با آن ها از صنعت جدل استفاده شود، جدالی احسن گونه را در پیش می گیرد. او در این راه به مدرک و مدرک گرایی نمی اندیشد و خود را آگاه مطلق نمی پندارد، بلکه با طبع و ظرفیتی بلند، به روحيات مخاطبین خود توجه می کند و متناسب با جو فکری و عقیدتی آن ها، مدبرانه چگونگی بیان آموزه ها را کشف می کند و در جستجوی دوره های آموزشی نوین و صحیح است؛ چنین آموزگاری هرگز خود را فارغ التحصیل نمی داند و بر سلیقه خود در برخورد با مخاطبین، جمود نمی یابد؛ بلکه همواره دنبال راه حل هایی است تا دانش آموز خود را با شیوه ای که در او تأثیرگذار است، هدایت کند. مطابق آیه شریفه مذکور، گاهی لازم است برای برخی با برهان سخن گفت و عده ای هم ممکن است با موعظه نیکو هدایت شوند و برخی نیز که اهل عناد و ستیزه هستند، باید با آن ها با جدال نیکوتر (أحسن) برخورد و این گونه سعی در هدایت آن ها کرد. در قرآن کریم، بکارگیری این شیوه های متفاوت که هر کدام با توجه به ظرفیت پذیرش مخاطبین، در جایگاه خود به کار گرفته می شود، به پیامبر اکرم ﷺ امر شده است؛ بزرگ معلمی که هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گفتند و همواره مطیع پروردگار بودند. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (نجم: ۳)؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

بنابراین در توجه به آموزه ی مربوط، یک آموزگار درس دینی و قرآن باید بتواند بر اساس روحیه، استعداد و ظرفیت مخاطبین خود، شیوه ای صحیح دریابد و آن را به کار بیند و در شأن چنین آموزگاری نیست که بگوید من با روش خودم برخورد می کنم و با انگاره تعصب آمیز و شیوه ای که تنها خود قبول دارد، دلخوش باشد؛ بلکه او باید روش صحیح را با مطالعه وضعیت و احوال مخاطبین خود دریابد؛ به عنوان مثال، وی می تواند در فرایند تدریس محتوای دینی به ذکر مثل، حکایت، شعر و یا اجرای نمایشنامه هایی بپردازد که بر اثر آن، نشاط دانش آموزان افزون و به این دروس راغب گردند.



## ۲-۱۰. تواضع و فروتنی

یکی دیگر از اصول رفتاری مورد نیاز آموزگار دینی از منظر قرآن کریم، اصل تواضع است. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ (حجر: ۸۸)؛ و بال (عظوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر!» و یا در این باره آمده است: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعرا: ۲۱۵)؛ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر!» مقصود از (خفص جناح) در این آیه شریفه، آن است که نسبت به مؤمنین متواضع و فروتن باش؛ همان طور که برخی از مفسران هم فرود آوردن بال خود را در این جا کنایه از تواضع و فروتنی دانسته‌اند. (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۲۴) امر به این آموزه‌ی اخلاقی، خطاب به بزرگترین معلّم دین و زندگی و نیز اهمیت بخشی آیاتی دیگر از قرآن کریم بر آن، نشانه قاعده‌مندی و اصولی بودن این آموزه است؛ آموزه‌ای که حتی راه رفتن مغرورانه بر روی زمین را ناپسند می‌شمارد؛ چنانکه بر اساس آیات شریفه، لقمان حکیم این چنین فرزندش را موعظه می‌کند: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان: ۱۸)؛ (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد». بنابراین سخن حضرت علی ؑ، فروتنی، منش و شیوه‌ی انسان‌های با تقوا است. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷، خطبه ۱۹۳) از این رو، آموزگار درس دینی و قرآن، باید همواره خود را به این ویژگی اخلاقی آراسته گرداند؛ زیرا آشکار است که وجود هرگونه تکبر در مدرّس دین، علاوه بر آنکه آفت ایمان و تقوای وی می‌شود، از محبوبیت و تأثیر گفتار وی در میان فراگیران نیز می‌کاهد. در آیه شریفه فوق، با تأکید بیان می‌شود که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد و مغروریت را در نقطه مقابل محبوبیت قرار می‌دهد. در روایات اسلامی، آراسته بودن انسان به صفت تواضع، به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی، تواضع، شرط قبولی عبادت دانسته شده است (مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۱۹).

## نتیجه‌گیری

در فرایند این پژوهش، چنین به دست آمد که آرای تربیتی قرآن کریم درباره تبلیغ علوم دینی، آرای کاملاً اخلاق محور است و تمسک و توسل آموزگاران دروس دینی و قرآن به آن‌ها در فرایند تربیت دینی، بسترساز فرهنگ و تمدنی خواهد بود که عاری از هرگونه خشونت بوده و بالندگی فکری و فرهنگی را در عرصه تعلیم و تربیت، نویدبخش خواهد بود. استخراج این اصول در پرتو واکاوی آیاتی دنبال شده که زیرساخت‌های تربیتی انبیای عظام الهی، به ویژه پیامبر اکرم ﷺ را تبیین می‌کنند؛ از این رو، از آن‌ها به عنوان اصول رفتاری تعبیر می‌شود که دانشی زیربنایی و ریشه‌ای بوده و در هر برهه‌ای از زمان، چراغ راه و خط مشی مبلغان و مدرسان حوزه‌ی تربیت دینی است. اولین اصلی که در این پژوهش، بدان پرداخته شد و از زمره‌ی برجسته‌ترین اصول رفتاری مورد نیاز آموزگاران دروس دینی و قرآن محسوب می‌شود، اصل مدارا است که خشونت را مانع جذب فراگیران می‌داند و پیامبر ﷺ، را اسوه‌ی مهربانی و صبوری معرفی می‌کند. اصل دوم، اصل خودسازی است که در نشر دانش آموزگار، تأثیر شایانی داشته و از منظر قرآن کریم و فرمایشات معصومین علیهم‌السلام، از الزامات رفتاری مدرّس و مبلغ علوم دینی است. اصل سوم، تلاش و پشتکار آموزگار است؛ همانطور که پیامبر اکرم ﷺ نیز بر هدایت امت اصرار می‌ورزیدند و دغدغه هدایت آن‌ها را داشتند. اصل چهارم، داشتن روحیه‌ی امیدواری است که مدرّس را از هرگونه برچسب منفی زدن در مورد فراگیران، منع می‌کند. اصل پنجم، اصل تبشیر و انذار است که در قرآن کریم به فراوانی، به این شاخصه‌ی رفتاری انبیای الهی علیهم‌السلام اشاره شده است. مطابق این اصل رفتاری، بر آموزگاران لازم است که همچون رسولان الهی، در جریان تدریس آموزه‌های دینی، همواره فراگیران را نسبت به اعمال شایسته تشویق و از پیامد اعمال نادرست، برحذر دارند. تبشیر و انذار که در قالب خیردادن از سرانجام امور شکل گرفته، هرگونه تهدید، اجبار و تنبیه خشونت‌گونه را معارض رسالت مدرّسان حوزه‌ی تربیت دینی می‌شمارد. اصل ششم، اصل عدم مشقّت در یاددهی است. مطابق آموزه‌های قرآن کریم، تکلیف مالا یطاق، مخالف خواسته‌ی پروردگار است و در عرصه‌ی تربیت دینی هیچ جایگاهی ندارد؛ بلکه آموزگار باید همواره به گونه‌ای رفتار نماید که آموزه‌هایش، مورد پذیرش طبع و فطرت سالم فراگیران قرار گیرد. اصل هفتم، بیان شیوا و روان است تا فراگیران بتوانند به راحتی پیام دین را درک کنند.

اصل هشتم، اصل دانش‌افزایی و تخصص است و برآموزگار لازم است که توانمندی خود را در حوزه‌ی دانش مربوطه ارتقاء بخشد تا در این مسیر، فطرت سالم نونهالان از گزند تفسیر به رأی و برداشت‌های نادرست از آموزه‌های دینی مصون بماند. اصل نهم، اصل پویایی رفتار و پرهیز از جمود و تعصب است. مطابق این اصل، آموزگار حوزه‌ی تربیت دینی، مطابق سلیقه‌ی خود تدریس نمی‌کند؛ بلکه متناسب با حال فراگیران، تکنیک‌های صحیح یاددهی را واکاوی نموده و در عرصه‌ی تربیت دینی بکار می‌گیرد. دهمین اصلی که در این پژوهش مورد تبیین قرار گرفت، اصل تواضع و فروتنی است که مورد تأکید قرآن کریم است؛ زیرا اصل تواضع، رابطه‌ی آموزگار و فراگیر را محبت‌آمیز نموده و پذیرش آموزه‌های دینی را منطقی می‌کند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۱. جان بزرگی، مسعود، نوری، ناهید و آگاه هریس، مزگان. آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان. تهران: ارجمند، ۱۳۸۹.
  ۲. جرّ، خلیل. لاروس. باریس: مکتبه لاروسل، ۱۹۷۳ م.
  ۳. جعفری، یعقوب. کوثر. قم: هجرت، ۱۳۷۶.
  ۴. جوادی آملی، عبدالله. تسنیم (تفسیر قرآن کریم). قم: اسراء، ۱۳۸۹.
  ۵. ----- حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸۴.
  ۶. حرعاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
  ۷. راغب اصفهانی، حسین. مفردات ألفاظ القرآن الکریم. قم: ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق.
  ۸. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
  ۹. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
  ۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
  ۱۱. ----- التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
  ۱۲. طوسی، نصیرالدین محمد. اخلاق ناصری. تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴.
  ۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. العین. قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ق.
  ۱۴. قرشی، سید علی اکبر. تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
  ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
  ۱۶. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهر علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
  ۱۷. مدرسی، سید محمد تقی. من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
  ۱۸. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
  ۱۹. مظلومی، رجبعلی. گامی در مسیر تربیت اسلامی، تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۶.

# تبعی در علل ناکارآمدی آموزش های دینی مدارس<sup>۱</sup>

زهرا فخرروحانی<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف آموزش های دینی مدارس، تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان است. برای تحقق این هدف، کوشش های فراوانی انجام می شود، اما باید دانست که یادگیری ها و تجربی که دانش آموزان در نظام آموزشی کسب می کنند، محدود به برنامه درسی آشکار نیست و گاه عوامل دیگری نیز به نحو گسترده تر، پایدارتر و نافذتر بر شکل گیری تجارب، انتقال افکار، نگرش ها، ارزش ها و اعمال و رفتار دانش آموزان تأثیر می گذارند. این عوامل، برنامه درسی پنهان یا پیامدهای قصد نشده نامیده می شوند و واجد آثار مثبت و منفی فراوانی بر روی دانش آموزان است. از هنگامی که دانش آموزان در متن نظام آموزشی قرار می گیرند، با سه جنبه شناختی، فیزیکی و اجتماعی محیط مواجه می شوند که هرکدام از این سه جنبه با یک برنامه درسی پنهان همراه است. در این میان، محیط اجتماعی، نافذترین و مهمترین جنبه از محیط های آموزشی است. منظور از جنبه اجتماعی، روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر مدرسه و نیز ارزش هایی است که از طریق رسانه های متداول و به ویژه رسانه های تعاملی، تبلیغ، توسعه و ترویج می شود. یافته های پژوهش حاضر که با جمع آوری اطلاعات از منابع مکتوب کتابخانه ای سامان یافته، نشان می دهد که برنامه ریزی های کلان اجتماعی همچون دیدگاه سکولار حاکم بر جریان عمومی تعلیم و تربیت و نیز گسترش رسانه های دیجیتال، از عواملی هستند که تلاش های نظام تعلیم و تربیت عمومی را در زمینه درس دینی با ناکارآمدی مواجه می سازند. کلیدواژه ها: آموزش های دینی، مدارس، دانش آموزان، ناکارآمدی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۱

۲. دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران z.frohani@gmail.com

## مقدمه

با وجود باور بیشتر اندیشمندان و صاحب نظران به وجود حس دینی و گرایش به معنویات در درون انسان، امروز شاهد ناکارآمدی آموزش های دینی مدارس و عدم استقبال نوجوانان و جوانان از آموزش های دینی ارائه شده در محیط های آموزشی هستیم. در واقع بیشتر اندیشه ورزان تعلیم و تربیت و حتی والدین دانش آموزان هم از نحوه ی ارائه ی آموزش های دینی در مدارس ابراز نارضایتی می کنند؛ چرا که معتقدند حاصل و برآیند چنین تعالیمی، پرورش انسان دین مداری نیست و نمی تواند طراز دینداری قابل قبول در جامعه ایجاد کند. اکنون این سؤال مطرح می شود که چرا با وجود تلاش های خانواده ها و کادر آموزشی مدارس در برپایی مراسم و مناسبت های مذهبی و اقامه نماز و نیز تلاش دست اندرکاران عرصه تعلیم و تربیت دینی، روند تلاش های انجام یافته چندان رضایت بخش نیست؟

از نظر اجتماعی، سرمایه های واقعی هر جامعه، نیروهای جوانی اند که آینده و مشی اجتماعی را ترسیم می کنند. از سوی دیگر، دوران تحصیل در مدرسه، از مهم ترین و حساس ترین مقاطع رشد فکری و تکامل شخصیتی به شمار می رود. این دوران بواسطه ی بروز تحولات کمی و کیفی، با ارزش ترین و پرنرژترین دوران حیات انسانی شمرده می شود و شناختی که از نظر جسمی و روانی در این دوره به وقوع می پیوندد، شخصیت و حیات انسان را در همه ادوار تحت تأثیر قرار می دهد و سهم انکارناپذیری در تعلیم و تربیت جوانان ایفا می کند، اما برخی پژوهش ها نشان می دهد که نتیجه تلاش های برنامه ریزان تعلیم و تربیت در دوران تحصیل، پرورش دانش آموزان با شناخت سطحی، اندک و ناکارآمد از دین است که این سطح از دین داری آنان، به تربیت انسان دین مدار منجر نمی شود.

مطالعه و بررسی موقعیت ها و تعدد عوامل مؤثر بر فرآیند تعلیم و تربیت و روابط بین آن ها، تعلیم و تربیت را چنان پیچیده می کند که در این میان بررسی و شناخت آسیب های تربیت دینی، به امری دشوار و چندلایه و پیچیده تبدیل می شود. واقعیتی که پرداختن به آن، به رفع موانع تأثیرگذاری این تلاش ها کمک بایسته ای می کند. براساس بررسی های انجام یافته، نتایج تلاش های نظام آموزشی در جهت ایجاد و تقویت گرایش های دینی در مخاطبان، چندان موفقیت آمیز نبوده است. بنابراین لازم است با بررسی موانع موجود، درصدد رفع آن ها برآییم.

هدف این نوشتار، آسیب‌شناسی تربیت دینی با رویکرد عملی است و به بررسی و شناخت عوامل و متغیرهایی می‌پردازد که به این جنبه از تربیت دانش‌آموزان توجه دارند. تشخیص این عوامل و بررسی آسیب‌ها، تلاش مشفقانه‌ای در جهت افزایش ضریب مصونیت تربیت دینی از آفات است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

الف) دین: در لغت به معنای انقیاد، اطاعت، تسلیم و جزا آمده است و در اصطلاح، مجموعه عقائد، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه‌ی انسانی و پرورش انسان لازم باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۴).

ب) آموزش‌های دینی: منظور از آن، ایجاد تغییر در رفتار و کردار دینی است که کودک و نوجوان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور می‌کند.

ج) ناکارآمدی: صفت مصدری است به معنای ناکارآمد بودن، بی‌فایده بودن، بی‌اثر بودن و مقصود از ناکارآمدی تربیت دینی در مدارس، عملکرد غیراثربخش یا تاثیرگذاری اندک آن در فرآیند تربیت دینی است.

همزمان با آغاز قرن ۲۱، بیشترین توجه پژوهشگران در زمینه ارزیابی، به مدیریت عملکرد معطوف شده و بهبود عملکرد، یکی از رویکردهای جدید در حوزه‌ی مدیریت ناکارآمد است. مدیریت عملکرد دینی، شامل شناسایی عوامل ضعف عملکرد و تقویت عوامل اثربخش در حوزه‌ی باورهای دینی و عملکرد دین‌مدارانه است. منظور از ناکارآمدی، فقدان موفقیت در دستیابی به اهداف یا انجام آن در سطح غیر قابل قبول است. به این معنا که سیستم به گونه‌ای تعبیه و تعریف شده که روند آن، تربیت افرادی با سطح عملکرد دینی ضعیف و غیر قابل قبول است.

د) آسیب‌شناسی تربیت دینی: مطالعه آفات و آسیب‌هایی است که در روند تربیت دینی متربیان روی می‌دهد. یکی از نقدهای وارد بر نظام آموزشی، ناکارآمدی آن در عرصه تعاملات اجتماعی است. عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که نظام آموزشی، با وجود تلاش‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در زمینه تهیه کتب درسی و محتوای آموزشی و تربیت‌کادر مجرب

ویژه آموزش، در عرصه عمل اجتماعی و در خصوص برآوردن نیازهایی که متکفل آن شده، چندان توانا نبوده و در این عرصه خوش ندرخشیده است؛ برای مثال، می توان از آموزش های دینی ارائه شده در مدارس یاد کرد که با وجود کوشش های متخصصان تعلیم و تربیت در زمینه ایجاد روحیه خدااباوری، ایمان قلبی و تقویت وجدان دینی در دانش آموزان، به توفیقات مورد نظر دست نمی یابد. یکی از وظایف نظام اجتماعی، آسیب شناسی و بررسی علل عدم موفقیت است. آنچه که این نوشتار درصدد بیان آن است، بررسی آسیب های نظام آموزشی در خصوص برآوردن اهداف درس دینی است.

نظام آموزشی، زیربنایی ترین و مهم ترین نظام هر کشور برای تعلیم و تربیت سرمایه های انسانی شناخته می شود؛ از این رو، جامع نگری و مواجهه ی همه جانبه، دقیق و عمیق پدیده ی برنامه درسی از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتاب درسی بنا به اذعان همه ی متخصصان آموزش و تعلیم، از ارکان آموزش های کلاسیک و مدرسه ای شمرده می شود. در حقیقت تدوین کتاب درسی به معنای تدوین محتوای آموزشی و تعریف نحوه ی کیفیت بخشی به ساعات آموزشی دانش آموزان است. با وجود این که کتاب درسی یکی از ارکان مثلث آموزشی - مثلث آموزش شامل: معلم - کتاب درسی دانش آموز - شمرده می شود، امروز بعنوان یگانه عامل تعیین کننده و برجسته در روند رشد دانش آموز شمرده نشده و عوامل دیگری همچون آموزش های حاصل از ساختار سازمانی مدرسه و فرهنگ اجتماع نیز به عنوان برنامه درسی دانش آموز روند آموزشی را تحت تاثیر قرار می دهند.

هدف این نوشتار بررسی آسیب شناسانه ی برنامه درسی دینی در مدارس است. آسیب شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که رنگ فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش های رایج افراد یک جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده اند. این چنین آسیب ها، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسایل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می کنند که از درون، هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب های فرهنگی تضعیف و آسیب پذیر می گردانند. این قبیل کنش ها رفته رفته نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می کنند و در نتیجه به استحاله ی فرهنگی و سرانجام به شکل گیری فرهنگی



جدید می‌انجامند. فرضیه اصلی این پژوهش وجود آسیب‌هایی است که تأثیر آموزش‌های دینی مدرسه‌ای را به حداقل می‌رسانند. وجود چنین آسیب‌هایی در محیط جامعه و نیز در سیستم تعلیم و تربیت رسمی-عمومی، به آسیب‌پذیری هرچه بیشتر تلاش‌های برنامه‌ریزان دینی مدارس منجر شده است.

## ۲. عوامل منفی تأثیرگذار بر آموزش دروس دینی

هدف از آموزش‌های دینی مدرسه، تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی است. تربیت اعتقادی به معنی تقویت قدرت شناخت و معرفت بخشی نسبت به نمادها، ارکان و اصول دین و پرورش و تقویت حس تسلیم نسبت به ارکان و اصول دین و نیز محبت و رزوی نسبت به نمادهای دینی است. تربیت اخلاقی، پرورش فضایل اخلاقی و از بین بردن رذائل همراه با درونی‌سازی اخلاق اسلامی و پرورش فهم و تخلق نسبت به نمادهای ارزشی و تربیت عبادی ایجاد روحیه‌ی تعبد به قوانین دینی و التزام عملی نسبت به پذیرش و انجام مناسک دین است. توجه به ایده‌آل‌های آموزش دینی در عین کم‌رنگ شدن پیوسته‌ی تعلق خاطر نسل جوان نسبت به آن، نگرانی مضاعفی را برای متولیان امر تربیت دینی فراهم کرده است. همچنین باید یادآور شد که خطر کم‌رنگ شدن ارزش‌ها ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی شود، همان‌گونه که می‌تواند از پذیرش و یا آمادگی برای پذیرش ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه ناشی شود.

از آن‌جا که فرهنگ هر قوم و ملتی خمیرمایه حیات ادبی، سرچشمه تراوش دانش و معرفت و از ارکان بقا و ثبات آن قوم و ملت به شمار می‌رود، شناخت به هنگام آسیب‌ها، آفات و بیماری‌های فرهنگی به منظور پیش‌گیری و یا درمان مناسب و به موقع، امری مهم و ضروری است. در این راستا، لحظه‌ای درنگ، غفلت و بی‌توجهی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را وارد کند. بنابراین توجه به این عوامل، در جهت پیشگیری از آسیب‌ها و بهبود عملکرد اهمیت فراوانی دارد. از سوی دیگر تحقیقاتی که در زمینه اصلاح و بهبود فرآیند آموزش انجام می‌گیرد، بیشتر به بررسی تأثیراتی می‌پردازند که به آسانی و آشکار قابل اندازه‌گیری اند و بیشتر پژوهشگران پس از انجام چنین بررسی‌هایی، ایجاد تغییر در محتوای کتاب‌های درسی و روش‌ها را پیشنهاد

می‌کنند، اما آنچه تاکنون کمتر مورد توجه و نقد و بررسی قرار گرفته، تأثیر عوامل اجتماعی و محیطی بر عرصه آموزش است. این تأثیرات که امروز به عنوان عواملی مخرب بر آموزش‌های مدرسه‌ای عمل می‌کنند، در صدد تخریب باورهای القا شده در لابه‌لای کتب درسی برآمده‌اند و با عنوان برنامه درسی پنهان شناخته می‌شوند و به اذعان پژوهشگران، عمق تأثیرات آنان از برنامه درسی آشکار بیشتر است. امروز کارشناسان تعلیم و تربیت معتقدند که سه نوع برنامه درسی بطور هم‌زمان در مدارس اجرا می‌شود: برنامه‌ی درسی آشکار (رسمی)، برنامه‌ی درسی پنهان و برنامه‌ی درسی تهی. برنامه درسی آشکار؛ برنامه‌ای است که در اهداف رسمی نظام آموزشی، تبلور می‌یابد. برنامه‌ی درسی پنهان (ضمنی)؛ تحقق یادگیری‌ها و تعاملاتی است که در برنامه‌ی صریح مدارس، اشاره‌ای به آن نشده است (مهرمحمدی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷). برنامه‌ی درسی پوچ، مفهومی است که هدف آن جلب توجه دست اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی به تأمل و اندیشه درباره آنچه در دستور نظام آموزشی و حوزه برنامه درسی صریح (رسمی) وجود ندارد، است. مفهوم برنامه‌ی درسی پنهان، استعاره‌ای مناسب برای توصیف ماهیت سایه وار تصریح نشده و بی‌شکل فرایندهای ضمنی و درهم تنیده‌ی تجارب آموزشی و تربیتی است که در نقطه مقابل آموزش‌های رسمی قرار می‌گیرند و خود را در تعاملات تربیتی آشکار می‌کند (اسکندری، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر برنامه درسی پنهان از یادگیری‌هایی حکایت می‌کند که در چهارچوب اجرای برنامه درسی تصریح شده و به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی، فراگیرندگان آن را تجربه می‌کنند. تجربه‌های یادگیری که بدین وسیله حاصل می‌شود، بیشتر در قالب مجموعه‌ای از ارزش‌ها و انتظارات منعکس می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۷). تعاریف برنامه درسی پنهان بر یادگیری‌های برنامه‌ریزی نشده و قصد نشده‌ای تأکید دارند که جزئی از اهداف و برنامه‌های آشکار درسی نیستند. با اینکه برنامه درسی پنهان بر روی افراد متفاوت تأثیرات متفاوت منفی و مثبتی برجای می‌گذارد، اما متأسفانه آثار منفی آن بیشتر و تأثیرات نامطلوب آن پایدارتر است. براساس دیدگاه نظریه پردازان معاصر، دانش‌آموزان در مقابل برنامه درسی پنهان نقش فعال‌تری دارند و می‌توانند از خود مقاومت نشان دهند. از نظر بیشتر صاحب نظران، این برنامه در بسیاری جنبه‌ها از برنامه درسی آشکار، مؤثرتر و آموخته‌های آن پایدارتر و از گستردگی و فراگیری بیشتری برخوردار است

(صفایی موحد و همکاران، ۱۳۹۲). اکنون جای طرح این پرسش وجود دارد که چه عواملی برنامه درسی پنهان را بوجود می‌آورند؟ صاحب نظران برآنند که عوامل شکل دهنده‌ی برنامه درسی پنهان را می‌توان در چهار مقوله‌ی عمده محیط شناختی، محیط اجتماعی، محیط فیزیکی و ساختار روابط انسانی مد نظر قرار داد.

## ۱-۲. محیط شناختی

منظور از محیط شناختی عواملی همچون کتاب درسی، روش‌های تدریس، شیوه‌ی ارزشیابی و برنامه زمان بندی دروس است. در این باره لازم است اشاره شود که روش‌های تدریس رایج در نظام آموزشی ما بیشتر منجر به ایجاد خصوصیات نامطلوب نظیر تسلیم و عدم رغبت و اهتمام نسبت به یادگیری می‌شوند. در حالی که آن چه از یک نظام آموزشی سالم انتظار می‌رود، مباحثه، نقادی و دفاع مقتدرانه از مبانی ارزشی دینی است. برخی معتقد است یکی از عواملی که در کم کردن فاصله‌ی بین برنامه‌ی درسی رسمی و پنهان تأثیر دارد، مشارکت فراگیرندگان در جریان آموزش است (ملکی، ۱۳۸۶). همچنین گروهی نیز برآنند که روش تدریس مدرس از یک طرف می‌تواند روحیه‌ی انفعال، ناامیدی، سطحی‌نگری، حفظ طوطی‌وار و حتی تقلب را ایجاد کند و از طرف دیگر زمینه ساز ایجاد شور و شوق یادگیری و خلاقیت و نوآوری گردد. همچنین محدود کردن نتایج یادگیری به ارزشیابی پایان ترم نیز فراگیرندگان را از لذت یادگیری محروم می‌کند. چنانچه انگیزه‌ی یادگیرنده به اموری غیر از خردورزی و دانشوری معطوف شود و معلم نیز جز بازگویی نقلی وقایع و پدیده‌ها مبادرت نرزد، ارزشیابی تنها در طبقات پایین حیطه‌ی شناختی متوقف خواهد شد، اما وقتی ارزشیابی متکی بر قوه‌ی پردازش اطلاعات و تحلیل و ترکیب و قضاوت و اجتهاد استوار گردد، به طبقات بالاتری از حیطه‌ی شناختی نائل شده و به شناخت روابط و پدیده‌ها دست خواهند زد (قاسمی و مرزوقی، ۱۳۸۷).

## ۲-۲. محیط اجتماعی

منظور از محیط اجتماعی، عوامل متفاوتی همچون تأثیر آموزش‌های رسانه‌ای، گسترش آموزش‌های مجازی، ساختار اجتماعی کلاس درس و اعمال اختیار توسط معلم در آموزش

است. همچنین روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر مدرسه، آن دسته از کنش‌های متقابلی است که دانش‌آموزان بطور مستقیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. نحوه‌ی کنش‌های متقابل، مهمترین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری یادگیری‌های قصد نشده است (علیخانی و مهرمحمدی، ۱۳۸۳). محیط اجتماعی به امور متفاوتی از جمله روابط متقابل معلم و دانش‌آموز، روابط معلمان و کارکنان با یکدیگر، روابط کارکنان اداری با دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان با یکدیگر در مدرسه و حتی روابط و مناسبات اجتماعی خارج از فضای مدرسه که بروحیات دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد. فضای یک مدرسه می‌تواند براساس وفاداری و همدلی سازماندهی شود یا افراد را در دوسوی یک دیوار بلند از ناامنی و بی‌اعتمادی قرار دهد. میزان مشارکت افراد، واگذار کردن فعالیت‌ها، سهیم کردن افراد، اهمیت دادن به نظرات آنان و درگیر کردن و سپردن مسئولیت‌های متعدد به دانش‌آموزان، رفتارهای رقابتی، تعامل‌های گروهی و نظایر آن منعکس‌کننده‌ی جو اجتماعی حاکم بر مدرسه است (اسکندری ۱۳۸۳)؛ برای مثال کیفیت فضای اجتماعی در مدارس بسته به گونه‌ای است که دانش‌آموزان پیروی و اطاعت بی‌قید و شرط از هرآنچه معلم می‌گوید را برای موفقیت خود یک عامل مؤثر شمرده و انتقاد، اظهار نظر و پیشنهاد را نه تنها حق خود نمی‌دانند، بلکه زمینه‌ساز بروز تأثیرات سوء و رفتارهای نامناسب از سوی مسئولین مدرسه می‌شمارند.

## ۲-۳. محیط فیزیکی

سبک ساختمان مدرسه و نوع چیدمان کلاس درس نیز می‌تواند حاوی پیام‌های ضمنی باشد. صاحب نظران علم ارتباطات معتقدند آموزش‌های غیرکلامی و غیربیانی بیش از سایر عوامل در انتقال پیام به فراگیرندگان نقش دارند. مراکز آموزشی و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن‌ها نظیر رنگ، نور، صدا، تجهیزات حیاط، راهروهای تنگ و طولانی، همه و همه اثرات آموزشی و تربیتی دارند. یک مدرسه‌ی زیبا، سرسبز و با نشاط یادگیری را آسان می‌کند و بالعکس، مراکز آموزشی تنگ و کوچک با کلاس‌های کم نور و تجهیزات فرسوده رغبت به درس، بحث و یادگیری را در مخاطبان از بین می‌برد (نوروززاده و همکاران، ۱۳۸۸)؛ برای مثال کلاس‌های درس با سی تا چهل صندلی فلزی یا چوبی دسته‌دار با چیدمانی در چند ردیف پیوسته که در مقابل صندلی

معلم و تخته قرار گرفته اند، این پیام ضمنی را منتقل می‌کند که دانش‌آموزان، شنوندگانی غیرفعال هستند و موظفند پیوسته به سخنان معلم گوش سپارند. همچنین این ترتیب نشستن بیانگر عدم ارتباط و گفتگو میان دانش‌آموزان است؛ زیرا آن‌ها در صورتی می‌توانند با یکدیگر گفتگو کنند که به پشت سر و طرفین خود برگردند و این کار در کلاس درس پسندیده نیست و بی‌نظمی به شمار می‌آید. در حقیقت وقتی همه‌ی خطوط مستقیم هستند و صندلی‌ها به ردیف چیده شده‌اند، دانش‌آموزان ناچارند فقط روبروی خود را نگاه کنند و هر چیز دیگری غیر از معلم را نادیده بگیرند (صفایی موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

#### ۲-۴. ساختار روابط انسانی

یکی از ابعاد پنهان برنامه درسی که تأثیر منفی بر آموزش‌های درس دینی بر جای می‌گذارد، برنامه درسی پنهان حاصل از ساختار روابط درون مدرسه است. با وجود آن که رسالت آموزشی مدرسه ایجاب می‌کند، افراد را انسان‌هایی اجتماعی و آماده به خدمت و آزاد تربیت کند، ولی بالعکس در عمل، افرادی وابسته، فردگرای غیرمسئول، خودپسند و خود برترین بار می‌آورد. به نظر عده‌ای از پژوهشگران مانند ایلیچ، مدرسه سبب غیرانسانی کردن اجتماعات و بیگانه ساختن انسان‌ها از خود و دیگران و در نتیجه، تشدید روابط تسلط‌آمیز می‌شود. به نظر ایلیچ، مدرسه با روحیه‌ای که بر اثر رقابت فردی در انسان‌ها بوجود می‌آورد، اسفناک‌ترین گرایش‌های اجتماعی را در آنان تشدید می‌کند و به جای اینکه شادی‌های همبستگی انسانی را به آنان بیاموزد، زندگی را بصورت میدان جنگی جلوه می‌دهد که در آن کلید کامیابی هر کس بیشتر از راه شکست دیگران و با کسب امتیازاتی علیه دیگران به دست می‌آید. این محقق بیان می‌کند که اگرچه یکی از وظایف مدرسه، انسانی‌سازی با آوردن دانش‌آموزان است تا از این طریق در خدمت جامعه باشند و مشکلات جامعه را حل کنند، اما در واقع، هرچه تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، نوعی احساس برتری طلبی و تفوق در آن‌ها بوجود می‌آید؛ به گونه‌ای که هم‌نوعان خود را پست و کوچک می‌پندارند و علاقه‌ای به ایجاد ارتباط با دیگران یا از خود گذشتگی برای آنان، از خود نشان نمی‌دهند. این طرز تفکر سبب نوعی از خود بیگانگی، جامعه‌گریزی و از دست دادن اصالت فرهنگی در بین تحصیلکردگان می‌شود (دوانلو، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

از عوامل یادگیری پنهان، کیفیت فضای اجتماعی مدرسه است. در سیستم آموزشی ما، دانش آموز ساکت، دانش آموز محبوبی است (کرمی نوری، ۱۳۸۱) و پیروی و اطاعت بی چون و چرا از معلم وظیفه‌ی همه دانش آموزان شمرده می‌شود و دانش آموزان می‌آموزند که متن کتاب درسی را به حافظه سپرده و انتقاد، اظهار نظر و پیشنهاد را حق خود نمی‌دانند. در مدارس که از جو بسته‌ای برخوردارند، دانش آموزان قدرت بیان آشکار اندیشه‌های خود را ندارند و پیروی کردن از هرآنچه معلم می‌گوید را بهتر از داشتن نقش فعال و بیان نظرات و دیدگاه‌های خود تلقی می‌کنند. در حقیقت از آنجا که فضای بسته‌ی مدرسه محدودیت‌هایی از جنس تحقیر و سلب آزادی را برای دانش آموزان ایجاد می‌کند، ترجیح دانش آموزان در چنین محیط‌ها، بیشتر بر پذیرش و منفعل بودن است. تداوم این شرایط، منجر به عمق گرفتن آموزش‌های پنهان و سطحی شدن آموزش‌های مدرسه‌ای می‌شود. حاصل پژوهش در برخی مدارس، نشان می‌دهد که پیامدهای برنامه درسی پنهان در مدارس با جو بسته، در سه قلمرو قابل بررسی است:

#### ۲-۴-۱. خرده نظام فرهنگی ( باورها، ارزش‌ها، نمادها و قواعد)

به این معنا که یکی از بزرگ‌ترین درس‌های پنهان مدرسه این است که در یادگیری مدرسه‌ای، نیازی به تفکر، تامل و مسئله‌پردازی وجود ندارد. بهترین راه برای گرفتن نمره، خوب حفظ کردن است و معیار دانش آموز خوب بودن، نمره بالا است.

#### ۲-۴-۲. خرده نظام اجتماعی (انتظارات متقابل، تعهدات متقابل، ضمانت اجرا، پاداش)

در مدارس معلم محور، دانش آموزان به طور ضمنی می‌آموزند که در انجام دادن تکالیف درسی، یادگیری و کارهای کلاسی، نیازی به مشارکت و همکاری وجود ندارد؛ چون معلم همه چیز را می‌داند و وظیفه دانش آموز، تنها کسب نمره خوب و قبولی در امتحان است و بهترین راه تحقق این امر، گوش دادن و تکرار سخنان معلم است. عدم استقبال معلم از اظهارات دانش آموزان و انتقال یکطرفه‌ی معلومات بدون مشارکت آنان، منجر به رفتار انفعالی دانش آموزان می‌شود و آن‌ها را وادار به اطاعت، حرف شنوی یا تقلید می‌کند.

فرهنگ مدرسه، رقابت را -که وسیله‌ای انگیزشی است- تنها به نمره موقوف کرده است. بنابراین آن چه در کلاس درس می‌ماند، رقابت منفی و ناخوشایند دانش آموزان در تقابل

با یکدیگر، یعنی جان‌کندن برای کسب نمره بالاتر است. این نگرش سبب شده است که دانش‌آموزان با بهره‌گیری از روش‌های غیرفعال در یادگیری، فقط به تکالیف تعیین شده‌ی معلم عمل کنند و تنها به اجرای برنامه‌های تعیین شده بپردازند. آن‌ها بجز کتاب‌های درسی، کتاب‌های دیگر را مطالعه نمی‌کنند و علاقه و انگیزه‌ای نسبت به کاوشگری و تحقیق از خود نشان نمی‌دهند. متأسفانه این وضع در مدارس خاص و مدارس که والدین به منظور تقویت بنیه تحصیلی برای فرزندانشان انتخاب می‌کنند، فراگیرتر است و در نتیجه دلزدگی حاصل از آموزش‌های مدرسه‌ای، در چنین دانش‌آموزانی که برای کسب نمرات بالاتری تلاش می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود.

#### ۲-۳-۴. خرده نظام شخصیتی (باورها و هنجارهای مرتبط با پرسشگری، کنجکاوی و نقادی)

دانش‌آموزان، زمان و فرصتی برای پرسش کردن ندارند. در کلاس، این معلم است که سؤال می‌کند و دانش‌آموزان به ندرت سؤال می‌پرسند. پاسخ‌های مشخص و کلیشه‌ای تکرار می‌شوند و روش تدریس، ارائه اطلاعات به دانش‌آموزان به شکل غیرفعال، کسالت‌آور و خسته‌کننده است. دانش‌آموزان در فاصله‌های زمانی، از نظر میزان اطلاعاتی که جذب کرده و بخاطر سپرده‌اند، مورد پرسش و امتحان قرار می‌گیرند.

بعد دیگری که در بیشتر کلاس‌های درس آشکار است، روابط و نقش قدرت است. دانش‌آموزان نقشی در تصمیم‌گیری درباره‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی ندارند و از آنان انتظار می‌رود که هدف‌ها و تکالیفی را که معلم تعیین می‌کند، بی‌چون و چرا بپذیرند و به دانش‌آموزان به مثابه دریافت‌کنندگانی منفعل، حق انتخاب و مشارکت در کلاس داده نمی‌شود (حدادعلوی و همکاران، ۱۳۸۶). جکسون، معتقد است که مدارس بجای خلاقیت، هم‌نوایی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند و آموزش هم‌نوایی با اهداف برنامه درسی، مغایر است و این آموزش‌ها هیچ‌گاه نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای رویارویی با روابط سلسله‌مراتبی قدرت در دنیای واقعی آماده سازد (بیان فروملکی، ۱۳۹۳). اکنون با توجه به آنچه بیان شد به بررسی بخشی از عوامل تأثیرگذار بر روند تربیت دینی در مدارس می‌پردازیم. توجه به این عوامل به منزله‌ی آسیب‌شناسی و تمرکز بر عوامل تهدیدگر است.

### ۳. نگاه سکولار حاکم بر نظام تعلیم و تربیت عمومی

از نقدهای وارد بر نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در سراسر جهان، نگاه سکولار حاکم بر این نظام است (بیات، ۱۳۸۵، ص ۴۲). از آنجا که الگوی رایج نظام تعلیم و تربیت در جهان، از دستاوردهای نظام مدرنیته و تحت تأثیر نگاه سکولاریستی مدرنیته قرار گرفته است. در این نظام، هر چند رابطه ای جزئی میان دین و تربیت دینی دیده می شود، اما بر اساس تفکر و سیاست های سکولار حاکم بر این نظام، رابطه ی میان این نهاد با نهاد دین و ارزش های تربیتی به کلی قطع شده یا به حداقل رسیده است. زیرا نتیجه طبیعی فرآیند سکولاریزاسیون و غیر دینی شدن امور، این است که مبانی دینی، اساس و زیربنای اقدامات اجتماعی واقع نشوند و دامنه ی نفوذ آن ها تنها در حیطه ی زندگی خصوصی افراد و رابطه ی شخصی آنان با خدا محدود شود. تفاوتی که تعالیم دینی با سایر علوم و دانش ها دارند، این است که زیربنای تعالیم دینی بر عقیده و باوری استوار، مبتنی است. پس هرگاه پایه سست شود، فرو می ریزند و ارزش خود را از دست می دهند؛ به همین دلیل، امروز بنا به اعتراف مخاطبان، با وجود همه تلاش هایی که در مسیر تعلیم و تربیت دینی در مدارس صورت می پذیرد، آموزش های دینی، کمتر منجر به خدا باوری می شود و بیشتر در مرحله تعاریف و آزمون های مدرسه ای متوقف می ماند. تداوم چنین آموزش هایی وقتی با اعتقاد و باور عمیق همراه نباشد، انزجار آور و کسالت افزا می شود. به ویژه آنکه دانش آموزان تأثیر آموزش هایی همچون علوم پایه و دروس مهارتی را در رفتارهای روزانه خود می یابند، ولی درباره علت تحمیل آموزش های متافیزیک و خدا باورانه به ویژه در شرایطی که با اعتقاد و ایمان همراه نباشد - مانند التزام به نماز بدون باورمندی به آخرت گرایی - چیزی نمی دانند.

برنامه های درسی معمولاً شناخت ها، دانش ها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای ویژه را به دانش آموزان القا می کنند. اگر در برنامه ی درسی مدارس، آموزش های دینی جایی نداشته باشد و تنها به تربیت علمی و حرفه ای دانش آموزان توجه شود، این تصور به دانش آموزان القا می شود که دین و آموزه های دینی حتی به اندازه ی حرفه هایی مانند نجاری و بنایی ارزش ندارد. از سوی دیگر ممکن است مدارس به تربیت دینی بپردازند، ولی اولاً برخی ابعاد دین را آموزش دهند و ثانیاً تربیت دینی را به چشم امری فرعی و کم اهمیت بنگرند. در این صورت،



این تصور در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که این امری بسیار کم‌اهمیت است و تنها برای رفع تکلیف باید به آن پرداخت.

به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی‌های کلان و ستادی اعم از تألیف کتب درسی و آموزش نیروی انسانی متخصص، اهمیت ایجاد حس خدا‌باوری، مورد غفلت قرار گرفته است. در اصل چهارم از اصول حاکم بر آموزش و پرورش آمده است که در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه‌ی برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه‌ی هماهنگ اسلامی برحسب اقتضا و گنجایش، جنبه و جهت دینی داشته باشند. برنامه‌ریزان باید در همه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌ها بنا بر مقتضیات خاص هر موضوع، به جنبه‌های الهی و تقویت بینش دانش‌آموزان توجه کنند (اصول حاکم بر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۸).

در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور ما به امر تربیت دینی - چه در حیطه‌ی پرورش نیروی انسانی و چه در خصوص تربیت نوجوانان و جوانان - در موضوع اختصاص ساعت آموزشی با نگاهی برابر با سایر دروس نگریسته می‌شود، حال آن‌که این طرز تلقی جای تأمل و بررسی دارد؛ زیرا مخاطب تربیت دینی، روح و جان دانش‌آموزان است، در حالی‌که سایر دروس و آموزش‌های دیگر، ذهن و حافظه را مدنظر قرار داده و در جهت تأمین رفاه عمومی و دنیوی برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین جهت توفیق در امر تربیت دینی باید در صدد توسعه آموزش‌های دینی به عنوان مبنا و پایه برای سایر علوم برآمد و برای تربیت نیروهای ویژه و کارآمد در این عرصه، برنامه‌های خاص و آموزش‌های متفاوتی را پیش‌بینی کرد.

در بُعد دینی - اخلاقی، تدریس و ارزشیابی دروس دینی توسط معلمان که اطلاعات و آگاهی‌های لازم را در این زمینه ندارند و با توجه به آثار منفی کشف شده در برنامه‌ی درسی پنهان‌برنگرش دانش‌آموزان نسبت به دروس دینی و قرآن، در موارد زیر، اغلب با بروز تأثیرات نامطلوب همراه بوده است. از این گذشته، تعاملات منفی معلمان این دروس و نداشتن مهارت لازم در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، آثار مخربی را بر فضای تعاملی و ارتباطی نهاده، به گونه‌ای که آثار آن در گرایش دانش‌آموزان به محتوای این آموزش‌ها نیز مشاهده شده است (بیان‌فر و ملکی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱).

### ۳-۱. کم توجهی به ضرورت استفاده از عواطف در انتقال باورهای دینی

نیاز به معنویات یکی از نیازهای ذاتی روح و روان آدمی است، اما برخلاف نیازهای بیولوژیکی و زیستی، چون از دسته نیازهای پیچیده است، می تواند مورد غفلت قرار گیرد. بنابراین لازم است در آغاز که کودک تحت تربیت و آموزش های دینی قرار می گیرد، از ابزار محبت و عطف بهره گرفت؛ چنانکه وقتی خداوند در آیات اولیه سوره ی «الرحمن»، خود را در سمت و جایگاه تعلیم انسان قرار می دهد، از صفت رحمت و شفقت استفاده می کند. در واقع تحقق امر تربیت، منوط به ایجاد پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. ابزار محبت مربی، به دل بستگی متربی جهت می دهد. هنگامی که شیفتگی متربی به مربی ایجاد شد، می توان زمینه ی التزام عمل فرد را به انجام امور فراهم کرد.

با توجه به این که انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است، توجه به این ابعاد در امر تعلیم و تربیت ضروری است. بُعد شناختی انسان با آموزش دادن رشد می کند، اما این آموزش در صورتی منجر به رفتار دینی در دانش آموز می شود که انگیزه ای برای عمل کردن وجود داشته باشد. منظور از این انگیزه همان شناخت ذهنی، باور قلبی، محبت و علاقه نسبت به اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام است. یکی از عوامل ایجاد ایمان، گرایش دو طرفه و پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. با وجود این جاذبه، راه معلم برای الگوشدن بازر می شود. محبت معلم نسبت به شاگردش نه از روی تظاهر، بلکه به صورت حقیقی موجب می شود تا دانش آموز نیز نسبت به او حس محبت و علاقه پیدا کند و او را الگو قرار دهد، چرا که علاقه به یک شخصیت موجب پیروی از او و بالعکس تنفر از یک شخصیت، موجب دوری از او و حتی تنفر از آنچه به آن امر می کند و به آن اعتقاد دارد، می شود.

### ۳-۲. بی توجهی به پرورش ایمان در تربیت دینی

تدریس دینی در مدارس علاوه بر وظیفه انتقال معلومات دینی به دانش آموزان، باید در زمینه ی کاشتن بذر ایمان به غیب در جان و روح آنان نیز، مثمر ثمر باشد. به گونه ای که دانش آموزان در زمینه ی عمل به آموزه های دینی، از نیروی خودانگیزگی لازم برخوردار باشند، وگرنه صرف یادگیری و بخاطر سپاری مفاهیم دینی فاقد فایده و ارزش واقعی است. این در حالی

است که در دستورالعمل‌های اداری، نحوه‌ی اختصاص نیروی انسانی و آموزش این درس، به هیچ‌وجه این مؤلفه مدنظر قرار نمی‌گیرد. هدف تعلیم و آموزش‌های دینی، به هیچ‌وجه تربیت انسان مطلع از مبانی دینی نیست. در درس دینی، برخلاف سایر دروس، صرف دانستن و آگاه‌بودن امتیاز شمرده نمی‌شود، بلکه امتیاز در آگاهی توأم با ایمان و باور قلبی که در مرحله‌ی عمل قابل مشاهده باشد، مدنظر است. در حالی که در نحوه‌ی آموزش، امتیازدهی و ارزشیابی این درس تعبد به آموزه‌های دینی و تقید به عمل اصلا مد نظر نبوده و در نظام تعلیم و تربیت فعلی برای تربیت به این معنا، ساز و کاری در نظر گرفته نشده است.

### ۳-۳. بی‌توجهی به پرورش توانمندی‌های معنوی در آموزگار دینی

معلم دینی قبل از آنکه انتقال‌دهنده‌ی صرف مفاهیم دینی باشد، باید تقید عملی و رفتاری به آن چه بر زبان می‌آورد، داشته باشد و دانش‌آموزان جلوه‌های تدین را در شخصیت و عمل آموزگار ببینند، در حالی که در نظام آموزشی، برای پرورش نیروی ویژه‌ی تدریس دینی، راهکار و برنامه جداگانه‌ای در نظر گرفته نشده است تا روح و روان آموزگار دینی تحت تأثیر این آموزش‌ها قرار گیرد و حتی مزیتی در جذب و گزینش نیروها برای تصدی چنین مسئولیت خطیری در نظر گرفته نمی‌شود. در حقیقت، نگاه سکولار حاکم بر نظام تعلیم و تربیت رسمی-عمومی، همان‌طور که این واحد درسی را در جنب دروس دیگر و در ردیف سایر آموزش‌ها می‌بیند، برای تربیت بهینه نیروی آموزشی در این جایگاه، هیچ‌گونه تدبیری نمی‌اندیشد؛ چرا که هدف از تعلیم ارزش‌های دینی را نه تربیت انسان دین‌مدار، بلکه تنها انتقال تجارب آموزشی در حد لقلقه زبان می‌شمارد.

### ۴. آسیب‌های حاصل از توسعه فرهنگ دیجیتال

فرهنگ دیجیتال، مجموعه‌ای از دانش، افکار، آرای اخلاقی، قوانین و مقرراتی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه، می‌تواند در مدت کوتاهی کسب کند یا در مدت کوتاهی از یاد برد یا آن را با مفاهیم رفتاری جدید ترکیب کرده و به یک رویه جدید تبدیل کند. همزمان با ورود فرهنگ دیجیتال، منش جدیدی به زندگی انسان راه یافت. منشی که طرز تفکر،

عادات و حتی گویش نسل جدید را تحت تأثیر قرار داد. در این فرهنگ، گمنامی و اظهار وجود با هویت جعلی، یکی از مؤلفه‌های مهمی است که به جوان و نوجوان جرأت ابراز وجود می‌دهد. در این دنیای جدید، کودک می‌تواند همانند بزرگسال سخن بگوید و اظهار نظر کند. دروازه‌های فرهنگ به روی انواع افکار و اندیشه‌ها باز است و قید و بندهای اخلاقی، مقررات و آداب و رسوم انسانی، کمتر در آن به رسمیت شناخته می‌شود و خلاصه فرهنگی است که بکارگیری آن و ورود به دنیای شگفت آن، نیازمند تحصیلات نبوده در عوض عرصه و میدان بسیار مناسبی برای ورود افکار مخرب و تهاجم به ارزش‌های فرهنگ ملی و مذهبی در قالب‌های بزک شده دنیای معاصر است. فرهنگی که مقابله با آن نیازمند فراست و هوشمندی زیادی است. سوغات و ره‌آورد این فرهنگ برای دنیای امروز، آنقدر گسترده بوده که کسی اندیشه‌ی حذف آن را در سر نمی‌پروراند، اما بی‌گمان اظهار عجز اندیشمندان در مقابل فضای دیجیتالی و به تعبیر بهتر، حاکمیت بلامنزاع فرهنگ دیجیتالی بر همه‌ی عرصه‌های دنیای امروز، نشان از نفوذ گسترده‌ی آن دارد. اینک به برخی از آسیب‌های توسعه فرهنگ دیجیتالی پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. آسیب‌های ناشی از افزایش ضریب نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های جمعی مدرن می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تأثیر گذارند و باعث کاهش همدلی و احساس تعلق ملی و انسجام اجتماعی شوند. عناصر سه‌گانه‌ای که در تکوین هویت افراد دخالت دارند عبارتند از: شخص، فرهنگ و جامعه. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد است و هویت اجتماعی، در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف شکل می‌گیرد و در نهایت هویت فرهنگی متأثر از باورهایی است که در عمق وجود فرد بواسطه‌ی تعامل او با محیط ایجاد شده است. گستره فراوان شبکه ارتباطات اجتماعی که بیشتر نسل جوان را با خود همراه کرده، به گونه‌ای است که بر همه‌ی ارتباطات دیگر انسان همچون ارتباط با خانواده، حضور در جمع دوستان و تشکل‌های مذهبی سایه افکنده است. این شرایط نوعی انزوای طلبی و فردگرایی را در افراد دامن زده و به تنهایی‌جانشین سایر عناصر هویت ساز شده است و فضای حاکم بر روابط و علائق نسل جوان را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که بنا به گفته کارشناسان، وسایل ارتباطی نقش فزاینده‌ای در سست کردن انسجام اجتماعی دارند (معینی علمداری، ۱۳۸۴).

توسعه فناوری و برقراری تعاملات انسانی در محیط‌های مجازی، منجر به ظهور پدیده‌ی فرهنگ دیجیتال شده است، به گونه‌ای که پژوهشگران برای بررسی این تعاملات، روش‌های جدیدی نظیر مردم‌نگاری مجازی، مردم‌نگاری برخط، تحلیل محتوای الکترونیکی و... را ابداع کرده‌اند که امکان بررسی برنامه‌ی درسی پنهان در محیط‌های مجازی را نیز فراهم می‌کند. به هر حال برنامه درسی نهان محیط‌های مجازی باید مانند دیگر اشکال آموزشی کشف و آشکار شود، به طوری که افراد تحت تأثیر آن بتوانند به انتخاب‌هایی آگاهانه و هوشمندانه دست بزنند. تکنولوژی‌ها، پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای هم دارند و بیشتر با تأثیرات اجتماعی پرشمار و مکتومی همراه هستند که مستقل از اهداف پیش‌بینی شده است (صفایی موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

پدیده نوظهور اعتیاد اینترنتی که حکایت از عمق نفوذ و تأثیرگذاری فضای مجازی بر جوانان دارد، نشان‌دهنده‌ی آن است که امروز باید حوزه نفوذ این عنصر را در تشکیل هویت اجتماعی نسل جوان، فراتر از سایر مؤلفه‌ها شمرد. برای تعیین شاخص رفتاری که به عنوان اعتیاد اینترنتی نام می‌گیرد، در نقاط مختلف دنیا تعاریف متفاوتی ارائه شده است؛ به عنوان مثال در چین اگر کسی بیش از یک ساعت با اینترنت کار کند، معتاد شمرده می‌شود، در حالی که در کشور ما متوسط ارتباط با اینترنت روزی ۹ ساعت است. آمارها نشان می‌دهد که امروزه جوانانی با متوسط ۱۹ ساعت کار با اینترنت در روز هم وجود دارند. به این وضعیت عدم مدیریت اینترنتی گفته می‌شود. در حال حاضر در همه‌ی نقاط جهان، اندیشه‌ی ساختن کمپ‌هایی برای ترک اعتیاد اینترنتی قوت گرفته تا کسانی که به اعتیاد در این فضا گرفتار شده‌اند، کم‌کم به ترک ارتباط تشویق شوند.

در حال حاضر براساس گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۸۸/۲٪ است که در مقایسه با امریکای شمالی با ۸۸/۱۰٪ و اروپا با ۸۰/۲٪ که بیشترین ضرایب نفوذ جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته است و این یعنی ما در دنیا یکی از کاربران فعال فضای مجازی هستیم. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که حضور کاربران ایرانی در جریان دهه‌های مختلف اشکال متفاوتی در دنیای وب داشت؛ برای مثال در دهه‌های ۸۰-۷۰، اینترنت بیشتر در دایره‌ی ارتباطات خانوادگی محصور بود، در حالی که در فاصله‌ی سال‌های ۸۵-۹۶ بیشتر به ارتباطات دوستانه تبدیل شده است.

ضریب نفوذ اینترنت در ایران در دختران بیشتر از پسران است و هرچه سن کمتر باشد، تمایل و گرایش به استفاده از این امکان در فرد بیشتر دیده می‌شود. فقر و بیکاری و فقدان تحصیلات، یکی از فاکتورهای مهم در گرایش به استفاده از اینترنت است. آمارها نشان می‌دهند ضریب نفوذ اینترنت در میان اقشار مختلف کشور، کمترین میزان مراجعه را به اساتید حوزه و دانشگاه و بیشترین آمار را در صنف زنان خانه دار نشان می‌دهد. هرچه نرخ فرهیختگی بالا می‌رود، میزان مراجعه به این فضاها کمتر می‌شود.

#### ۴-۲. تأثیر آسیب‌های روحی و روانی حاصل از اعتیاد اینترنتی بر یادگیری دینی

بیشترین تأثیر منفی حاصل از حضور در فضای مجازی شامل تأثیرات روحی و شخصیتی است که در کاربران مشاهده می‌شود؛ به این معنا که جذابیت فضای مجازی موجب شده جوانان ارتباط در این فضا را به ارتباط واقعی ترجیح دهند. از آن جا که شبکه‌های اجتماعی و رسانه در ایران بیشتر با بازنمایی غیرواقعی از زندگی همراه هستند، جوانان در جریان حضور فعال در این فضا، کم‌کم گرفتار افسردگی و ضعف اعتماد به نفس می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی با تقویت حس نامطلوب انزوای در مخاطبان، گریز از جمع و فردگرایی را تقویت می‌کنند. با توجه به برداشته شدن هنجارهای حضور اجتماعی و گمنامی یا امکان حضور با هویت جعلی، ارتکاب بسیاری از رفتارهای نامناسب در این فضا در مقایسه با فضای اجتماع حقیقی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، در این فضا جوان به خویشتن داری بیشتر و تقوای شدیدتری برای سالم ماندن و پرهیز از آلودگی نیاز دارد تا بتواند دامن خود را از ارتکاب معصیت پاک نگه دارد. همچنین در نتیجه کاهش ارتباطات، استقلال فرهنگ‌ها، عدم تخلیه استرس و برخورد فرهنگ‌های ناهمگون حاصلی چون افسردگی و بی‌نشاطی به دنبال خواهد داشت. آسیب‌های این فضا به آنچه اشاره شد، محدود نمی‌شود؛ بلکه با وجود فضا سازی‌های جعلی در قالب صوت، فیلم و شبهه افکنی در عرصه‌ی ارزش‌های دینی، بیشترین صدمه و آسیب را به نسل جوان وارد می‌کنند که با وجود برخورداری از کوله بار اندکی از تجارب در معرض امواج مسموم فریب و حیل قرار می‌گیرند.

## نتیجه‌گیری

یادگیری‌ها و تجاربی که دانش‌آموزان در نظام آموزشی کسب می‌کنند، محدود به برنامه درسی آشکار نیست و عوامل دیگری نیز در کنار برنامه‌های درسی رسمی وجود دارد که گاه به نحو گسترده‌تر، پایدارتر و نافذتر بر شکل‌گیری تجارب، انتقال افکار، نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعمال و رفتار دانش‌آموزان تأثیری می‌گذارد. چنین تجاربی را که در طی تحصیل در مدرسه و کلاس درس آموخته و درک می‌شود و جزو برنامه درسی از قبل تعیین شده نمی‌باشد، برنامه درسی پنهان یا پیامدهای قصد نشده می‌گویند که دارای آثار مثبت و منفی فراوانی بر روی دانش‌آموزان است. متونی که در قالب کتاب درسی در مدارس آموزش می‌دهند و در برنامه‌ی درسی آشکار برنامه‌ریزی می‌شود، تنها بخشی از یادگیری دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد؛ در حالی که بخش اعظم یادگیری دانش‌آموزان، حاصل تعامل پویای آنان با فرهنگ یا مجموعه روابط یا مناسبات، قوانین و مقررات و فضای حاکم بر مدرسه و نیز حاصل تعاملات اجتماعی آنان در عرصه ارتباطات رسانه‌ای است. این تجارب که بدون آگاهی طراحان و معلمان و اولیای دانش‌آموزان حاصل می‌شود، آثار مثبت و منفی متفاوتی بر روی دانش‌آموزان می‌گذارد که عدم توجه به آن می‌تواند تحقق اهداف تعلیم و تربیت را با اشکال مواجه نماید. از هنگامی که دانش‌آموزان در متن نظام آموزشی قرار می‌گیرند، با سه بُعد از محیط مدرسه مواجه می‌شوند؛ بُعد شناختی، فیزیکی و اجتماعی که هرکدام از این سه بُعد با یک برنامه درسی پنهان همراه است. در این میان، محیط اجتماعی به عنوان نافذترین و مهم‌ترین جنبه از محیط‌های آموزشی است. منظور از بُعد اجتماعی، روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر مدرسه و ارزش‌هایی است که از طریق رسانه‌های متداول و به ویژه رسانه‌های تعاملی، تبلیغ، توسعه و ترویج می‌شود. در مدارس که معلم در کلاس درس فرصت بحث آزاد را فراهم کند و زمان و شرایط مناسبی برای اظهار نظر و بیان افکار مخالف در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، توانایی، اعتماد به نفس، شوق و انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان افزایش یافته و برعکس در مدارس معلم محوری، سلسله مراتب خشک، کنترل شدید و فضای تحکم‌آمیز باشد، پیامدهای قصد نشده‌ای از قبیل اطاعت و پیروی کورکورانه و از بین رفتن حس کنجکاوی را ایجاد می‌کنند.

افزون بر این، سکولار نظام تعلیم و تربیت رسمی\_عمومی به آموزش دینی به عنوان مانعی

جدی در برابر تحقق اهداف ارزشی نگاه می‌کند. براین اساس اعتقادات ارزشی در سطح آگاهی‌های شناختی باقی مانده و به حیطة عمل به مفاهیم عبادی و اخلاقی سرایت نمی‌کند. از سوی دیگر آسیب‌های حاصل از توسعه‌ی فناوری دیجیتال نیز زمینه‌ساز بروز مشکلات جدیدی شده‌اند. این فناوری در عین سودمندی، علاوه بر تأثیرات نامطلوبی که بر روح و روان مخاطبان خود برجای می‌گذارد، با شبهه‌افکنی به سست ساختن زیرساخت‌های معرفی نسل جوان اقدام می‌کند و با استفاده از امکان جعل و بازسازی تصاویر به انعکاس وارونه بسیاری از واقعیات منجر می‌شود. از آنجا که غالب مخاطبان رسانه‌های مدرن نوجوانان و جوانان هستند، با وجود ساده‌اندیشی و عدم برخورداری لازم بر استدلال منطقی، به سرعت در دام فریب دشمن گرفتار می‌شوند. بنابراین شایسته است با آسیب‌شناسی این فضا به تدبیر و چاره‌اندیشی لازم همت گماریم و کلیه‌ی دستگاه‌های مسئول و مقصر را در جهت رفع موانع کارآمدی آموزش‌های دینی بسیج کنیم.



## فهرست منابع

### الف. کتب

۱. اسکندری، حسین. برنامه درسی پنهان، تهران: نشر نسیم، ۱۳۸۷.
۲. \_\_\_\_\_، تربیت پنهان، تهران: انتشارات تزکیه، ۱۳۸۳.
۳. بلوتین ژوزف، پاملا و لاستر براومان، استفتی و دیگران. فرهنگ های برنامه درسی (نظریه ها)، ترجمه محمود مهرمحمدی و دیگران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۹۳.
۴. بیات، پرویز. فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی، تهران: نشر وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵.
۵. بیان فر، فاطمه و ملکی، حسن. برنامه درسی پنهان و آسیب های حاصل از یادگیری، تهران: نشر آبیژ، ۱۳۹۳.
۶. تافلر، الوین. موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۴.
۷. جوادی آملی، عبدالله. انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶، چاپ چهارم.
۸. دونلو، میترا. برنامه درسی پنهان، ساری: انتشارات شفلین، ۱۳۸۷.
۹. صفایی موحد و همکاران. برنامه درسی پنهان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی، ۱۳۹۲.
۱۰. ضرابی، عبدالرضا. اهداف تربیت دینی از منظر قرآن، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۱. عباسی، احمد. مجموعه مقاله های همایش استانی برنامه درسی پنهان، اصفهان: نشر نوشته، ۱۳۸۶.
۱۲. کرمی نوری، رضا. دانش آموز ساکت یا دانش آموز پرسشگر، بی جا: فرهنگ و پژوهش، ۱۳۸۱.
۱۳. ملکی، حسن. برنامه درسی (راهنمای عمل)، مشهد: نشر پیام اندیشه، ۱۳۸۶.
۱۴. مهرمحمدی، محمود. برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی پوچ پنهان. در برنامه درسی: نظریه ها، رویکردها و چشم اندازها، تهران: سمت و به نشر، ۱۳۸۷.
۱۵. قاسمی، فرشید و مرزوقی، رحمت اله. برنامه درسی پنهان در رهگذر جهانی شدن و بومی ماندن، هشتمین همایش سالیانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. بابلسر: دانشگاه مازندران، ۱۳۸۷.

### ب. مقالات

۱. حداد علوی، رودابه و عبدالمهدی، احمد و احمدی، امیدعلی. «برنامه درسی پنهان پژوهشی در یادگیری های ضمنی مدرسه»، دوره ۲۳، شماره ۲، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۸۶. صص ۳۳-۶۶.
۲. علیخانی، محمد حسین و مهرمحمدی، محمود. «بررسی پیامدهای قصد نشده ی ناشی از محیط اجتماعی مدارس دوره ی متوسطه ی اصفهان»، دوره ۱۲، شماره ۴، نشریه ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران، ۱۳۸۴، صص ۱۲۱-۱۴۶.



# اصول و روش های تربیتی انبیا در قصص قرآن از منظر تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن<sup>۱</sup>

زینب طیبی<sup>۲</sup>

نرگس توکل<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف از آفرینش بشر، هدایت و قرار دادن او در مسیر عبودیت است. خداوند متعال این رسالت خطیر را بر عهده پیامبران نهاده است و آن ها را با معجزات و خصایص پیامبرانه تأیید کرده تا کاروان بشری را به کمال مطلوب رسانند و جان های نورانی را آماده ملاقات پروردگار کنند. در این میان، معجزه ی بی بدیل پیامبر خاتم ﷺ با بیانی منحصر به فرد، به زیبایی، زندگانی انبیا و راه و روش آنها در مسیر هدایت بشر را در قالب داستان به تصویر کشیده است؛ چراکه بیان پیام به صورت غیر مستقیم و در اثنای قصص، تأثیرات هدایتی و تربیتی قابل توجه و فزاینده تری بر مخاطبان دارد. از آنجا که شناسایی و بازنگری اصول و روش های تربیتی انبیا در قصص قرآن، راه گشای بسیاری از مسایل و مشکلات تربیتی در سطوح مختلف اقشار جامعه اسلامی است، این نوشتار با روش توصیفی- تحلیلی و بهره گیری از منابع مکتوب کتابخانه ای، به بیان اصول و روش های تربیتی انبیا در قصص قرآن در نظر علامه طباطبایی و سید قطب اختصاص یافته است. نگرش در آیات وحی بیانگر آنست که اصل کرامت، توحید محوری، عزت مداری، تدریج محوری، اخلاق ورزی، اصلاح شرایط و روابط انسانی، صداقت و روش های تربیتی اسوه سازی، تشویق و تنبیه، انذار و تیشیر، تغافل، امر به معروف و نهی از منکر از جمله اصول و روش های تربیتی انبیا است که در تفاسیر گرانسنگ «المیزان فی تفسیر القرآن» و «فی ظلال القرآن»، به روشنی آمده است. واژه های کلیدی: قصص قرآن، اصول تربیتی، روش های تربیتی، انبیا، «المیزان فی تفسیر القرآن»، «فی ظلال القرآن».

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۱

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران drztayyebi@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده معارف اسلامی هدی salma2768@chmail.ir

## مقدمه

خداوند سبحان که انسان را سرسلسله آفرینش و عصاره خلقت قرار داد، انبیاء الهی را مانند باغبانانی مهربان برای حفظ و حراست از کرامت وجودی انسان و پیکره بشریت، به نگاهبانی بشریت گماشت. باریتعالی، در این راه، آنان را به ابزار و معجزات و قواعدی مسلح ساخت تا حجت را بر همگان تمام و راه را از بیراهه به بشر بازشناسانند. هر موجودی برای شناخت جایگاه و مقام خویش در هستی و حرکت در مسیر عبودیت متناسب با این جایگاه، نیازمند راهبری الهی است که انبیاء الهی با شیوه‌های تربیتی که در پرتو علم الهی اتخاذ می‌کردند، قسمت‌هایی از این مسیر را با انسان در طول تاریخ به پیش رفته‌اند تا نوبت به پیامبر خاتم رسید و خداوند متعال با معجزه جاویدان قرآن، حجت کامله حق را بر انسان نازل کرد و به عنوان کامل‌ترین راهنمای بشریت، همواره آبشخور تشنگان معرفت و چراغ هدایت راه‌گم‌کردگان قرار داد. این معجزه عظیم، با زبان اعجاز و کلام وحی، در بسیاری از فرازهای خویش، به بیان داستان‌های انبیا و عبرت‌ها و نکات تربیتی سیره و منش آن‌ها پرداخته است و بی‌تردید، انسان برای راهیابی به کمال و سعادت و بازگشت به فطرت خداگونه‌ی خویش و رسیدن به مقام خلیفه الهی، راهی جز برگشت به مسیر انبیاء ندارد.

بازنگری و شناسایی راه و مرام انبیا و سیره تربیتی آنان که براساس مبانی عقلانی و در جهت رشد و به شکوفایی رساندن نهال نحیف وجود انسان، توسط این سفیران هدایت به کار گرفته شده و شیوه‌های دستیابی به این مبانی، گم‌کرده انسان در جهان امروز است تا در بیراهه‌های فقدان هویت و هجوم بیرحمانه تکنولوژی‌هایی که همه در جهت خدمت به جسم انسان و جاودانگی بُعد جسمانی اوست، می‌تواند ناجی روح سرگردان نسل بشر باشد و او را به سر منزل مقصود برساند. در این میان، برخی تفاسیر که با نگاه بدیع و فرامکانی و فرازمانی خویش به این جنبه قرآن توجه داشته‌اند، می‌توانند به بازشناسی اصول و روش‌های تربیتی انبیا در قصص قرآن کمک شایانی کنند. شناسایی، تبیین و تحلیل این اصول و روش‌ها با نگاه به تفسیر سترگ المیزان با قلم اندیشمند بزرگ جهان تشیع علامه طباطبایی و همچنین تفسیر فی ظلال القرآن، نگاشته دانشمند بزرگ اهل سنت، با نگاهی ادبی به قرآن، می‌تواند علاوه

بر نشان دادن جایگاه علمی این تفاسیر، به روشن شدن تفاوت های نگاه تفسیری دانشمندان شیعه و اهل سنت منجر شود و بستری مناسب برای بهره برداری از نکات تربیتی قصص قرآن و الگوهای آسمانی که همان انبیاء هستند را فراهم آورد.

تاکنون مقالاتی تک نگارانه در ارتباط با مبانی تربیتی انبیاء در قرآن، اصول و روش های تربیتی در سوره ای خاص مانند سوره لقمان و همچنین کتاب هایی درباره اصول و روش های تربیتی در داستان های قرآن به رشته تحریر آمده است که افزون بر عدم تأکید بر همه اصول تربیتی انبیاء، به دنبال سیره تربیتی انبیاء در قصص قرآن نبوده اند و تنها به ذکر آن اصول و روش ها در قرآن اشاره کرده اند و بر تفسیر آن ها تکیه نداشته اند. در این مقاله سعی شده است با روش تحقیق کتابخانه ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، مهمترین اصول تربیت انبیاء در قصص قرآن و همچنین برخی روش های تربیتی ایشان، با توجه به تفاسیر ارزشمند «المیزان» و «فی ظلال القرآن» شناسایی و بیان شود.

اینک به تعریفی مختصر از واژه «تربیت» و سپس به بیان اصول تربیتی انبیا و برخی روش های تربیتی برای دستیابی به این اصول پرداخته می شود.

## ۱. مفهوم شناسی تربیت

تربیت از ریشه «ربو»، به معنای بزرگ کردن متربی و پرورش جسمانی اوست (راغب اصفهانی، ذیل باب ربو). در اصطلاح عبارت است از فراهم ساختن زمینه های رشد و شکوفایی تربیت پذیر و رساندن او به مرحله ای که استعدادها و قابلیت هایش را بروز دهد (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۳۷). لغت شناسان بر آنند که اصل معنا در تربیت، سوق پیدا کردن به سوی کمال و رفع کمبودهاست و فرقی ندارد که از نظر ذاتیات یا عوارض یا اعتقادات و معارف یا صفات و اخلاقیات یا اعمال و آداب متداول در انسان یا حیوان و نبات باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۲۰-۲۲).

به نظر می رسد باتوجه به معانی آورده شده، تربیت، راه یابی و هدایت انسان به سوی کمال وجودی خویش در جهت شکوفایی استعداد های اوست و این معنا در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲. اصول تربیتی انبیا در قصص قرآن

اصل تربیتی، ریشه و بنیانی است که در جریان تربیت، اجتناب ناپذیر است و به عنوان دستورالعملی کلی، جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارد و در صورتی که از آن تخطی شود، دستیابی به هدف دچار مخاطره می‌شود (عابدی، ۱۳۸۲). قواعد کلی که به عنوان ملاک و مبنای کار انبیاء در امر تربیت انسان به کار گرفته شده است، به شرح ذیل است.

### ۱.۲. توحید محوری

واژه «توحید»، مصدر باب «تفعیل»، به معنای یگانه دانستن به کار رفته است؛ به گونه‌ای که در مفهوم آن انفراد و یگانگی لحاظ شده است. ریشه توحید که «وَحَد» است و «وحدت» از آن مشتق می‌شود، به معنای انفراد است؛ از این رو، «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۸۵۷).

پیامبران پس از فراخوانی مردم به اعتقاد خدا، نکته مهم دیگری را سرلوحه دعوت خود بیان داشتند که اصل توحید بوده است. توجه به مسأله توحید، افزون بر آنکه حقیقتی غیر قابل تغییر است، لازمه بازداشت مردم از ورود به عرصه‌های شرک و دوگانه پرستی است. از این رو، همه شرایع آسمانی بر اساس توحید و یکتا پرستی استوار و تبری از هرگونه شرک و انحراف، از شعارهای اصلی پیام‌آوران الهی بوده است. جهان بینی الهی بر پایه‌ی خدامحوری بنا شده که بر اساس آن، جهان و هر چه در آن است، پرتویی از آن ذات بی همتاست و هیچ کس و هیچ چیز از دایره قدرت مطلق الهی بیرون نبوده و نیست و همه از اویند و به او باز می‌گردند. هدف غایی تعلیم و تربیت الهی نیز ایمان، تقرب به خدا و جلب رضایت الهی و حرکت در راه نیل به آن سرچشمه کمالات و خوبی‌ها و نزدیک شدن به آن مصدر فیض و در یک کلام، «خداگونه» شدن است. بر همین مبنا، سرلوحه‌ی دعوت تمام پیامبران الهی نیز توحید بوده و آنها در آغاز حرکت‌های تبلیغی خود، همواره مخاطبان خود را به توحید و نفی شرک فرا می‌خواندند؛ چراکه با پذیرش توحید واقعی، راه دستیابی به کلیه‌ی فضایل و مکارم اخلاقی بر روی انسان‌ها گشوده می‌شود و در واقع، هیچ اصلاحی در جوامع بشری بدون این دعوت میسر نیست (محمد قاسمی، ۱۳۸۹ الف، ص ۹).

خدا محوری در جای جای زندگی انبیاء موج می‌زند، به گونه‌ای که تمام زندگی آنها در مسیر خدا و براساس توحید بوده است. در داستان‌های حضرت موسی علیه السلام در قرآن به وفور خدا محوری دیده می‌شود:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (قصص: ۲۱)؛ ﴿عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (قصص: ۲۲)؛ ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (قصص: ۲۴)؛ موسی نگران از شهر خارج شد و گفت: پروردگارا مرا از شر مردم ستمگر نجات ده و چون موسی متوجه جانب مدین شد، گفت امیدوارم که پروردگارم مرا به راه مستقیم و راست هدایت کند. موسی گوسفندان ایشان را آب داده سپس به طرف سایه بازگشت و گفت: پروردگارا من به آنچه از خیریر من نازل کنی محتاجم.

در داستان حضرت یوسف علیه السلام، وقتی همسر عزیز او را تهدید به زندان می‌کند، می‌گوید: ﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ (یوسف: ۳۳)؛ گفت پروردگارا زندان برای من از گناهی که مرا بدان می‌خوانند، خوشتر است و اگر نیرنگشان را از من دور نکنی، متمایل به ایشان می‌شوم و از جهالت پیشه‌گان می‌گردم.

در زندان نیز درباره علم تعبیر خواب، همه چیز را از خدا می‌داند:

﴿قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (یوسف / ۳۷)؛ یوسف در پاسخ آنها گفت من شما را قبل از آنکه طعام آید و تناول کنید، به تعبیر خوابتان آگاه می‌سازم که این علم را خدای من به من آموخته است؛ زیرا که من آئین گروهی را که به خدا بی‌ایمان و به آخرت کافرند، ترک گفتم.

علامه طباطبایی، ذیل این آیات می‌فرماید: پس روشن شد که هیچ انگیزه و محرکی، جای توحید را نمی‌گیرد و چیزی وجود ندارد که جای توحید را در بازداری انسان از معصیت و نقض سنن و قوانین پرکند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۱۵۲)

در تفسیر فی ظلال القرآن نیز سید قطب، خدا محوری و استعانت از خدا توسط یوسف علیه السلام را

ذیل آیه ۳۳ یوسف علیه السلام یادآور می‌شود: «یوسف رو به خدا می‌کند و از او یاری و مدد می‌خواهد و عاجزانه درخواست می‌کند که یزدان تلاش‌های زنان را از او برگرداند که برای به دام انداختن وی از خود نشان می‌دهند. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۹۸۵)

بنا بر آنچه یاد شد، علامه طباطبایی توحید را سرلوحه و زیربنای رفتار یوسف علیه السلام و نجات یوسف علیه السلام از مهلکه را حاصل علمی که به مقام پروردگارش و حاضر و ناظر دانستن خدا می‌داند. سید قطب نیز به استعاده یوسف علیه السلام به خدا در امتحانات الهی با علم به ضعف نفس سرکش خویش، اشاره کرده است.

## ۲.۲. کرامت

خداوند انسان را موجودی گرامی و ارزشمند آفریده و بر سایر مخلوقات برتری داده است. از نظر تربیتی نیز انسانی که برای گوهر وجودی خویش ارزش قائل شده و خود را گرامی بداند، روح خود را به هر پلیدی و زشتی نمی‌آلاید. با تدبر در آیاتی از قرآن که از کرامت و ارزشمندی انسان سخن رانده‌اند، به این اصل مهم تربیتی بیشتر واقف می‌شویم: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه، بهر مندی انسان از نعمت عقل که به واسطه آن بر سایر موجودات برتری می‌یابد را دلیل کرامت و ارزشمندی وجودی انسان می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۵۵) همچنان که سید قطب ذیل این آیه، سرپرست و رئیس خود بودن و مسئولیت رویکرد و عملکرد و پیامد کردار و رفتار خویش داشتن انسان را از نشانه‌های کرامت انسان دانسته است تا بدانجا که به خلعت خلافت رسیده و مفتخر به جانشینی شده است. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۲۴۱)

در داستان حضرت یوسف علیه السلام، طبق آیه ۶۲ سوره یوسف علیه السلام، می‌بینیم که ایشان با تکریم برادران خود- با وجود اینکه آنها را می‌شناسد- و برگرداندن کل بهای آذوقه و گندمی که خریده بودند، آنها را تکریم و احسان کرده و ترغیب به بازگشت نزد خود و در ادامه داستان، آنها را معترف به گناه و اشتباه گذشته‌ی خود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۲۱۰): «وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (یوسف: ۶۲)؛ سپس هنگامی که



آهنگ کوچیدن کردند، یوسف به کارگزاران خود گفت: (پول) کالاهائی را که پرداخته‌اند در میان بارهایشان بگذارید، شاید پس از مراجعت به خانواده خویش، بدان پی ببرند و بلکه (بر وفای به عهد ما اطمینان یابند و بربرادر خود بنیامین نترسند و همراه او به پیش ما) برگردند. سید قطب ذیل آیه ۶۲ سوره یوسف عَلَيْهِ السَّلَام، رفتار یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را با برادرانش به گونه‌ای توصیف می‌کند که با او انس و الفت گرفته و سپس با عملی کردن نقشه خود و برگرداندن توشه سفر آنان، اعتماد ایشان را جلب کند. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۰۱۶)

بنابراین هر دو مفسر بر بکارگیری شیوه کرامت توسط حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام برای رسیدن به مقصود خویش و هدایت و راهبری برادرانش به راه صواب، اشاره کرده‌اند.

### ۳.۲. اندیشه ورزی

اندیشه و خردورزی بالاترین نعمتی است که خدا به انسان داده و وجه تمایز بین حیوان و انسان، عقل است. در قرآن کریم، آیات بسیاری به اهمیت اندیشه ورزی و استفاده از نیروی عقل در برخورد با پدیده‌ها و راه جویی در مسیر کمال اشاره کرده‌اند. همانگونه که بسیاری از مردم را با «افلا تعقلون» و «افلا تتفكرون» خطاب می‌کند (بقره: ۴۴؛ بقره: ۷۶؛ آل عمران: ۶۵؛ انعام: ۳۲) و به این شیوه همگان را به استفاده از نیروی اندیشه و تعقل دعوت می‌کند. امیرالمومنین علی عَلَيْهِ السَّلَام در گفتاری ارزشمند، در مقام بیان فلسفه ارسال پیامبران می‌فرماید:

«فبعث فیهم رسله و واترالیهم انبیاءه لیستاذوهم میثاق فطرته و یدکروهم منسی نعمته و یختجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ پس خداوند پیامبرانش را در میان انسان‌ها مبعوث کرد و رسولان خود را پی در پی به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه کنند و نعمت‌های فراموش شده الهی را به آنان یاد آوری کنند و با ابلاغ دستورهای خدا، حجت را بر آنها تمام کنند و گنج‌های پنهانی عقل‌ها را برای آنان آشکار سازند».

در این بیان نورانی، یکی از اهداف انبیاء الهی، آشکار کردن گنجینه‌های عقل‌ها بر شمرده شده و به زیبایی بیانگر اهمیت استفاده از اندیشه و نیروی عقل است. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از این شیوه بسیار استفاده کرده‌اند؛ آنجا که برای دعوت مشرکان به تفکر در آیات آسمان

و زمین و رهایی از بند شرک و بندگی غیر خدا، آیات ذیل را بر زبان جاری می‌کنند: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ أِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (سبا: ۲۴)؛ بگو: چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ و خودت پاسخ بده: خدا، و بگو: من و یا شما بر طریق هدایت و یا در ضلالتی آشکاریم».

علامه در تفسیر این آیه، بر آن است که این آیه، احتجاج دیگری علیه مشرکین از ناحیه رزق است، چرا که مشرکین در پرستش بت، این مستمسک را برای خود درست کرده بودند که پرستش بت، مایه خوشنودی آلهه است و وقتی از ما راضی شدند، رزق ما را توسعه می‌دهند و در نتیجه سعادت‌مند می‌شویم، از این رو به رسول گرامی خود را دستور می‌دهد از ایشان بپرسد: چه کسی از آسمان و زمین رزق ایشان را فراهم می‌کند؟ سوالی که خود مشرکین پاسخ آن را می‌دانستند؛ اما از اعتراف به این معتقد خود، استنکاف می‌ورزیدند، با اینکه در دل به آن ایمان داشتند، از این رو خدای سبحان دستور داد رسول خدا ﷺ از طرف ایشان پاسخ دهد. پس فرمود: ﴿قُلِ اللَّهُ - بگو خدا﴾ (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۷۴).

سید قطب ذیل این آیه، شیوه ادبی و زیبا، شیوه معلمانه پیامبر در بکارگیری اندیشه و تعقل مخاطبان را به تصویر می‌کشد و این سخنان پیامبر ﷺ را نهایت انصاف و عدالت و ادب در ستیزه و جدال می‌داند تا بدین وسیله تدبیر و تفکر را در کمال آرامش برانگیزد؛ چرا که پیامبر ﷺ معلمی دلسوز و مهربان است و لازم است ایشان را رهنمود کند، نه این که آنان را خوار و زبون و سرکوب نماید و معتقد است که جدالی بدین شیوه پاکیزه الهامگرانه، بهتر و زودتر دل‌های متکبران ستیزه جوئی را می‌ساید که با جاه و مقام می‌نازند و گردن می‌افرازند و خویشتن را بالاتر از اقرار به حق و تسلیم شدن در برابر حقیقت می‌گیرند. وی بر آن است که جدال پاک و پسندیده، بهتر تدبیر و تفکر راهنما و قانع شدن ژرف و ریشه دار را برمی‌انگیزد (قطب ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۹۰۸).

در اینجا نیز هردو مفسر و با ادبیات ادبی زیبا، سید قطب، بکارگیری اصل اندیشه ورزی توسط پیامبر ﷺ برای نفوذ در مخاطب و تربیت کفار آن زمان را به نمایش می‌گذارند.

## ۴.۲. صداقت

تربیتی دارای اثر صالح است که مربی آن دارای ایمان به آنچه که به متعلم می‌آموزد، باشد

و عملش با علمش مطابقت کند، اما کسی که به گفته های خود ایمان ندارد و یا برطبق آن عمل نمی کند، امید خیری به تربیتش نیست (مهدوی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸).

پیامبر خدا ﷺ در باب اهمیت راستگویی و صداقت می فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا (متقی هندی، ۱۴۰۹، ح ۶۸۶۱)؛

بر شما باد راستی؛ زیرا که راستی به برّ و نیکی رهنمون می شود و برّ و نیکی به بهشت. آدمی چندان راست می گوید و راستی می جوید تا آنکه نزد خداوند از صدیقان قلمداد می شود».

خداوند مهربان در آیه ۳۵ سوره احزاب، ده گروه از مردان و زنان را با ویژگی هایی خاص معرفی می کند و آنها را شایسته مغفرت، آمرزش و پاداش بزرگ می داند (رضوان فر، ۱۳۸۴، ص ۵۹)؛ یکی از آنها، مردان و زنان راستگو هستند:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب: ۳۵)؛

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند؛ خدا برای [همه] آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است».

به تعبیر علامه طباطبایی، «صدیق» کسی است که در صدق مبالغه کند؛ یعنی آنچه را می کند، می گوید و میان گفتار و کردارش تناقضی نباشد. این صفت و ویژگی برای بعضی پیامبران در قرآن آمده است. از جمله برای حضرت ابراهیم عليه السلام؛ خداوند نیز از افراد راستگو در قرآن کریم به بزرگی یاد می کند: ﴿وَذَكَرَ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صَادِقًا نَبِيًّا﴾ (مریم: ۴۱)؛ و در این کتاب به یاد

ابراهیم پرداز؛ زیرا او پیامبری بسیار راستگو بود». همین توصیف درباره ادریس علیه السلام و یوسف علیه السلام نیز آمده است. ابراهیم علیه السلام در محیطی که یکپارچه بت پرست بودند، دم از توحید زد. با پدر و معاصرانش و با پادشاه بابل در افتاد و خدایان دروغین را شکست و بر آنچه می گفت، عمل کرد تا آنجا که در آتش افکنده شد و خداوند پادشاه استقامت، اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام را به او ارزانی داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۵۶).

سید قطب ذیل آیه ۴۱ سوره مریم که بیان کننده صفت «صدیق» برای حضرت ابراهیم علیه السلام است، تنها به بیان معنای ظاهری واژه صدیق پرداخته و برخلاف علامه طباطبایی، سخنی از نمود عملی صداقت در سلوک رفتاری و تبلیغی حضرت ابراهیم علیه السلام به زبان نمی آورد: «واژه صدیق، به معنای بسی راستگو و راستکار، دو معنی دارد: بسیار دارای صدق و صداقت و بسیار تصدیق کننده حق و حقیقت» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۳۱۱).

همان گونه که بیان شد، علامه با وصف نمود عملی صداقت در حضرت ابراهیم علیه السلام، به تبیین مقام صدیق در حضرت ابراهیم علیه السلام می پردازد، ولی سید قطب تنها به معنای لغوی آیه پرداخته است.

## ۵.۲. تدریج محوری

انسان موجودی است که از عوامل، زمینه ها و شرایط پیرامون خود تأثیر می پذیرد و این تأثیر، دفعی و یکباره نیست؛ بلکه بصورت تدریجی و مرحله ای است. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

«اذا بلغ الغلام ثلاث سنين فقل له سبع مرات قل لا اله الا الله ثم يترك حتى يبلغ ثلاث سنين وسبعه اشهر وعشرين يوما ثم يقال له قل محمد رسول الله سبع مرات (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸۸۲)؛

هنگامی که کودک به سن سه سالگی رسید، به او بگویند هفت مرتبه بگوید: «لا اله الا الله» تا بیاموزد؛ در چهار سالگی به او بگویند که هفت مرتبه بگوید، «محمد رسول الله» تا یاد بگیرد؛ در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سربه سجده بگذارد؛ در پایان شش سالگی رکوع و سجده

صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل گفته شود دست و رویت را بشوی؛ و پس از آن به او گفته شود نماز بخوان».

این روایت نشانگر آن است که تربیت باید به شکل تدریجی و متناسب با رشد عقلی و سنی فرد باشد. چنین تدریجی، لازمه‌ی حیات انسان است؛ چراکه اگر عقل کودک در رحم مادر به کمال برسد، چون زاده شود، چنان متحیر خواهد شد که حتی ورود را انکار خواهد کرد، زیرا ناگهان با محیطی روبه روی می‌شود که به محیط پیشین او شبیه نیست (غزالی، ۱۹۹۴م، ص ۲۳). این شیوه به صورت خاص در شیوه دعوت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ برای پرستش خدای یگانه به چشم می‌خورد. آجا که برای برقراری دین توحیدی در جامعه آن روز عرب، برای شروع دعوت خویش، به دستور خداوند متعال با ندای «قم فانذر» (مدثر: ۲) از خلوتگاه غار حراء بیرون آورده و ابتدا به طور مخفیانه مأمور دعوت نزدیکان شده و سپس با فرمان «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴)، مأمور به دعوت خویشاوندان و بعد با آیه «فَاذْعُ بِمَا تُوَمَّرُوْا أُغْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴)، دعوت علنی خود را آغاز کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۸۰)

علامه طباطبایی در ارتباط با حکم تحریم تدریجی شراب و قمار در ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره که توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ از سمت خدا ابلاغ شد، چنین آورده است:

«از آنجایی که مردم به قریحه حیوانیت که دارند همواره متمایل به لذت شهوت هستند و این تمایل اعمال شهوانی را بیشتر در بین آنان شایع می‌سازد تا حق و حقیقت را و قهرا مردم به ارتکاب آنها عادت نموده ترکش برایشان دشوار می‌شود، هر چند که ترك آن مقتضای سعادت انسانی باشد، بدین جهت خدای سبحان مبارزه با اینگونه عادت‌ها را به تدریج در بین مردم آغاز کرد و با رفق و مدارا تکلیفشان فرمود: یکی از این عادات زشت و شایع در بین مردم می‌گساری بود که شارع اسلام به تدریج، تحریم آن را شروع کرد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۱).

سید قطب نیز در رابطه با تحریم عادت زشت مردمان عرب که شرابخواری و قمار بازی بود و شیوه گام به گام اعلام حرمت آن، به گوشه‌ای از روش تربیتی اسلامی که برایمان استوار است، اشاره کرده و آن عبارت است از اینکه وقتی امری نپسندیده‌ای از قواعد جهان بینی ایمانی، یعنی به یک مسأله اعتقادی مربوط می‌شود، اسلام از همان لحظه نخست قاطعانه

درباره آن قضاوت می‌کند، ولی وقتی امر یا نهی به عادت و تقلیدی و یا به یک وضع و حالت اجتماعی پیچیده مربوط می‌شود، اسلام با احتیاط عمل می‌کند و آهسته و آرام و گام به گام برای حل آن می‌کوشد و به تدریج، شرایط واقعی را که بتواند اجراء و اطاعت از آن را میسر گرداند، آماده می‌سازد. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۲۸)

بنابراینچه در این دو تفسیر آمده است، دو مفسر، به حکم تدریجی حرمت شراب خواری و اصل تدریج، به عنوان یک اصل در تربیت اشاره کرده‌اند. علامه علت اجرای تدریج در حکم را تمایل شهبوانی انسان به لذائذ حرام و سختی کنار گذاشتن آن می‌داند و سید قطب از حالت اجتماعی پیچیده‌ای سخن می‌راند که نیازمند یک عملکرد محتاطانه است.

## ۶.۲. صبر

صبر عبارت است از اینکه انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد که بتواند کنترل نظام نفس خود را که حیات انسانی و جلوگیری از اختلال آن بستگی به آن نظام دارد، در دست گرفته، دل خود را از تفرقه و نسیان تدبیر و خبط فکرو فساد رأی باز دارد. پس صابران آنهاست که در مصایب، استقامت به خرج داده و از پا در نمی‌آیند و هجوم مکاره و سختی‌ها، پایشان را نمی‌لغزاند.

امام علی علیه السلام درباره اهمیت صبر فرموده‌اند: «صبر در کارها همانند سردر بدن است، همانطور که وقتی سراز بدن جدا شود، بدن فاسد می‌شود، هنگامی که صبر از کارها جدا شود، کارها تباه می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۷۳).

در قرآن هیچیک از فضایل به اندازه صبر و استقامت در راه خدا سفارش نشده است. بیش از هفتاد بار در آیات مختلف از صبر سخن رانده شده است و پاداش صابران بی حساب شمرده می‌شود: ﴿انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب (زمر: ۱۰)؛ کسانی که خویشان دار باشند اجرشان را بدون حساب و به طور کامل درخواهند یافت﴾.

در میان پیامبران حضرت نوح علیه السلام به عنوان اسوه صبر و استقامت در مسیر سخت هدایت امتش شناخته شده است. آن پیامبر، سال‌ها به با مشکلات طاقت فرسا مبارزه کرد و در راه دعوت قوم خود، صبر و استقامت مثال زدنی‌ای از خود نشان داد. دست آخر کسانی که به او

ایمان آوردند، عده ای قلیل بودند: «ما آمن معه الا قلیل» (هود: ۴۰) و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا. فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا. وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا. ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا. ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ اسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (نوح: ۵-۹)؛ پروردگارا! من قوم خود را شب و روز دعوت کردم، ولی دعوتم جز زیادتر شدن فرارشان فایده ای نداد و من هر چه دعوتشان کردم تا توایشان را بیمارزی، انگشت‌ها به گوش نهاده، جامه به سرکشیدند و بر عناد خود اصرار و به وجهی ناگفتنی استکبار ورزیدند. این بار به بانگ بلند دعوتشان کردم و نوبتی علنی و گاهی سری آن هم به چه زبانی دعوت نمود.»

انبیاء الهی نه تنها در راه دعوت الهی خویش، صبر و استقامت داشتند، بلکه این شیوه را به مخاطبان خویش آموزش می دادند، آنجا که حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل را دعوت به صبر می کند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی به قوم خود گفت از خدا کمک جوئید و صبور باشید که زمین متعلق به خدا است و به هر کسی از بندگان خویش بخواهد وامی گذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است.»

از سخن علامه در تفسیر آیه ۱۲۸ سوره اعراف چنین برمی آید که ایشان معتقد است موسی علیه السلام در این جمله، بنی اسرائیل را بر علیه فرعون شورانده و آنان را به استعانت از خدای تعالی در رسیدن به هدف که همان رهایی از اسارت و بندگی فرعون است، توصیه نموده و آنان را به صبر در برابر شدایدی که فرعون خط نشان آن را می کشد، سفارش می کند و صبر در برابر شداید را راهنمای خیر و پیشتاز فرج و نجات می داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۲۴). سید قطب ذیل این آیه آورده است که موسی علیه السلام، قوم خویش را به تحمل فتنه و آزمون و شکیبایی بر بلا و مصیبت، و کمک خواستن از خدا در مقابله با آنها توصیه کرده است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۳۵۵).

در اینجا نظر هر دو مفسر درباره توصیه به صبر توسط حضرت موسی علیه السلام به قوم خویش و

استعانت از آن در سختی‌ها، به عنوان مقدمه‌ای برای پیروزی با اذن و حکمت خداوند، آمده است.

## ۷.۲. اصلاح شرایط و روابط انسانی

انسان از شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی و انسانی تأثیر می‌پذیرد. طبق این ویژگی، ریشه‌ی برخی افکار، نیات و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جست‌وجو کرد. به عبارت دیگر، انسان هم از حیث ظاهر و هم باطن، تحت تأثیر شرایط قرار دارد. اصل حاضر بیانگر آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید به دستکاری شرایط محیطی او پرداخت. تغییر روابط آدمی با شرایط زمانی و مکانی و به ویژه شرایط اجتماعی، مبدأ تغییر بسیاری از حالات و رفتارهای اوست (باقری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۳۴). برای نمونه موسی علیه السلام مدتی از میان امت خویش غایب شد. در غیبت او سامری موقعیت را مناسب دید و با عاریت گرفتن زیور و زینت مردم، گوساله‌ای زرین و فریبا پرداخت، آنچنان که به گفته خود آنان که به سامری روی آوردند، بی‌اختیار فریفته آن گوساله شدند:

﴿قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ. فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ﴾ (طه: ۸۸-۸۷)؛

گفتند: ما به اراده خویش از وعده تو تخلف نکرده‌ایم، اما محموله‌هایی از زیور فرعونیان با خود برداشته بودیم که در آتش افکندیم و همچنین سامری نیز بیفکند و برای آنها مجسمه گوساله‌ای را ساخت که صدای گوساله داشت گفت: این خدای شما و خدای موسی است و ایمان را رها کرد.

بنابرایات وحی، بنی اسرائیل در برابر آن سجده بردند و آن را معبود خویش گرفتند. هنگامی که موسی علیه السلام برگشت و امت خود را گرفتار فتنه سامری دید، او را فراخواند و گفت: ﴿قَالَ فَأَذْهَبُ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ﴾ (طه: ۹۷)؛ از میان ما بیرون شو. اکنون بنگر این خدایی که بازو زیور پرداخته‌ای و به پرستش و خدمتش ایستاده‌ای چگونه طعمه حریق می‌کنیم و خاکسترش را به آب دریا می‌دهیم.﴾



علامه ذیل آیه آورده است: «جمله» قَالَ فَأَذْهَبَ «حکم به طرد او از میان اجتماع است، او را از اینکه با کسی تماس بگیرد و یا کسی با او تماس بگیرد، ممنوع کرد و قدغن نمود از اینکه کسی به او منزل دهد و با او همکلام شود و با او بنشیند و به طور کلی آنچه از مظاهر اجتماع انسانی است، از وی قدغن نمود» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۷۵).

موسی عَلَيْهِ السَّلَام برای مهار زدن به اندیشه ی شرک در میان مردم (علاوه بر تبیین فکری) دست به تغییر موقعیت زد، سامری را از امت اخراج کرد و آثار ضلالت بار او را از متن جامعه زدود و بدین گونه مرداب را از ریشه سوزاند. (باقری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۴)

سید قطب نیز به طرد کردن سامری از میان قوم بنی اسرائیل اشاره می کند و معتقد است که این بایکوت کردن و طرد نمودن از میان جامعه، یکی از قوانین جزائی شریعت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بوده و جنبه اعلام پلیدی و کناره گیری از آن داشته است. شخصی که به این عقوبت گرفتار می آمد، کسی با او تماس نمی گرفت و نزدیک نمی شد و او هم حق نداشت با کسی تماس بگیرد و نزدیک شود (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۳۴۹)

در اینجا علامه حکم طرد سامری از جامعه را مطرح می کند که به نظر می آید در بین روش های تربیتی انبیاء، ابتکار تازه ای است و به نوعی دور کردن منشأ گمراهی از مقابل دیدگان و ذهن مردم به حساب می آید. سید قطب نیز از آن به عنوان یک قانون جزایی در بنی اسرائیل یاد کرده است که زمینه متنه شدن فرد خاطی و اعلام برائت از جرم را در جامعه فراهم می کند.

### ۳. روش های تربیتی انبیاء در قصص قرآن

منظور از «روش تربیت»، طریقه ای است که رسیدن جریان تربیت را به هدف مورد نظر میسر می کند. در واقع، «روش» ناظر به مجموعه راه ها و استفاده از ابزارها و قواعد خاص برای رسیدن به هدفی خاص است (فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۵۹) و شامل شیوه هایی است که با استفاده از آنها فرد می تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کند و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه ی دل و روح خود یا دیگری بزدايد (موسوی کاشمری، ۱۳۷۹، ص ۱۵) در اینجا به صورت مختصر به بعضی از این روش ها که توسط انبیاء الهی در امر تربیت به کار گرفته شده است، پرداخته می شود.

### ۱.۳. تغافل

تغافل بدین معناست که هرگاه به واقع از خطایی مطلع شدیم، تظاهر به غفلت کنیم و وانمود نماییم که خطایی از فرد سر نزده است و درصدد برآییم با قبول توجیهاات وی، شخصیت و کرامت او را مخدوش نسازیم. از لغزشگاه‌های امر تربیت، لحظه‌ای است که متربی خود را از فروپوشیدن خطای خویش بی‌نیاز بیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد؛ تغافل تدبیری برای پیشگیری از وقوع چنین لحظه‌ای است (باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۹۹). تغافل افزون بر آنکه نشانه بلاهت و سادگی مربی نیست، مایه بزرگواری او نیز هست. امیرالمومنین علی علیه السلام در اهمیت تغافل می‌فرماید: «نصف العاقل احتمال و نصفه تغافل؛ نصف عاقل احتمال و تحمل کردن و نصف دیگرش تغافل است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۹، ح ۹۱۹۹). پیامبران نیز از این شیوه به خوبی استفاده کرده‌اند. در داستان حضرت یوسف علیه السلام، وقتی برادران یوسف علیه السلام برای توجیه دزدی پیمانانه توسط بنیامین به تهمت زدن به برادرش یوسف علیه السلام در کودکی متوسل شدند:

﴿قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ  
قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف: ۷۷)؛

(برادران) گفتند اگر او (بنیامین) دزدی کرده (تعجب نیست) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرده، یوسف (سخت ناراحت شد و این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت و برای آنها اظهار نداشت، (همین اندازه) گفت وضع شما بدتر است و خدا از آنچه حکایت می‌کنید آگاه‌تر است.

حضرت یوسف علیه السلام با جوانمردی از این افترا چشم پوشی کردند. یوسف علیه السلام این نسبت دزدی را که برادران به او دادند، نشنیده گرفت و در دل پنهان داشت و متعرض آن و تبرئه از آن نشد و حقیقت ماجرا را فاش نکرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۵۴)، چون می‌دانست روزی می‌رسد که حقیقت برملا شده و آن‌ها خجل و متنبه خواهند شد.

سید قطب در تفسیر این آیه، علاوه بر اشاره به عدم توجه یوسف علیه السلام به سخن برادران و پنهان ساختن ناراحتی خویش و فاش نکردن نشانه‌های آن ناراحتی، آورده است که یوسف علیه السلام بدین وسیله خواست ستیز تهمتی را که زده‌اند قطع کند و جدالی را که ربطی به موضوع ندارد، بزداید (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۰۲۲).

## ۲.۳. ابتلا

«ابتلا» به معنای آزمایش است؛ بدین ترتیب که «بلاء» و «ابتلاء» را به کسی پیشنهاد می‌کنند یا او را در حادثه و واقعه‌ای قرار می‌دهند تا بدین وسیله خود را نشان دهد و صفات باطنی او از قبیل اطاعت، شجاعت، سخاوت، عفت و... و یا نقطه مقابل اینها و میزانشان را دریابند. به عبارتی دیگر، ابتلا در صحنه عمل معنا می‌یابد و به دنبال آن صفات باطنی انسان ظاهر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۸).

به تعبیر علامه طباطبایی، تمام افراد بشر از مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار، پیامبر و یا مقام‌های پایین‌تر، همه و همه مورد امتحان و ابتلا قرار گرفته و هیچ‌کس از این ناموس عمومی الهی، استثناء نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۲).

در قرآن کریم نیز بارها به این سنت همگانی اشاره شده است و پس از حکایت هلاکت قوم نوح علیهم‌السلام آمده است: «وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (مؤمنون: ۳۰)؛ و ما به طور مسلم همگان را آزمایش می‌کنیم». در کتاب الهی، نمونه‌های متعددی از داستان ابتلائات الهی به چشم می‌خورد. آزمایش‌های سخت ابراهیم علیه‌السلام و ایوب علیه‌السلام از نمونه‌های بارز این سنت الهی است. پیامبران هم این شیوه را در سیره تربیتی خویش به کار گرفته‌اند؛ قوم حضرت هود علیه‌السلام با فرستاده شدن ناقه صالح علیه‌السلام، در مقام امتحان و ابتلا قرار می‌گیرند: «أَنَا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاضْطَبِرْ (قمر: ۲۷)؛ ما ماده شتر را برای آزمایش آنان خواهیم فرستاد، صبر کن و منتظر باش».

علامه ذیل این آیه ضمن اشاره به معجزه بودن ناقه صالح علیه‌السلام، به امتحان قوم صالح علیه‌السلام با این ماده شتر، از تقسیم آب بین مردم و ناقه به صورت زمان بندی شده، به عنوان امتحان الهی برای قوم صالح علیه‌السلام یاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۸۰). سید قطب نیز سخن از امتحان قوم صالح علیه‌السلام می‌راند و ناقه صالح علیه‌السلام را وسیله‌ای برای امتحان ایشان و مشخص شدن حقیقت و ماهیت آنان برمی‌شمرد و به زمان بندی نوشتن آب بین ناقه و مردم، اشاره می‌کند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۴۳۲). حضرت موسی علیه‌السلام نیز برای تشخیص مدعی ایمان از اهل واقعی ایمان، در مقام امتحان قوم خویش برآمده و از ایشان عهد و پیمان می‌گیرد. بنابراین دو مفسر به آزمایش الهی قوم صالح علیه‌السلام برای شناسایی درجه ایمانشان اشاره کرده‌اند و علامه، از معجزه بودن ناقه صالح علیه‌السلام نیز یاد کرده است.

### ۳.۳. تشویق

تشویق از ماده «شوق» و به معنای آرزومند کردن است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۱۹۲). برخی تشویق را به معنای برانگیختن، آرزومند کردن، به شوق آوردن و راغب ساختن معنا کرده اند (معین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰۸۸). تشویق، رهاورد به کار بستن راهکاری تربیتی است که برای ایجاد، اصلاح یا تثبیت یک رفتار صورت می‌گیرد. در امر تعلیم و تربیت، استفاده از دو عامل تشویق به عنوان سوق دهنده و تریب که ثمره‌ی آن تنبه است، به مثابه بازدارنده است و بیشتر مکتب‌های تربیتی بدان اشاره کرده اند (بهشتی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵). تشویق، انگیزه و تمایل به انجام دوباره کار مثبت را در فرد تقویت کرده و او را به سمتی که مربی می‌خواهد سوق می‌دهد. شیوه تشویق در قرآن کریم به فراوانی به چشم می‌خورد و خداوند متعال با عباراتی نوید بخش پیامبران را تأیید می‌کند؛ مانند درودهایی که نثار پیامبران الهی نموده است: ﴿سَلامَ عَلٰی اِبْرٰهٖمَ﴾ (صافات/۱۰۹)

تشویق و ترغیب گاهی با بیان نتایج اخروی ایمان و عمل صالح آمده است، مانند آیات ۳ و ۴ سوره نوح که حضرت با وعده بخشش گناهان، قومش را دعوت به پرستش خدای یگانه و تقوا کرده است:

﴿اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ وَاطِيعُوْنَ. يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوْبِكُمْ وَبُؤْسِكُمْ اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى  
اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُوْكُمْ تَعْلَمُوْنَ﴾ (نوح: ۳ و ۴)؛

و دعوت این است که الله را پرستید و از عذابش پروا نموده مرا اطاعت کنید تا گناहانی از شما را بیامرزد و تا اجلی که برایتان مقدر کرده مهلت دهد، که اگر چنین نکنید قبل از رسیدن به اجل حتمی دچار اجل دیگری شوید. آری اگر بنای فهمیدن داشته باشید می‌دانید که اجل خدایی وقتی برسد تاخیر نمی‌پذیرد».

سید قطب ذیل این آیات، اشاره واضحی به تشویق مخاطب نمی‌کند و تنها از نظام پاداش خداوند می‌گوید و معتقد است که پاداش پاسخ مثبت به دعوت به سوی عبادت خدا و تقوا و ترس از خدا و اطاعت از پیامبر خدا، آموزش و رهایی از گناهان و تأخیر انداختن حساب و کتاب تا اجل معین است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۷۱).

آیه ۶۵ سوره انفال نیز از داستان تشویق مؤمنان به جهاد سخن گفته است:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا  
مِائَتِينَ ﴾ (انفال: ۶۵)؛

هان ای پیغمبر! تحریض کن مؤمنین را بر کارزار اگر از شما بیست نفر  
خویشتر دار یافت شوند بر دویست نفر غلبه می یابند- که پیامبر را به تحریک  
و تشویق مؤمنان به جهاد در راه خدا دستور می دهد-».

علامه ذیل این آیات، مفاد آیه را مبنی بر سیاق آیات و قراین خارجی، تحریک و تشویق مؤمنان  
بر کارزار می داند و در ادامه با بیانی فنی به تحلیل کیفیت این تشویق و بیانی که پیامبر ﷺ با  
این عنوان که بیست نفر صابراز شما بر دویست نفر از کسانی که کافر شده اند، غالب می شوند  
و صد نفر صابراز شما بر هزار نفر از کسانی که کافر شده اند غالب می آیند؛ می پردازد. در اینجا  
نیروی بالقوه مؤمنین بر علیه کفار، حاصل نیروی ایمان ایشان دانسته شده است که هیچ نیروی  
دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی آورد و مؤمنین را شجاع و با شهامت و  
دارای استقامت و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می آورد؛ به گونه ای که چنین کسانی اطمینان  
دارند که به هر تقدیر، چه کشته شوند و چه بکشند، پیروزی با آن هاست؛ زیرا در هر دو تقدیر،  
پاداش بهشت است و در خویش مصداقی برای مرگ به آن معنایی که کفار معتقدند و آن را  
نابودی می پندارند؛ نمی بینند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۲۲).

سید قطب در ذیل این آیه به تحریک و ترغیب مؤمنان برای جنگ با دشمنان خدا اشاره  
کرده است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۵۴۹) و در مجموع هردو مفسر به این موضوع در تفسیر آیه ۶۵  
انفال توجه نموده اند؛ علامه از تحریک و تشویق مؤمنان به جنگ علیه کفار با قدرت دادن به  
انگیزه و توان ایشان در کارزار سخن گفته است و با بیان فنی به تحلیل چرایی پیروزی قلیل  
مؤمنان بر کثیر کافران، بواسطه نیروی ایمان ایشان پرداخته است و سید قطب به معنای لفظی  
آیه اکتفا کرده است.

### ۴.۳. تنبیه

تنبیه از ماده «نبه»، به معنای هشدار دادن و از تنبلی در آوردن است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج  
۱۳، ص ۵۴۶). تنبیه به معنای بیدار کردن، آگاه کردن، هوشیار ساختن، ادب کردن و مجازات

کردن نیز آمده است (معین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۱۴۸). تنبیه در اصطلاح به این معناست که مربیان برای کاستن از احتمال انجام رفتاری خاص از سوی شاگرد، به کارهایی دست می‌زنند تا زمینه‌های انجام آن رفتار را در وی از بین ببرند (ل گنج، ۱۳۷۴، ص ۹۶۱). تنبیه به عنوان یک روش بازدارنده تربیتی، برای دورکردن فرد از آسیب‌ها و عواقب منفی کار است. هنگامی که مربی تمامی روش‌های تربیتی را برای تربیت شونده به کار بست، اما توفیقی در تعدیل رفتار او نیافت و او را در ادامه راه نادرست مصمم یافت، اصل تنبیه ضرورت می‌یابد؛ چرا که اگر در این کار اهمال شود، درخت تباهی در وجود فرد تناور می‌شود و قطع ریشه‌های آن بسیار دشوار و ناممکن خواهد بود (محمد قاسمی، ب ۱۳۸۹، ص ۳۷۶).

پیامبران از شیوه تنبیه استفاده می‌کردند؛ در داستان حضرت صالح علیه السلام، وقتی آن حضرت مشاهده می‌کند که آه گرمش در آهن سرد مخاطبانش نفوذ نمی‌کند، از آن‌ها روی برمی‌گرداند: «فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِنْ لَدُنِّ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تَحْبُونَ النَّاصِحِينَ (اعراف: ۷۹)؛ من حق رسالت پروردگارم را ادا کردم و هر چه گفتمی بود به شما گفتم و از نصیحت و خیرخواهی کوتاهی نکردم، لکن شما نصیحت‌کنندگان را دوست ندارید». در داستان حضرت شعیب علیه السلام نیز آمده است: «فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِنْ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ (اعراف: ۹۳) آن‌گاه از آنان رو برتافته و گفت: ای قوم! من پیغام‌های پروردگار خویش را به شما رساندم و نصیحتتان کردم، چگونه برای گروهی که کفر می‌ورزند، اندوهگین شوم؟». علامه در ذیل این آیه می‌گوید: از ظاهر سیاق آیه استفاده می‌شود که اعراض شعیب از کفار بعد از نزول عذاب و هلاکت آنان بوده و منظور از خطاب در آن عبرت گرفتن دیگران از سرنوشت آنان بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۴۴). سید قطب در ذیل این آیات اشاره واضحی به این روش تربیتی ندارند.

در داستان حضرت یعقوب علیه السلام نیز آن پیامبر خدا پس از کار زشتی که پسرانش با یوسف علیه السلام کردند، از آن‌ها روی برگرداند و بدون اظهار خشم، اینگونه آنان را تنبیه کرد: «وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (یوسف: ۸۴)؛ و از آنان روی برگردانید و گفت: ای دریغ از یوسف و دیدگانش از غم سپید شد، اما او خشم خود را فرو می‌برد». علامه درباره این آیه چنین می‌گوید: «بعد از آنکه در اندوه بر یوسف دیدگان خود را از دست داد، ناگزیر از ایشان

روی برگردانید و خشم خود را فرو برد و متعرض فرزندان نشد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۱۸). سید قطب ذیل این آیه نیز به ترجمه آیه اکتفا می‌کند و تنها به شیوه‌ای داستان سرایانه، از شدت اندوه یعقوب علیه السلام سخن می‌گوید. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۰۲۵)

با توجه به نمونه‌های یادشده، در تفسیر المیزان، علامه در چند مورد به این شیوه تربیتی انبیا اشاره کرده است و از روی گردانی شعیب علیه السلام از قوم خود و یعقوب علیه السلام از پسران خود سخن گفته است، در صورتی که سید قطب بیشتر به روال داستانی قصه توجه دارد و به ترجمه لفظی آیات بسنده کرده است.

### ۵.۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، گذشته از اینکه یک فریضه واجب و شرعی است، به عنوان یک روش تربیتی عام، چه در خانواده و چه در اجتماع مطرح است و می‌توان گفت که اصلاً و جوب آن در دین اسلام جز به منظور تحقق اهداف تربیتی دین؛ یعنی هدایت شدن و حرکت کردن در مسیر انبیا و تخلق به اخلاق الهی نیست؛ زیرا بر اساس متون دینی، سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدبختی افراد در گرو انجام و یا ترک این فریضه الهی است. پیامبران الهی از این شیوه بارها استفاده کرده‌اند؛ حضرت ابراهیم بارها عمود قوم بت پرست حویش را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «ما هذه التماثيل التي انتم لها عاكفون (انبیاء: ۵۲)؛ این مجسمه‌های بی‌روحي که شما همواره پرستش می‌کنید چیست؟». ایشان بعد از دعوت به اطاعت از خدا در آیه ۴۴ سوره مریم، پدرش را از عبادت شیطان منع می‌کند: «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (مریم: ۴۴)؛ ای پدر! بندگی شیطان مکن که شیطان عاصی درگاه خدای رحمان است». ابراهیم علیه السلام بعد از آنکه پدر را به پیروی خود دعوت کرد تا به سوی صراط رهبریش کند، خواست تا او را در قبول این دعوت تحریک و تشویق کند و نسبت به گمراهی که در آن است، متنبه سازد؛ یکباره از پرستش بتها باز دارد. از این رو این معنا را خاطر نشان کرد که بت پرستی نه تنها لغواست، بلکه در معرض این است که صاحبش را به هلاکت افکند و در تحت ولایت شیطان داخل سازد. پرواضح است که بعد از قرار گرفتن در تحت ولایت شیطان، دیگر امیدی به صلاح و رستگاری، سلامت و سعادت نمی‌ماند (طباطبایی، ۱۳۹۰).

سید قطب ذیل این آیه به نهی پدر از پرستش بت‌ها توسط ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و پرستش بت‌ها را نقیمت و وارد شدن در زمره دوستان شیطان برمی‌شمارد و او را از این کار نهی می‌کند؛ نقیمتی که او را به سوی سخت‌ترین عذاب و زیان‌بارترین معامله در روز حساب و کتاب قیامت سوق می‌دهد (قطب، ۱۴۲۵). در سوره شعرا آیه ۱۶۸ نیز، حضرت لوط علیه السلام از کار بد قوم خود بی‌زاری می‌جوید و می‌فرماید: ﴿أَنى لَعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالين﴾ (شعراء: ۱۶۸).

در ذیل تفسیر این آیات، صاحب‌المیزان و فی‌ظلال القرآن، به بکارگیری روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر توسط حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره داشتند. علامه به تحلیل سخنان ابراهیم علیه السلام می‌پردازد و علاوه بر بیان امر به معروف و نهی از منکر ابراهیم علیه السلام، از خطر قرار گرفتن تحت ولایت شیطان و بیرون شدن از ولایت خدا با شرک به خداوند، سخن می‌گوید و سید قطب نیز علاوه بر بیان نهی از منکر، به نقیمت و بلا بودن معامله با شیطان اشاره می‌کند.

### ۶.۳. هجرت

از عوامل تأثیرگذار در شخصیت انسان، محیط پیرامون او و جایی است که در آن پرورش می‌یابد. در صورتی که محیط آنقدر آلوده باشد که نتواند سلامت روحی و جسمی فرد را تضمین کند، هجرت از آن مکان بر شخص فرض است و زمینه نجات او را فراهم می‌کند. در قرآن کریم، ۲۶ بار از هجرت سخن به میان آمده است و در بعضی آیات، پاداش بسیاری برای مهاجران ذکر شده است. یکی از مواردی که زمینه را برای هجرت فراهم می‌آورد، دوری از محیط فاسد است. در آن جا که فساد همه جای محیط را فرا گرفته و انسان نه تنها نمی‌تواند آن محیط را عوض کند، بلکه دینش نیز در معرض خطر است، برای حفظ دین، باید از محیط‌های ناپاک دوری گزید و به مکان‌های دیگر که زمینه‌گرایش دینی فراهم‌تر است، هجرت نمود (مهدوی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸).

در قرآن کریم، از هجرت پیامبرانی همچون پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و هجرت‌های متعدد حضرت موسی علیه السلام سخن گفته شده است. علامه در ذیل آیه ۵۶ سوره مریم: «وَ اذْكُرْ فِى الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (مریم: ۵۶)؛ در این کتاب ادریس را یاد کن که پیغمبری راستی پیشه بود» و داستان زندگانی حضرت ادریس علیه السلام، از هجرت ایشان برای ایجاد زمینه‌های بیشتر



دعوت، سخن گفته است:

« و چون ادریس بزرگ شد، خداوند او را به افتخار نبوت مفتخر ساخت، پس مفسدین از بنی آدم را از مخالفت با شریعت آدم و شیث نهی می کرد، اندکی اطاعتش کردند، اما بیشتر مردم مخالفت نمودند، پس تصمیم گرفت از میان آنان کوچ کند، آنان را که اطاعتش کرده بودند، دستور داد آماده کوچ باشند، ادریس گفت: اگر برای خاطر خدا مهاجرت کنیم، خداوند نهی غیر آن روزیمان خواهد کرد. پس ادریس با ایشان بیرون شده و رفتند تا به این اقلیم که اقلیم بابلینش می نامند، رسیدند. پس رود نیل و دشتی خالی از سکنه را دیدند. ادریس کنار نیل ایستاده مشغول تسبیح خدا شد و به جماعت خود گفت: بابلین. مردم زمان او با هفتاد و دو زبان حرف می زدند و خداوند زبان همگی آنان را به وی تعلیم داده بود تا هر فرقه ای از ایشان را با زبان خودش تعلیم دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۹۵).

در اینجا سید قطب به هجرت ادریس اشاره ای ندارد؛ ولی ذیل آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ سوره دخان، به هجرت موسی علیه السلام پس از ناامیدی از فرعون و همراهانش اشاره می کند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۳۲۱۳-۳۲۱۴):

حضرت موسی علیه السلام در طول زندگی خود هجرت های متعدد داشته است. اولین هجرت ایشان پس از ماجرای کشتن مرد قبطی و هجرت از شهر مصر به سمت مدین بود که به خدمت حضرت شعیب علیه السلام رسید و ده سال در آنجا ماند. سپس دوباره به مصر بازگشت تا بنی اسرائیل را از اسارت فرعونیان نجات دهد. سپس با قوم بنی اسرائیل هجرت کرد و به فرمان خدا به سمت سرزمین شام رفت (عباسی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰).

بنابراین، با وجود اشاره علامه به هجرت ادریس علیه السلام و توضیحات تفصیلی درباره سرزمینی که بدانجا هجرت نمودند، سید قطب اشاره ای به این موضوع نداشته است. در ذیل آیات ۲۲-۲۴ دخان نیز علامه به ترجمه آیه می پردازد و اشاره ضمنی به هجرت موسی علیه السلام می کند و سید قطب نیز ذیل ترجمه آیه و نه مشروح، به هجرت موسی علیه السلام اشاره می نماید.

## نتیجه‌گیری

معجزه عظیم قرآن، به جهت اصالت صدور و کلام محکم و به عنوان تنها منبع کامل و جامع هدایت انسان، همواره بزرگترین مرجع اندیشمندان راستین و حقیقت‌جو در طول تاریخ بوده است. از آنجا که می‌توان با آموزه‌های این کتاب آسمانی، دریچه‌ای به سوی زندگانی انسان زمینی گشود تا راه‌گشای مسایل مختلف او از جمله مسایل تربیتی باشد، در این نوشتار سعی شد به طور مختصر به اصول و روش‌های تربیتی انبیاء در قصص قرآن پرداخته شود. آنچه از رهاورد بررسی تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر ارزشمند «المیزان» و «فی ظلال القرآن»، بدست آمد؛ نشان می‌دهد که علامه طباطبایی و سید قطب، با نگاهی تربیتی به آیات قرآن توجه داشته، و نکات ارزشمندی را در خلال قصص قرآن و داستان زندگی انبیاء یاد کرده‌اند؛ اما آنچه با بررسی بیشتر بدست می‌آید این است که از نظر زبان بیان و فنی بودن نگاه مفسر به آیات، علامه طباطبایی با نگاهی ژرف‌تر، علمی‌تر و کاربردی‌تر به قصص تربیتی انبیاء توجه داشته‌اند. سید قطب با نگاهی داستان‌سرایانه جریان زندگی انبیاء را روایت می‌کند و تفسیر ایشان مانند یک کتاب قصه، سرگذشت انبیاء را بدون نگاهی فنی و علمی فراروی خوانندگان قرار می‌دهد؛ حال اینکه قرآن فقط کتاب قصه نیست. در مقابل، علامه طباطبایی علاوه بر اینکه زبان داستان را رعایت نموده، به بیان نکات فنی آیات و قصص انبیاء پرداخته است. ایشان به فراخور ذهن جستجوگر و سیال خویش، مخاطب را در تنگنای یافتن پاسخ برای چرایی وقایع، قرار نداده و با بیانی فنی و مبتنی بر ذکر نکات علمی و ادبی متن آیات، علاوه بر آنکه از روال قصه خارج نشده، به خوبی از پس زدودن ابهامات ذهن مخاطب برآمده است؛ برخلاف سید قطب، که خواننده را با سیل کلمات به دریای قصص انبیاء برده و گاه خواننده در میانه راه، در میان انبوه کلمات، ره گم می‌کند و مجبور به بازخوانی داستان از ابتدای آن می‌شود. در مجموع اصل کرامت، توحید محوری، عزت‌مداری، تدریج محوری، اخلاق‌ورزی، اصلاح شرایط و روابط انسانی، صداقت و روش‌های تربیتی اسوه‌سازی، تشویق و تنبیه، انذار و تبشیر، تغافل، امر به معروف و نهی از منکر از جمله اصول و روش‌های تربیتی انبیاء است که در تفاسیر گرانسنگ «المیزان فی تفسیر القرآن» و «فی ظلال القرآن»، آمده است.

## فهرست منابع

• قرآن کریم

• نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

### الف. کتب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۲. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۵.
۳. بهشتی، محمد و دیگران. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۴. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسن بن محم. المفردات لالفاظ القرآن الکریم، تحقیق محمد سید گیلانی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
۵. رضوانفر، احمد. فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام؛ قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۷. طبرسی، حسن بن فضل. مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰.
۸. عباسی مقدم، مصطفی. اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۹. غزالی، ابوحامد محمد. محک النظر، تحقیق رفیق العجم، لبنان، دارالفکر اللبنانی، ۱۹۹۴.
۱۰. فقیهی، سید احمد. روش های تربیت اخلاقی در المیزان، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
۱۱. قطب، سید. فی ظلال القرآن، القاهرة، دارالشروق، ۱۴۲۵.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، مرکز بحوث دار الحدیث. قسم احیاء التراث، درایتی، محمد حسین (اهتمام) موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۷.
۱۳. لینی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۱۴. متقی هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین. کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۱۶. محمد قاسمی، حمید. اصول تربیتی در داستان های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، الف ۱۳۸۹.
۱۷. \_\_\_\_\_، روش های تربیتی در داستان های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، (ب ۱۳۸۹).
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی. نقش تقلید در زندگی انسان، قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۱۹. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۸.
۲۰. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر بهزاد، ۱۳۸۹.
۲۱. موسوی کاشمیری، سید مهدی. روش های تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۲. مهدوی، سید سعید. قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۲۳. نیل ل گیج. روانشناسی تربیتی. ترجمه خویی نژاد، مشهد، پاز، ۱۳۷۴.

### ب. مقالات

۱. عابدی، لطفعلی. «اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)»، مصباح. سال ۱۲، ش ۴۹، ۱۳۸۲، صص ۷-۴۰.



# تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی<sup>۱</sup>

شهرزاد عبدالرحیمیان<sup>۲</sup>

شکوفه دارابی<sup>۳</sup>

## چکیده

اخلاق یکی از نیازهای بزرگ جوامع بشری است. آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت اخلاق مدار در دوران کودکی و بعد از آن ایفا می‌کند و باعث رشد شخصیت دانش‌آموزان، نگرش و نیز آگاهی آنان می‌شود. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی از منظر ارائه آموزه‌های اخلاق‌مداری و پیشنهاد برنامه درسی مناسبی است تا بتواند کلیه‌ی نیازهای ضروری تربیت اخلاقی را در خود جای دهد. در این تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. تعداد صفحات کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ با ۸ مؤلفه اصلی و ۲۸ مؤلفه فرعی بررسی شد و فراوانی و درصد نسبی هریک از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها به دست آمد. تحلیل محتوای کتاب از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، نشان داد که مؤلفه‌ی مربوط به تفکر و تعقل با ۵۶ مورد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در هدیه‌های آسمان، کمترین مقدار، مربوط به مؤلفه‌های صداقت و نظم است و انضباط نیز بدون فراوانی است. در محتوای این کتاب، به برخی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کمتر توجه شده و یا اصلاً توجه نشده است. به عبارت دیگر، این کتاب مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را به یک نسبت پوشش نداده است، درحالی‌که تربیت اخلاقی یکی از مهمترین عوامل پیشرفت جامعه است. واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، تربیت اخلاقی، «هدیه‌های آسمان»، پنجم ابتدایی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۰

۲. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان تبریز sh.moonlight75@yahoo.com

۳. دکتری زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان تبریز darabi\_sh@yahoo.com

## مقدمه

اخلاق یکی از نیازهای بزرگ جوامع بشری است. شوربختی و نیک بختی حیات انسان‌ها در جوامع گوناگون بستگی به بود و نبود این عنصر دارد. از این رو از گذشته‌های دور تا کنون، اخلاق مورد توجه و تأکید پیامبران الهی، مصلحان، اندیشمندان و فیلسوفان بوده است. در عصر حاضر، یعنی عصر تغییرات و توسعه‌ی شتابان فناوری‌ها و آسودگی انسان‌ها از بسیاری از محدودیت‌های طبیعی، اخلاق از نیازهای حیاتی جامعه است. حجم عظیم بحث‌ها و مقالات و کتاب‌ها درباره‌ی اخلاق، نشان از توجه و نیاز عمیق انسان امروزی به اخلاق، دارد (حسنی، ۱۳۹۴).

به دلیل نقش محوری اخلاق، در عرصه حیات اجتماعی انسان، اخلاق در کنار دین مهم‌ترین جایگاه را در زندگی بشر به خود اختصاص داده است. سلامت روحی، آرامش و شادابی انسان در زندگی فردی و خانوادگی و حتی سلامت و امنیت اجتماع، بیش از هر چیز، در گرو رعایت هنجارهای اخلاقی است. شاید به دلیل نقش بی‌بدیل اخلاق در سعادت فردی و اجتماعی است که خداوند تهذیب اخلاقی را یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران قرار داده است تا انسان به واسطه طهارت درونی و سلامت نفس، در مسیر کمال حقیقی قرار گیرد. مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی به‌ویژه در دوران معاصر که انسان‌ها بیش از پیش غرق امور مادی هستند و زمینه غفلت از بعد متعالی و گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگر برای آنها فراهم شده است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. از این رو، تربیت اخلاقی و اخلاق‌مند شدن نسل‌های جدید، از نگرانی‌های مهم اندیشمندان و متفکران تربیتی جوامع است (باقری، ۱۳۷۷).

تربیت در جریان زندگی، نقش مهم، اساسی و حیاتی دارد. هر کس به نحوی از آن برخوردار است و کم و بیش از ویژگی‌های آن بهره‌مند است. از این رو بحث تربیت مورد توجه دانشمندان، فیلسوفان، روشنفکران و مصلحان اجتماعی و حتی شعرا و نویسندگان بوده است، اما آنچه که بیشتر نمایان گشته، این است که هر کس از واژه تربیت استنباطی دارد، چرا که هر کس با توجه به تجربیات و نگرش‌های خویش درباره ماهیت، نقش و اهمیت آن به بحث پرداخته است، از این رو برای آنکه از دچار شدن به خطاهای گذشتگان پرهیز کنیم،

باید به مطالعه‌ی تربیت به طور همه جانبه پردازیم تا به شناختی عمیق تر در مورد ماهیت آن برسیم و از آثار نامطلوبی که بر اثر عدم درک صحیح تربیت عارض می‌شود، جلوگیری نماییم (ملکی، ۱۳۹۴).

معنای تربیت در یک عبارت اینست: روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، به طوریکه این روش، ملکه ذهن او شود. کسی را تربیت کردن، یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر ملکه ذهن شد، بدین معنی است که هر وقت کاری انجام دهد، بر اساس روش رفتاری و گفتاری می‌باشد که مربی به وی آموزش داده است (عرفانیان، ۱۳۹۲). تربیت در کل به معنای فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده و ایجاد تغییرات مطلوب در انسان و به عبارت دیگر ایجاد تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن و شکوفایی استعداد‌های آدمی است. از دیدگاهی دیگر، تربیت عبارت است از پروردن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب و انتقال طرز تفکر و احساس و عمل یک جامعه به آیندگان. در اهمیت تربیت همین بس که بگوییم وجود این همه اهداف بلند، فضیلت‌ها و رذیلت‌ها، خیرخواهی‌ها و بدخواهی‌ها، زاییده‌ی تربیت است (شکوهی یکتا، ۱۳۷۳).

اخلاق، ملکه و حالتی مداوم از نفس آدمی است که از آن، فعل یا صفتی، به سهولت و بی‌درنگ صادر می‌شود. علم اخلاق شاخه‌ای از علوم انسانی است که موضوع آن شناخت مصادیق ارزش‌ها و بیانگر راه‌های کسب فضائل و ترک رذائل اخلاقی است (خمینی، ۱۳۹۵). شهید مطهری می‌گوید: اخلاق علم زیستن، یا علم چگونه باید زیستن است. در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتار کردن، مربوط می‌شود به اعمال انسان (که البته شامل گفتار هم می‌شود) که چگونه باید باشد و چگونه بودن، مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد (مطهری، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان گفت اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. با توجه به مطالب گفته شده تربیت اخلاقی عبارت است از فرایند درونی شدن ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل. به بیان دیگر،

اگر بخواهیم به هدف غایی تربیت اخلاقی اشاره کنیم، تربیت اخلاقی تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی بارز همه آموزه‌هایی است که دانش اخلاق بدان فرا می‌خواند (الرود، ۱۳۸۸). همچنین مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه‌ها و روش‌های تربیتی اعم از خودسازی و یا تربیت افراد نیست، زیرا در فرایند اخلاق نیز شیوه‌ی تخلق به اخلاق سخن به میان می‌آید، اما آنچه درباره‌ی ماهیت و تعریف تربیت اخلاقی می‌توان گفت این است که تربیت اخلاقی یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است (بهشتی، ۱۳۸۱).

تربیت اخلاقی از مهمترین ساحت‌های فرایند تربیت است؛ زیرا ارتباط تربیت و اخلاق، بسیار عمیق و گسترده است و درهم تنیدگی این دو، چنان ژرف است که در گذشته مرز مشخصی میان آنها تصور نمی‌شد و فرایند تربیت، با اخلاق همسان پنداشته می‌شد؛ حتی گاه اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی و تربیت کردن فرد، با متخلق کردن او به اخلاق خوب یکی دانسته می‌شد (فیض‌کاشانی، ۱۳۵۶).

## ۱. ضرورت انجام پژوهش

جامعه‌ی امروز بشر دچار بحران هویت معنویت و اخلاق شده است. از این رو، امروز نیاز بشر به تزکیه و پرورش، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است. بی‌شک یکی از اهداف تأسیس آموزشگاه‌های رسمی (مدارس) کشور، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸).

آنچه در امر اخلاق و ارزش‌ها مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به اخلاقیات و ارزش‌ها، توجه به روش‌ها و رویکردهای درست آموزش اخلاقی و ارزشی است. بسیاری از تردیدها و ابهاماتی که نسبت به اخلاق و ارزش‌ها وجود دارد، نه لزوماً به خاطر تردید در ضرورت، بلکه به خاطر تردید نسبت به روش‌های آموزش و تربیت اخلاقی در مدارس و دیگر نهادهای مربوط است. این تردید نیز خود ناشی از فقدان مدل خاص و روشن تربیت اخلاقی و ارزشی است. بنابراین، تبیین و ارزیابی روش‌ها و رویکردهای مؤثر تربیت اخلاقی می‌تواند گام مؤثری در جهت حل معضلات مربوط به تربیت اخلاقی و ارزشی به حساب آید (سجادی، ۱۳۷۹).



نشر فرهنگ اسلامی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی در ضمیرافراد، از جمله مهمترین وظایف نظام تعلیم و تربیت است. برای انجام این امر خطیر، نظام آموزشی کشور بیش از هر چیز نیازمند توجه دقیق و علمی به محتوای کتاب‌های درسی، به خصوص کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان است. کتب درسی و محتوای آنها یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش، به ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز که کشور ما نیز در آن رده جای دارد، قرار گرفته است. باورها و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری از جمله اموری هستند که معلول ساختار و محتوای نظام آموزشی‌اند، از این رو فقدان طرح‌ها و مدل‌های روشن برای رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی از یک سوبه اصل و ضرورت تربیت اخلاقی خدشه وارد می‌کنند و از سوی دیگر امکان تحقق واقعی و سودمندانه آنها را زیر سؤال می‌برد. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش‌آموزان با مفاهیم و موضوعات ارزشی و اخلاقی است. نشر فرهنگ اسلامی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی در ضمیرافراد، از جمله مهمترین وظایف نظام تعلیم و تربیت است (لطفی، ۱۳۹۱).

## ۲. پیشینه پژوهش

افکاری (۱۳۹۳) در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی قرآن، هدیه‌های آسمانی، بخوانیم، بنویسیم و مطالعات اجتماعی پایه‌های اول تا پنجم دوره ابتدایی، این کتاب‌ها را از نظر وضعیت و جایگاه مؤلفه‌های رویکرد تربیت اخلاقی معاصر بررسی و نقد کرده و دریافته است که در این کتاب‌ها به مسئله تربیت اخلاقی به طور جدی و علمی پرداخته نشده است. همچنین بیشتر مطالب به شکل پند و اندرز ارائه شده و برای ارتباط مؤلفه‌های اخلاقی با زندگی روزمره دانش‌آموزان فعالیتی پیش‌بینی نشده است.

بحرانی و شاه‌رخ (۱۳۸۲) نیز محتوای کتب دوره‌ی ابتدایی را از لحاظ مفاهیم دینی و اخلاقی تحلیل کرده و دریافته‌اند که از مجموع ۷۱۴۵ پیام پیرامون آموزش‌های دینی و اخلاقی ثبت شده، ۱۱/۲ درصد آن‌ها مربوط به کتاب بخوانیم و بنویسیم است.

خدایار (۱۳۹۲)، میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را در چهار مقوله‌ی اخلاق سیاسی، اخلاق عمومی، اخلاق اجتماعی و اخلاق اقتصادی، در کتاب‌های مطالعات

اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمان پایه ی ششم دوره ابتدایی بررسی کرده و دریافته است که به مضامین مربوط به مقوله های تربیت اخلاقی در سه کتاب مورد بررسی، ۱۰۱۱ مرتبه توجه شده است که ۵۲۲ مرتبه در کتاب فارسی است و در مجموع بیشترین توجه مربوط به حسن معاشرت است.

در امامی (۱۳۹۰)، برخی مقوله های تربیت اخلاقی در کتاب های بخوانیم، تعلیمات اجتماعی، هدیه های آسمان و قرآن پایه های سوم تا پنجم ابتدایی از نظر فراوانی مقوله های مورد بررسی (صداقت، احترام به خود و دیگران، نیکی به والدین، امانت داری، وفای به عهد و مهربانی) و نیز شیوه ارائه ی آنها را بررسی کرده و دریافته است که با وجود اهمیت نقش نهاد تربیت رسمی و عمومی در فرایند تربیت متربیان و نیز محوریت کتاب های درسی، در این کتب به مسئله ی مهمی چون تربیت اخلاقی به طور جدی و علمی پرداخته نشده است. همچنین، بیشتر مطالب کتب درسی، به شکل مضامین انتزاعی ارائه شده اند و از شیوه های متناسب با رده سنی متربیان دوره ابتدایی، در جهت ارتقای شناخت و نگرش اخلاقی و در نهایت، التزام به آموزه های اخلاقی، کمتر بهره برده شده است.

رستمی (۱۳۹۰)، به نقل از نجفی؛ هرندی و رهنما (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب هدیه های آسمان دوره ابتدایی از منظر مؤلفه های اخلاقی جهان شمول»، به این نتیجه رسیده است که محتوای این کتاب مطابق اهداف اخلاقی که برای آن ترسیم شده، نیست و به ارزش های اسلامی و مفاهیم اخلاقی جهان شمول توجه چندانی نداشته است. یافته های تحقیقات پارسا (۱۳۸۷)، به نقل از نجفی؛ هرندی و رهنما (۱۳۹۳) با عنوان «سنجش میزان مطلوبیت تحقق اهداف آموزش در دوره ی ابتدایی»، نشان می دهد که به عقیده ی دبیران، مربیان و اولیا و کارشناسان، نظام آموزش متوسطه در بین طبقات هشتگانه اهداف، در تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی، موفق تر از سایر حیطه ها عمل کرده و تحقق اهداف اخلاقی، سیاسی و اقتصادی نتوانسته به خوبی سایر اهداف عمل کند.

در مجموع، تحقیقات و پژوهش های گذشته نشان می دهد که در مورد بررسی تربیت اخلاقی در کتب درسی، تحقیقات اندکی انجام شده است. اعتلای نقش و جایگاه اخلاق در مدرسه از وظایف نظام تربیت رسمی است و این امر نیازمند تلاش و مجاهدت است. جنبه

مهم این تلاش و مجاهدت در حوزه علمی رخ می‌نماید. بررسی انتقادی ادبیات تربیتی در حوزه تربیت اخلاقی در کشورمان نشان از توجه نسبی به این عرصه دارد، اما به طور مشخص از مطلوبیت چندانی برخوردار نیست، به ویژه اینکه بحث‌ها کمتر به حوزه عمل مدرسه و سیاست‌های آموزشی کشیده شده است. بنابراین روشن کردن میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی، می‌تواند در جهت رفع ابهامات و تردیدهای موجود در این خصوص برای کودکان و در نتیجه در ایجاد انگیزه بیشتر و توجه به اخلاق و ارزش‌ها مؤثر باشد.

### ۳. اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان توجه به تربیت اخلاقی در کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی است.

هدف فرعی نوشتار حاضر، بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی و زیر مؤلفه‌های هر یک در کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی است.

### ۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. در تمامی دروس کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی، به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی به طور متوازن توجه شده است.
۲. هر درس کتاب هدیه‌های آسمان، در راستای تحقق مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تربیت اخلاقی است.

### ۵. روش پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش، توصیف و بیان وضعیت کتاب درسی هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی است، بررسی و بازبینی دقیق کتاب و نتیجه‌گیری براساس آن، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی، استنتاجی به حساب می‌آید. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل یک جلد کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی

شامل ۱۲۰ صفحه در ۱۷ درس در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ است. مقالات و کتب مرتبط با موضوعات تربیت اخلاقی و راهنمای معلم کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم، به عنوان منابع اطلاعاتی در نظر گرفته شده و پس از استخراج مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از اهداف اخلاقی سند تحول بنیادین اقتباس شده و مورد تأیید اساتید راهنمای دانشگاه فرهنگیان تبریز واقع شده است. واحد تحلیل تعداد صفحات؛ شامل متن، تصاویر، تمرین‌ها و پرسش‌ها، کتاب است که تمام محتوای کتاب رمزگذاری شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. از آنجا که مقوله‌ها از پیش انتخاب شده‌اند، از روش مقوله‌بندی از پیش تعیین شده استفاده شده است. در انتخاب نوع روش شمارش، فراوانی انتخاب شده است.

## ۶. یافته‌های تحقیق

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد نسبی مولفه‌ها و زیرمولفه‌های تربیت اخلاقی در هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم ابتدایی

رتبه	درصد نسبی مؤلفه‌ها	درصد نسبی زیر مؤلفه	فراوانی مؤلفه‌ها	فراوانی زیر مؤلفه	زیر مؤلفه	مؤلفه‌ها
۱	۳۲/۵۷	۶/۲۵	۵۶	۴۴	تفکر کردن	تفکر و تعقل
۵		۹۷/۶		۱۲	تدبر کردن	
۹	۱۱/۶۱	۲/۹	۲۰	۵	احترام به قرآن	احترام
۶		۵/۲۳		۹	احترام به پیامبران	
۹		۲/۹		۵	احترام به ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	
۱۳		۰/۵۸		۱	احترام به پدر و مادر	
۱۴	۰	۰	۰	۰	مرتب کردن	نظم و انضباط
۱۴	۰	۰	۰	۰	گذاشتن هر چیزی در جای خود	

رتبه	درصد نسبی مؤلفه‌ها	درصد نسبی زیر مؤلفه	فراوانی مؤلفه‌ها	فراوانی زیر مؤلفه	زیر مؤلفه	مؤلفه‌ها
۱۴	۰	۰	۰	۰	راستگویی	صداقت
۱۱	۱۷/۴۵	۱/۷۵	۳۰	۳	توحید	دین داری
۱۲		۱/۱۶		۲	معاد	
۱۳		۰/۵۸		۱	نبوت	
۱۰		۲/۳۳		۴	امامت	
۳		۹/۳		۱۶	نماز و روزه	
۱۱		۱/۷۵		۳	امر به معروف و نهی از منکر	
۱۳		۰/۵۸		۱	تولی و تبری	
۸	۱۵/۷	۳/۵	۲۷	۶	کمک به دیگران	همدلی
۲		۱۲/۲		۲۱	مشارکت در کارها	
۱۱	۱/۷۵	۱/۷۵	۳	۳	برابری و مساوات	عدالت
۱۲	۲۰/۹۲	۱/۱۶	۳۶	۲	وفای به عهد	عادات خوب
۷		۴/۰۷		۷	امانت داری	
۴		۷/۵۵		۱۳	مهربانی و بخشش	
۱۱		۱/۷۵		۳	پاکیزگی	
۱۳		۰/۵۸		۱	ایثار و از خود گذشتگی	
۱۳		۰/۵۸		۱	سپاسگزاری از خداوند	
۱۳		۰/۵۸		۱	تلاش و پشتکار	
۹		۲/۹		۵	علم دوستی	
۱۱		۱/۷۵		۳	پرهیز از اسراف	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۷۲	۱۷۲		جمع

جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که مؤلفه‌ی تفکر و تعقل با ۵۶ مورد و درصد نسبی ۳۲/۵۷، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و کمترین مقدار مربوط به مؤلفه‌های نظم و انضباط و صداقت با ۳ مورد و درصد فراوانی ۰ است. از مجموع ۱۷۱ فراوانی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی، ۳ مورد به عدالت، ۰ مورد به نظم و انضباط، ۰ مورد به صداقت، ۲۹ مورد به دین‌داری، ۲۷ مورد به همدلی، ۲۰ مورد به احترام، ۵۶ مورد به تفکر و تعقل و ۳۶ مورد به عادات خوب اشاره کرده است.

## ۷. نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی، ۱۷۲ مورد فراوانی در ۸ مؤلفه و ۲۸ زیرمؤلفه به دست آمد. یافته‌های حاصل از فراوانی مؤلفه‌ها نشان داده است که مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی، از توزیع نرمال برخوردار نیست، درحالی‌که به برخی مؤلفه‌ها به نسبت سایر مؤلفه‌ها توجه بیشتری شده است و در مقابل برخی از مؤلفه‌ها مورد توجه کمتری قرار گرفته‌اند. به طوری که از بررسی کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی مؤلفه‌ی مربوط به تفکر و تعقل با ۵۶ مورد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و کمترین مقدار مربوط به مؤلفه‌های صداقت و نظم و انضباط بدون فراوانی است. در مجموع یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد که میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی متفاوت است، به طوری‌که به برخی از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی کمتر پرداخته شده و یا توجهی نشده است. صداقت و نظم و انضباط واژه‌هایی عام هستند که در همه مکتب‌ها و فرهنگ‌ها وجود دارند؛ اما در اسلام از یک برتری خاصی برخوردارند. براساس نتایج تحقیق، در کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی، به مؤلفه‌های صداقت و نظم و انضباط اصلاً توجه نشده است. از ضعف استفاده متوازن و متعادل از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب درسی بررسی شده در این پژوهش، هیچیک از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی به صورت کامل و دقیق در تدوین کتب درسی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. این پراکندگی و محدود نگری موجب می‌شود تا دانش‌آموزان نتوانند به نحو شایسته‌ای با اخلاق و مؤلفه‌های مربوط به آنها آشنا شوند. این در حالی است که با

توجه به سند نحول بنیادین که به صراحت تربیت اخلاقی، ضرورت و اهمیت آن و راه های مراقبت آن به عنوان یکی از ابعاد مهم و زیربنایی توسعه در ابعاد مختلف بیان شده است، انتظار می رفت که حداقل به مؤلفه های تربیت و اخلاق در حد مقبول پرداخته شود و افراد هر چه بیشتر در این کتاب با مسائل اخلاقی و تربیتی، مسائل و راه های وصول به آن آشنا شوند. بنابراین چون همه ی افراد جامعه چندین سال از مهمترین و حساس ترین مراحل رشد خود را به منظور آموزش و پرورش در مدارس می گذرانند، پس باید برای برخورداری از کیفیت آموزشی مطلوب در زمینه ی رفتار اخلاقی در مدارس برای ارتقای آن، مطالب و شیوه های آموزشی را در کتب درسی تغییر دهیم تا بتوانیم از حداکثر توانایی های ذهنی و عملی معلمان و دانش آموزان بهره مند شویم.

## ۸. پیشنهادات

- یک. نتایج حاکی از آن است که به برخی مؤلفه های تربیت اخلاقی یا کم توجه شده است یا توجه نشده است، از این رو توصیه می شود با توجه به مؤلفه های مغفول و لحاظ کردن آنها در کتب درسی، به پرورش انسان های اخلاق مدار کمک شود.
- دو. از آنجا که همخوانی کتاب هدیه های آسمان پایه ی پنجم ابتدایی با مؤلفه های تربیت اخلاقی کم است، پیشنهاد می شود در تهیه و تدوین کتاب هدیه های آسمان پنجم ابتدایی، به این مسئله ی مهم توجه شود.
- سه. برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت یا کارگاه های آموزشی برای آشنا کردن معلمان با این مسأله.
- چهار. بازبینی الگوی تربیت اخلاقی برنامه درسی هدیه های آسمان پایه ی پنجم با دقت علمی تا الگوی کامل تر و کارآمدتری در این زمینه تدوین و عرضه شود.

## فهرست منابع

### الف. کتب

۱. افکاری، فرشته. «نقد و بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی بخوانیم، بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمان، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه درسی»، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳.
۲. باقری، خسرو. *مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳. بحرانی، محمود و شاهرخ، سید ماشاله. *تحلیل محتوای کتب دوره ابتدایی از لحاظ مفاهیم دینی و اخلاقی*، لرستان: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۲.
۴. جمعی از نویسندگان. *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
۵. خدایار، نصراله. «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه‌های آسمانی پایه ششم دوره ابتدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ۱۳۹۲.
۶. درامامی، نرگس. «تحلیل محتوای کتاب‌های بخوانیم، تعلیمات اجتماعی (مدنی)، هدیه‌های آسمانی و قرآن پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی سال ۱۳۸۸ به منظور بررسی برخی مقوله‌های تربیت اخلاقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ۱۳۹۰.
۷. رستمی، هاجر. «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی از منظر مؤلفه‌های اخلاقی جهان شمول»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۹۰.
۸. شکوهی یکتا، محسن. *تعلیم و تربیت اسلامی؛ مبانی و روش‌ها*، تهران: وزارت آموزش و پرورش (دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی)، ۱۳۷۳.
۹. فیض‌کاشانی، ملامحسن. *الحقائق فی محاسن الاخلاق*، ترجمه حمید رضا صادقی، قم: آیت اشراق، ۱۳۵۶.
۱۰. لطفی، زهرا. «نقد و بررسی رویکرد تربیت اخلاقی با توجه به تحلیل محتوای کتب فارسی دوره راهنمایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۱.
۱۱. مطهری، مرتضی. *کلیات علوم انسانی*، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۱۲. ملکی، حسن. *شاخص‌های تربیت*، تهران: آبیژ، ۱۳۹۰.

### ب. مقالات

۱. ال‌رود، فردریک «فلسفه‌های معاصر تربیت اخلاقی»، ترجمه حسین کارآمد، معرفت، سال هفتم، شماره ۶۱-۱۳۸۸.
۲. بهشتی، محمد. «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، معارف، شماره ۱۰، ۱۳۸۱.
۳. حسنی، محمد. «تجارب تربیت اخلاقی کارگزاران نظام تربیت رسمی و عمومی در دوره ابتدایی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزش، ۱۳۹۴، شماره ۵۶، صص ۷-۳۷.
۴. سجادی، مهدی. «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال اول، ۱۳۷۹، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۶۵.
۵. نجفی، حسن؛ جعفری هرنودی، رضا؛ رهنما، اکبر. «تحلیل محتوای بعد اخلاقی اهداف مصوب در کتاب‌های درسی ایران»، معرفت اخلاقی، ۱۳۹۳، سال پنجم، شماره ۱۵.



# آسیب‌های فضای مجازی برای خانواده وراهکارهای مقابله با آن<sup>۱</sup>

امید اسدی<sup>۲</sup>

محمد حسین نژاد<sup>۳</sup>

## چکیده

در عصر کنونی، با گسترده شدن مطالعات ارتباطی و افزایش دانش بشری، می‌توان از روش‌هایی برای القای مفاهیم به مخاطبان بهره برد. در این بین، برخی ابزارها نیز به منظور مخدوش کردن دین و فرهنگ، گسترش یافته و ویژگی‌های بی‌نظیر شبکه‌های اجتماعی به آن ابعاد تازه‌ای داده است. بررسی روش‌های مورد استفاده دشمنان در تبلیغات ضد دین و فرهنگ، نشان می‌دهد که بیشترین شیوه‌ها پیرامون ایجاد غفلت با استفاده از فنون رسانه‌ای است. به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی و نبودن این پدیده، بسیاری از والدین فرصت، امکان و یا توان کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را ندارند و عدم آشنایی مناسب آن‌ها با این فضا، بسیاری از کارکردهای خانواده را در این زمینه دچار اختلال کرده است. در کنار آسیب‌های فضای مجازی، راهکارهایی برای استفاده صحیح و کاهش آسیب‌های آن وجود دارد. پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های کارشناسان این عرصه در مورد راهکارهای مختلف کاهش آسیب‌های فضای مجازی اختصاص یافته است. واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، فضای مجازی، روابط اجتماعی، خانواده.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱

۲. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، پردیس شهید مفتاح شهرری [omidasadi1378.aa@gmail.com](mailto:omidasadi1378.aa@gmail.com)

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران [Mhoseinnejad@yahoo.com](mailto:Mhoseinnejad@yahoo.com)

## مقدمه

فرهنگ فراغت جوانان و نوجوانان در ایران به سرعت تحت تأثیر فرهنگ رسانه‌های دیجیتال قرار گرفته است. تلفن همراه و شبکه‌های اینترنت به عنوان شکل جدیدی از رسانه ارتباطی، مرزهای جدیدی را در شکل دهی به ارزش‌ها و هویت نوجوانان و جوانان ایجاد کرده و علاوه بر تسهیل و تسریع برقراری ارتباط، الگوهای ارتباطی فرزندان را نیز دستخوش تغییر ساخته است (دلاور و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۲۸-۲۹). با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، جامعه‌ی ما نیز در سال‌های اخیر به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه فراوانی داشته است، ولی در این باره، آسیب‌های جدی وجود دارد که باید به ریشه‌یابی آن پرداخت. کشور ما از نظر بهره‌مندی از اینترنت، در بین ۱۸۷ کشور جهان، رتبه ۸۷ را دارد که بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات، جزو کشورهای متوسط به شمار می‌رود. ۳۵ درصد استفاده‌کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهند و میانگین صرف شده برای اینترنت، ۵۲ دقیقه در هفته است. ظهور پدیده‌ای به نام اینترنت، گردش اطلاعات را در سطح جهان افزایش داده است. صورت‌های نوین ارتباط در شبکه‌های بزرگ رایانه‌ای، زمینه‌ساز فضاهای اجتماعی جدید شده است، فضاهای بدون مرزی که روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بدین سان، فناوری‌های نوین اطلاعاتی، اقصی نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی به یکدیگر پیوند داده و مجموعه گسترده‌ای از اجتماعات مجازی را به وجود آورده است (دوران، ۱۳۸۱، ص ۳۱). از این رو، فضای مجازی توانسته است مانند فضای فیزیکی، شاهد شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی باشد. آنچه شبکه‌های اجتماعی مجازی را از شبکه‌های اجتماعی فیزیکی متمایز می‌کند، بنیان‌های نظری متفاوت آن‌ها نیست؛ بلکه تفاوت در بسترساز و کارهای ارتباطی و شیوه تعامل است. شبکه‌های اجتماعی مجازی توانسته‌اند، روابط رسمی را کنار گذاشته و تعامل بین افراد را آسان‌تر کنند. ممکن است شبکه‌های اجتماعی مجازی در نگاه اول به صورت جزیره‌هایی جدا از هم به نظر برسند؛ اما در واقع، این شبکه‌ها از طریق پل‌های متعدد با یکدیگر مرتبطند و به صورتی انعطاف‌پذیر، قابلیت بازسازی و ترمیم ارتباطات خود را دارند. شبکه‌های اجتماعی به علت خصوصیات اشتراک‌گذاری و تعامل، بستر بسیار مناسبی برای تبلیغات بوده و به همین دلیل در تبلیغات

ضد خانواده به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرند (زنجانی‌زاده و محمدجوادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷-۱۳۶).

امروز خانواده‌ی ایرانی با فضای مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای، رسانه‌های مدرن، سیل عظیم سی‌دی‌های سریال‌های خارجی و... مواجه است که هرکدام به نوبه خود، بخشی از فرایند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند. بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای، به طور تخصصی، تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده‌اند و پیام مشترک برنامه‌های این شبکه‌ها کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع بی‌حیایی و بی‌عفتی و عادی‌سازی خیانت همسران به یکدیگر، ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته در مقابل ساختار خانواده‌ی مستحکم، کاهش ارتباط والدین با فرزندان، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی و از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین است. در بحث ازدواج نیز به مسایلی چون ناپایداری ازدواج‌ها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارت برای ازدواج و ناتوانی والدین در آموزش به فرزندان، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تنوع طلبی و... می‌توان اشاره کرد. از طرفی تغییراتی که در حوزه دینی در جامعه رخ داده، کاهش آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت و کم‌رنگ شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی است که خاستگاه این نوع سبک زندگی، تمدن غربی است و ترویج این شیوه از زندگی، مؤلفه‌های زندگی غربی را گسترش می‌دهد (ثنایی‌ذاکر، ۱۳۷۹، ۸۰-۹۵؛ منطقی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۱). از جمله آسیب‌های اخلاقی فضای مجازی در تربیت دینی فرزندان، مواردی همچون تعارض ارزش‌ها، بازداری زدایی، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، شکاف نسل‌ها، انحراف‌های اخلاقی و جنسی، افسردگی و انزوای فردی و اجتماعی، به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده، کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزندان و از بین رفتن حریم روابط اخلاقی بین فرزندان و والدین است (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸).

از جنبه نظری، باتوجه به ماهیت فرهنگی، آموزشی، سرگرمی و اجتماعی فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، اینترنت آثار زیادی بر زندگی فردی دارد. از جنبه‌ی کاربردی، میزان دسترسی اعضای خانواده به اینترنت و نوع استفاده‌ای که از اینترنت دارند، در تربیت دینی آن‌ها دارای اهمیت است. با وجود اینکه کاربران اینترنت تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی موجود در محیط مجازی‌اند، معلمان آن‌ها نیز می‌توانند بر تغییر یا اصلاح این باورها تأثیرگذار باشند.

فضای مجازی می‌تواند امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد، زیرا اینترنت با وجود اینکه می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاع‌رسانی به کار گرفته شود، ولی تهدیدها و خطرهایی نیز برای جامعه و بشر داشته است، به طوری که امروز بخش عمده‌ای از جرایم مربوط به حوزه کامپیوتر، اینترنت و فضای مجازی است که امنیت اجتماعی را هدف قرار داده است. راهکارهای اخلاقی درباره‌ی آثار فضای مجازی در تربیت دینی و اسلامی فرزندان، به ارائه‌ی آثار و پیامدهای منفی این فضا می‌پردازد و رهنمودهایی در جهت مقابله و کاهش این تهدیدات به خانواده‌ها عرضه می‌کند. در دنیای معاصر، دین و رسانه‌های مجازی جدایی‌ناپذیرند، به بیان دیگر، نه رسانه‌ها قادر به انعکاس ندادن مفاهیم و مطالب دینی هستند و نه دین می‌تواند در مقابل طرح و اصول خود از طریق رسانه‌های مجازی مقاومت کند. دین، شیوه‌ی زندگی است. هدف تربیت دینی آن است که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آن‌ها بتوانند آگاهانه درباره‌ی آن بیاندیشند. تربیت دینی، زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۴-۵). یکی از راه‌های مهم تربیت دینی و اسلامی فرزندان، انعکاس مطالب دینی در مطبوعات و رسانه‌هاست. آنچه در خانواده در راستای تربیت دینی از اهمیت بسیاری برخوردار است، توجه به ارزش‌ها، به ویژه ارزش‌های دینی، خانوادگی، اجتماعی و همچنین آداب و اخلاق زندگی است (رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

## ۱. روش‌های تبلیغ ضد خانواده در شبکه‌های اجتماعی

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، تبلیغات به سلاح اصلی در جنگ‌های ایدئولوژیک بین شرق و غرب تبدیل شد و با پایان یافتن جنگ سرد، تبلیغات همچنان در عرصه نبرد ایدئولوژیک جایگاه خود را از دست نداد، اما این بار نه در مقابله با ایدئولوژی شرق، بلکه در برابر ایدئولوژی اسلام؛ چراکه غرب معتقد است نظام اسلامی می‌تواند خطر بزرگی برای تمدن غرب باشد. تحلیل تبلیغات ضد خانواده، عمل پیچیده‌ای است که به تحقیقات تاریخی، بررسی دقیق پیام‌ها و حساسیت نسبت به بازخوردهای مخاطبان نیاز دارد و درک درست از این تبلیغات، مستلزم تجزیه و تحلیل آثار دراز مدت آن است. از آنجا

که تبلیغات، تلاشی عمدی و نظام‌مند برای شکل دادن ادراکات، دست‌کاری شناخت‌ها و جهت دادن به رفتارها برای رسیدن به پاسخ مورد نظر مبلّغ است؛ شناخت ماهیت تبلیغات، نیازمند مطالعه‌ای طولانی مدت برای ارزیابی پیشرفت آن است (رضایی قادی، ۱۳۸۴). روش‌های تبلیغات بسیار گسترده بوده و روز به روز از تنوع بیشتری برخوردار می‌شوند و این ادعا که بتوان همه آن‌ها را در قالب یک فهرست ارائه کرد، ناصحیح است. با این حال، در بررسی روش‌های متداولی که در تبلیغات ضدّ خانواده در شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به موارد ذیل برخورد می‌کنیم:

الف. ایجاد شبهه افکنی با قصد ضربه زدن؛

ب. مبارزه با اعتقادات؛

ج. ترویج افکار الحادی در بین عموم مردم؛

د. تمسخر باورهای اسلامی، به خصوص باورهای شیعه؛

ه. فرار مردم از عقاید اسلامی؛

و. ترویج فساد جنسی؛

ز. مسخره کردن عقاید دینی؛

ح. ترویج تنوع‌طلبی و مصرف‌گرایی (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲).

افزون بر آنچه یاد شد، به صورت پایه‌ای، روش‌های دیگری را نیز می‌توان نام برد که مبلّغان ضدّ خانواده از آن برای هرچه بیشتر کردن شیوه‌های تبلیغاتشان استفاده می‌کنند. این روش‌ها عبارت است از:

۱. تمایل مخاطبان: تبلیغات، زمانی تأثیرگذار است که هم‌راستا با عقاید، باورها و تمایلات مخاطب باشد. به همین دلیل، در تبلیغات ضدّ خانواده به این مسئله اهمیت زیادی داده می‌شود؛ چراکه پیام‌هایی که ظاهر حمایتی دارند، خیلی مؤثرتر از پیام‌هایی هستند که حالت انتقادی دارند.

۲. معتبر بودن منبع: هنگامی که یک منبع در انتقال یک پیام مورد قبول قرار بگیرد، به تبع آن، خود آن پیام نیز مورد قبول قرار خواهد گرفت؛ زیرا افراد گرایش دارند، اطلاعات و آگاهی‌هایشان را از منابعی به دست بیاورند که به آن اعتماد دارند.

۳. رهبران افکار: رهبران فکری، افرادی هستند که در جوامع شناخته شده، الگو و معتبر هستند. یکی از شیوه‌های مؤثر در تبلیغات ضد خانواده، نشان دادن مخالفت چهره‌های شناخته شده و معتبر بین مردم نسبت به برخی از ارزش‌ها یا هنجارهای خانواده است؛ به عنوان مثال، برخورد نامناسب برخی از چهره‌های شناخته شده سینمایی نسبت به مسأله عفاف و حجاب در اثربخشی به حمله‌های مبلغان ضد اسلام اثر بسیاری داشته است، چنانکه در جریان اتفاقاتی که در خصوص عریان شدن برخی بازیگران زن در خارج از کشور اتفاق افتاد، دستگاه تبلیغات ضد اسلامی با تمام امکانات از این مسئله برای ترویج اباحه‌گری و ضربه زدن به ارزش‌های حجاب و عفاف بهره برد.

۴. تماس مستقیم (چهره به چهره): در تبلیغات ضد خانواده در شبکه‌های اجتماعی، تنها به تولید و انتشار و باز نشر محتوای ضد خانواده اکتفاء نشده و برای تأثیر بیشتر این تبلیغات، اقدام به برقراری ارتباط با مخاطبان خود از طریق گفت و گوی تحت وب کرده و حتی با ایشان در ظاهر ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند.

۵. ایجاد هنجارهای گروهی: از دیگر روش‌های مؤثر تبلیغات ضد خانواده، تشکیل گروه‌های دوستی و برقرار ساختن یک سری هنجارهای ضد خانواده در این گروه‌هاست؛ به عنوان مثال در برخی از گروه‌های دوستی، انتشار تصاویر مستهجن، به کاربردن الفاظ رکیک نسبت به دیگران و حتی اعضای گروه مجاز شمرده شده و دفاع از مقدسات، یک تابو است. با شکل‌گیری چنین فضایی، مبلغان با سوء استفاده از هنجارهای این گروه‌ها به مقدسات حمله کرده و بدترین نوع تأثیرات را بر اعضای گروه می‌گذارند.

۶. تشویق: دستگاه تبلیغات ضد خانواده، نه تنها خود به تولید، انتشار و باز نشر محتوای ضد خانواده مبادرت می‌ورزد، بلکه دیگر کاربران شبکه‌های اجتماعی را نیز نسبت به این موارد، تحریک و تشویق می‌کنند. چنین رفتاری، ضمن اینکه مبلغان ضد خانواده را در پیگیری اهدافشان کمک می‌کنند، برای مخفی ماندن برنامه‌ها و شناخته نشدن رهبری این حرکات، پوشش به وجود می‌آورد. مبلغان، حتی از تهدید نیز برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. ۷. تکرار: از نظر منطقی، تکرار یک ادعا هرگز نمی‌تواند جانشین دلیل و برهان برای آن شود، اما باید پذیرفت که تکرار، از نظر روانی موجب این احساس در مخاطب می‌شود که گویا دلیل

این ادعا در جای دیگری عرضه شده و مقبول هم واقع شده است. تکرار، مخاطب را خسته کرده و باعث تسلیم شدن او می‌شود (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۲).

۸. کاربرد زبان: کاربرد زبان در تبلیغات ضد خانواده، بسیار گسترده است و از به کاربردن واژه‌های منفی در مورد خانواده شروع شده و تا انتشار رمان‌هایی که قصد تخریب و تمسخر آن را دارند، ادامه پیدا می‌کند. تولید پیام با زبانی که برای مخاطب ملموس تر و نزدیک تر به فهم وی باشد نیز در تبلیغات ضد خانواده، بسیار پرکاربرد است.

۹. هنر و موسیقی: موسیقی و هنر، قالب‌هایی هستند که پیام‌ها را ماندگار می‌کنند. شاید کمتر کسی فراموش کرده باشد که در همین سال‌های اخیر، انتشار یک ترانه که در آن به یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام توهین شد، چه بلوایی را در شبکه‌های اجتماعی برپا کرد و موجب حمله بیشتر مبلغان ضد دین در توهین آشکار به حضرات معصومین علیهم‌السلام شد.

۱۰. طنز: از قدیم مرسوم بوده که وقتی بناست چیز ناخوشایندی را به خورد کسی بدهند، آن را شیرین می‌کنند. طنز، این ظرفیت را در تبلیغات به وجود آورده که هر پیامی، هرچند به شدت ضد خانواده باشد، شنیده شده و مورد پذیرش قرار گرفته و با سرعت بسیار بالا منتشر شود. مبلغان ضد خانواده در قالب طنز هر مطلبی را که تولید کند، دیگر نگرانی بابت توضیح خواستن یا انتقاد مخاطب ندارد؛ چراکه زبان طنز معمولاً برای همه قابل پذیرش و شیرین است.

۱۱. ایجاد شبکه‌های دوست‌یابی: شبکه‌های دوست‌یابی در کشور ما به سرعت در میان جوانان ایرانی محبوب شده است و ایرانی‌ها رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند که می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی و روانی باشد. فضای مجازی و تأثیر آن بر جامعه و خانواده‌ها را در ۷ بخش زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الف. تأثیر فضای مجازی در نارضایتی‌های خانواده‌ها: یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا است، ضعف بنیاد خانواده است. خانواده‌ها در فرهنگ‌های مختلف، کانون شکل‌گیری هویت فردی است، به عبارت دیگر، هیچ فردی جدا از خانواده‌اش قابل تعریف نیست و خانواده رکن اصلی سازنده‌ی فرد و شخصیت اوست. یکی از زمینه‌های اصلی بروز مشکلات خانوادگی و نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه‌ای بوجود آمده و باعث شده سطح توقع و رضایت از زندگی‌های مشترک

به خصوص در میان نسل جوان بالا رود. تحت تأثیر این فضا آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد، به نوعی تحریف می‌شود. لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها مانند فیلم‌ها و سریال‌ها در ذهن‌های جوانان نقش می‌بندد تا حد زیادی در زندگی طبیعی قابل دست‌یابی نخواهند بود و این امر می‌تواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۷).

ب. تعارض ارزش‌ها: تغییرات فناوری، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالش‌های فراروی فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است. در واقع ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده، با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی ایرانی) مغایرت دارد؛ بنابراین اینترنت می‌تواند آسیب‌های اخلاقی فراوانی برای خانواده به همراه داشته باشد، برای نمونه، ورود اینترنت در حوزه خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود (رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

ج. بازداری زدایی: گمنامی و نامرئی بودن کاربران، یکی دیگر از ویژگی‌های روابط اینترنتی است که سبب پیدایش آسیب‌های جدی اخلاقی و روانی می‌شود. این ویژگی، مایه کاهش خویشتن‌داری و بازدارندگی کاربران در برابر اعمال ناهنجار اخلاقی و ضد اجتماعی خواهد شد. چنانچه این صفت در نهاد افراد جامعه کم‌رنگ شود، احساس بازدارندگی در افراد کاهش می‌یابد (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۷-۱۴).

د. اعتیاد به اینترنت: یکی از آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به آن است. در جامعه ما نیز با گسترش روزافزون استفاده از اینترنت، شاهد این مسئله هستیم. نتیجه تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در کشور ما، بیشترین استفاده‌کنندگان از اینترنت، جوانان هستند و ۳۵ درصد از آن‌ها در چت‌روم، ۲۸ درصد برای بازی‌های اینترنتی، ۳۰ درصد به منظور چک کردن پست الکترونیک و ۲۵ درصد نیز به دلیل جست‌وجو در شبکه جهانی در این فضا فعالیت می‌کنند. اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). این مسئله، آغازگر آسیب‌های متعدد دیگری نیز می‌شود و پیامدهای زیان‌بخشی برای فرد و جامعه در پی دارد که از جمله این آسیب‌ها تأثیر بر روابط



زنشویی، مشکلات خانوادگی، والدین و فرزندان در زمینه‌های ارتباطی، عاطفی، اقتصادی، جسمانی، مالی، اخلاقی، اجتماعی و روانی است. آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی خانواده و طلاق منجر شود (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۷-۱۴).

ه. بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت: عناصر سه‌گانه هویت یعنی شخص، فرهنگ و جامعه، هریک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد. هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکل‌گیری آن، متأثر از ایشان است و در نهایت، هویت فرهنگی، برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن، از بدو تولد تا کهنسالی جای گرفته است. از آن‌جا که فضای مجازی، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر و موجب چند شخصیتی شدن او خواهد شد. جوانان در این محیط، از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند؛ به ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پُررنگ‌تر می‌شود (رسولی، ۱۳۹۲، ص ۹۷-۹۰). واقعیت این است که از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکل‌گیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگونی است. عمده‌ترین این منابع، خانواده، رسانه‌های گروهی مانند اینترنت، مدرسه و گروه همسالان است. از میان رسانه‌های گروهی، فضای مجازی با توجه به نفوذ گسترده و فراگیری آن، اهمیت ویژه‌ای یافته است. گسترش فضای مجازی موجب شده است که شکل‌گیری نظام شخصی و هویت افراد، تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرارگیرد (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

و. افسردگی و انزوای فردی و اجتماعی و فاصله‌گرفتن افراد خانواده: امروز اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت، جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی می‌گذرانند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌گذارند؛ چراکه فرد، فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت‌های فردی رو می‌آورد. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف روابط اجتماعی مرتبط است. برعکس، کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به‌طور عمده‌ای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹).

بررسی محققان نشان می‌دهد که شاید هیچ‌گاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود، آگاه نباشند و در صورت آگاهی، آن را تأیید نکنند. همچنین پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که دنیای اجتماعی در آینده، دنیایی منزوی باشد؛ زیرا اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیت‌های کاذبی که برای نوجوانان ایجاد می‌کند، آنان را به خود معتاد ساخته و جانشین والدین می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲-۱۱۵). امروز با ورود وسایل و فناوری‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، شاهد این هستیم که والدین و فرزندان، ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر نمی‌نشینند، بدون آن‌که حرفی برای گفتن داشته باشند. در شرایط فعلی، روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده است (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

## ۲. راهکارها

به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اخلاقی اینترنت بر خانواده، راهکارهایی مطرح شده‌اند که در صورت اجرای به موقع و مناسب، می‌توانند ثمربخش واقع شوند. اقدامات جهت کاهش آسیب‌های فضای مجازی را در یک نگاه کلی می‌توان به دو بخش درون فردی و برون فردی تقسیم کرد. یکی از شیوه‌های مؤثر در مقابله و پیشگیری از این تهدیدها، همراهی خانواده‌ها به ویژه والدین در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و مجازی در کنار فرزندان است. در صورتی که والدین بتوانند در کنار بهره‌مندی از کودک درون به انسان بالغ وجود خود نیز تکیه کنند و مراقب باشند که خود بیشتر از فرزندان درگیر و معتاد به بازی‌ها و تماشای برنامه‌های مربوط به فضاهای مجازی نشود، همراهی آنان با فرزندان بسیار سودمند است. یکی از مهمترین تصمیم‌ها و تدابیر تربیتی در مواجهه شدن با رخداد‌های پیشرفتی در هرزمینه، این است که علاوه بر همگام‌سازی، افزایش اطلاعات و رشد فرهنگ استفاده از این منابع، تلاش کنیم تا از راه‌های گوناگون، منابع نوین را به خدمت خود درآوریم و با سرمایه‌گذاری درست، میزان اثرات مخرب آن را کاهش دهیم (دلاور و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۲۸ و ۲۹).

### ۲-۱. اقدامات درونی

اقدامات درون فردی، یعنی کاربران فناوری اطلاعات رفته‌رفته یاد بگیرند، در زمینه‌ی آشکارسازی

اطلاعات شخصی، ارتباط با غریبه‌ها، میزان استفاده از فضای مجازی، چگونگی مواجه شدن با اطلاعات استخراج شده از فضای مجازی و... چگونه رفتار کنند (زورق، ۱۳۸۹، ص ۳۹۵).

## ۱-۱-۲. بالابردن سطح سواد رسانه‌ای و شناسایی رسانه‌ها

سواد رسانه‌ای عبارت است از نوعی درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت، به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد. بنابراین، پایه اصلی در راهکارهای مقابله با این حملات، شفاف کردن مسأله است، به گونه‌ای که مخاطب بتواند به خوبی حق را از باطل تشخیص دهد. در نتیجه، هرچه سواد رسانه‌ای در بین مخاطبان دین‌دار افزایش یابد، امکان گرفتار شدن آن‌ها در دام تبلیغات ضد خانواده کمتر خواهد بود. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، برگزاری کلاس آموزشی در مدارس جهت آگاهی‌دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و شیوه‌ی استفاده صحیح از آن‌ها و آگاهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها درباره خطرات ناشی از اینترنت می‌تواند بسیار مفید باشد. آن‌هایی که سواد رسانه‌ای اندکی داشته باشند، در فضای رسانه‌ای به راحتی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. افراد دارای سواد رسانه‌ای نه تنها اسیر محصولات رسانه‌ای نمی‌شوند، بلکه قضاوت‌های صحیح‌تری از محیط پیرامون خود دارند. سواد رسانه‌ای دانشی است که براساس آن می‌توان انواع رسانه را شناخت و انواع پیام‌های آن را تحلیل و ارزیابی کرد. سواد رسانه‌ای یک مهارت چند مرحله‌ای است؛ مراحل آن شامل اتخاذ رژیم مصرف رسانه‌ای، استفاده از تفکر انتقادی، تجزیه و تحلیل سیاسی- اجتماعی، ایجاد باور در مورد تهدیدهای نرم، تولید رسانه‌ای است.

۱. رژیم رسانه‌ای: امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای

قرار داریم. میلیون ها کتاب، سایت، شبکه تلویزیونی و ماهواره ای، خبرگزاری و... مثل بارش اطلاعاتی برسرمان می بارند. در این مرحله باید به فرزندان خود پیامی که قبل از استفاده از هر رسانه ای سؤالات زیر را از خود بپرسند:

- در مقابل زمان و هزینه ای که برای استفاده از این رسانه صرف می کنیم، چه منافعی به دست می آوریم؟

- میزان استفاده از این رسانه نسبت به بقیه رسانه ها چقدر باشد؟

- از این رسانه چگونه باید استفاده کنیم؟

۲. تفکر انتقادی: در این مرحله باید به کودکان خود پیامی که با رسانه بصورت منفعلانه برخورد نکنند و قبل از پذیرش پیام رسانه، سؤال های زیر را از خود بپرسند:

- چه کسی این پیام را فرستاده است؟

- از چه فنونی برای جلب توجه من به پیام استفاده کرده است؟

- چه ارزش ها، سبک زندگی و جهان بینی ای در پیام انتقال داده شده است؟

- چرا این پیام برای من ارسال شده است؟

۳. تجزیه و تحلیل جنبه های سیاسی-اجتماعی: در این مرحله فرد باید از افقی بالاتر از نگاه خویش به رسانه نگاه کند و اهداف خاص تولیدکنندگان و قدرت های مسلط پشت پرده را درک کند. در این گام باید نکات زیر را به فرزندانمان پیامی:

- اهداف تجاری، سیاسی و اجتماعی رسانه ها را بشناسد و بداند که رسانه ها بابت انتشار محتوای خود هزینه صرف می کنند و شبکه های اجتماعی منافع تجاری دارند.

- هر رسانه ای به خصوص شبکه های اجتماعی، زبان، سبک، تکنیک، اخلاق، باور و اصول هنری خاص خود را دارد.

- خیلی اوقات شبکه های خارجی در خبرهایشان همه داستان را برای شما تعریف نمی کنند و گزینشی عمل می کنند.

- رسانه ها از زبان اقناع استفاده می کنند. یعنی با برانگیختن احساسات و با دلایلی شبه عقلی، اما نه حقیقی، شما را به سمت هدف خود قانع می کنند.

۴. ایجاد باور در مورد هجوم و تهدیدهای نرم: برخی مخاطبان شبکه های اجتماعی، وجود

یک سازماندهی منظم و هدفمند در شبکه‌های اجتماعی جهت تخریب چهره اسلام را منکر شده و ادعای وجود آن را ناشی از یک حس دائم توهم توطئه می‌دانند. متأسفانه، کسانی که وجود چنین فضایی را منکر می‌شوند، بیش از هر فرد دیگری در معرض تغییر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی قرار گرفته و تبلیغات بیشتر روی ایشان تأثیر می‌گذارد. مقام معظم رهبری (مدظله) در این باره می‌فرماید:

«این مسئله تهاجم فرهنگی که بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشن است و با انکار آن، ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد. ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است، کما این‌که اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است. ما نباید چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم» (مقام معظم رهبری، ۲۰/۰۹/۱۳۷۰).

۵. تولید رسانه‌ای: پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که برخی جوانان آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند، طراحی بازی‌های رایانه‌ای به گونه‌ای که در این بازی‌ها، انواع خطرات موجود در فضای مجازی و راهکارهایی جهت آشنایی و مقابله با آن‌ها تعبیه شده است، طراحی و تدوین بخشی از کتاب‌های درسی در مورد آشنایی دانش‌آموزان با فناوری‌های جدید اینترنت و خطرات بالقوه آن‌ها و ساخت و پخش فیلم‌ها و زنجیره‌هایی با موضوع اینترنت و مزایا و معایب آن از جمله راهکارهای رسانه‌ای در کاهش آسیب‌ها فضای مجازی و آگاهی بخشی در این زمینه است.

## ۲-۱-۲. شناسایی هدف مبلّغان ضدّ خانواده و پرهیز از قرار گرفتن در دام آن‌ها

از جمله راهکارهای عملی مقابله با تبلیغات ضدّ خانواده، شناسایی اهداف و روش‌های بازی ایشان و هوشیاری در قرار نگرفتن در پازل بازی آن‌هاست. این شناسایی، هم شامل دقیق شدن در فعالیت‌های آنان برای یافتن نقاط کانونی مدیریت اقدامات ایشان و هم نظارت مستمر بر فعالیت‌ها و تهیه گزارش از آن‌هاست و ما باید به جایی برسیم که با ورود هر فناوری، ابتدا به فلسفه وجودی آن فناوری و بعد به هم‌ساز کردن آن فناوری با سبک زندگی خودمان بپردازیم تا خانواده‌ها را در مقابل آن بیمه کنیم.

- شناخت سرمنشأ تغذیه تبلیغات و برنامه ریزی برای مقابله با آن.
  - رصد فعالیت ها و تهیه گزارش مستمر از علمکرد مبلغان ضد خانواده.
  - جلوگیری از باز نشر خام تبلیغات ضد خانواده که باید همراه با تحلیل، تفسیر و جواب باشد.
  - هنجارسازی مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی.
  - آشکار نمودن رفتار متناقض و متضاد مبلغان ضد اسلام.
  - معرفی شیوه های جنگ روانی و تبلیغات رسانه ای بر ضد اسلام.
- سواد رسانه ای در شبکه های اجتماعی منجر به این خواهد شد که فرد بتواند در شیوه مصرف محتوای شبکه های اجتماعی و به دست آوردن مهارت مطالعه انتقادی آن و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی، تسلط نسبی به دست آورد. ما باید محتواها و تفسیرهای موجود را سنجیده و سپس راجع به پذیرش و عدم آن تصمیم گیری نماییم. به دست آوردن یک شناخت درست و جامع از شبکه های اجتماعی مجازی، کار سختی است و پیش از این، کم و بیش تلاش هایی در جهت ایجاد یک درک درست از شبکه های اجتماعی صورت گرفته است (حسینی و حق پناه، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰).

## ۲-۲. اقدامات برون فردی

اقدامات برون فردی یعنی کنترل بیرونی بر استفاده نوجوانان و جوانان از فضای مجازی که اطرافیان، نوجوانان و به خصوص والدین، می توانند برای کاهش آسیب ها، آن را انجام دهند. در حقیقت، فضای عاطفی خانواده و کنترل والدین، عامل بازدارنده نوجوان و جوان از کاربرد نامطلوب و گرایش به سمت کاربرد مطلوب فضای مجازی است (مش و ایلان، ۱۳۹۴).

## ۲-۲-۱. میانجی گری

منظور از میانجی گری، اقداماتی است که سایر افراد می توانند انجام دهند تا آثار مخرب فضای مجازی برای فرزندانشان را کاهش دهند. میانجی گری والدین در امر رسانه را از سه بُعد می توان مطالعه کرد: میانجی گری مشارکتی، میانجی گری محدود کننده و میانجی گری راهبردی. در ادامه ای این مطلب، فعالیت های زیر برای والدین پیشنهاد می شود.

## الف. میانجی‌گری مشارکتی

میانجی‌گری از نوع مشارکت، به موقعیت‌هایی اشاره دارد که والدین و فرزندان با هم از محتوای رسانه استفاده می‌کنند. در مورد اینترنت، مشاهده مشترک، عبارت است از استفاده از اینترنت برای اوقات فراغت یا جستجوی اطلاعات و سایت‌های علمی. والدین از طریق میانجی‌گری مشارکتی می‌توانند محتوایی را که فرزندان در معرض آن هستند را کنترل کنند و اگر مطلب نامناسبی وجود داشته باشد، با آن‌ها صحبت کرده و نسبت به خطرات آگاهی دهند و در استفاده آن‌ها مداخله کنند. یکی از مهمترین عوامل مصونیت فرزندان در برابر فضای مجازی را می‌توان همراهی و مشارکت والدین در استفاده از فضای مجازی فرزندان دانست. اگر والدین فرزندان را در برابر این تکنولوژی تنها بگذارند، آن‌ها به احتمال بیشتری به بیراهه می‌روند، اما اگر خودشان پا به پای فرزندان آن‌ها را همراهی کنند، می‌توانند به آن‌ها در تشخیص چاه از راه کمک کنند و به جای اتخاذ رویکرد تکلیفی به جوانان، رویکردی توأم با رفاقت، مدارا و پذیرش جوانان را مدنظر قرار دهند (منطقی، ۱۳۹۵، ۴۰۹).

## ب. میانجی‌گری‌های محدودکننده

این محدودیت‌ها در دو دسته قابل تقسیم است:

**یک. محدودیت کمی:** کودکان زیر ۷ سال به علت حساسیت مغز به تشعشعات نورانی آسیب‌پذیرتر هستند و کمتر باید به صفحات نورانی مثل رایانه نگاه کنند، این میزان باید حدود ۶۰ دقیقه در شبانه‌روز برنامه‌ریزی شود. از آن جاییکه کودکان هنوز قدرت مدیریت زمان را به خوبی یاد نگرفته‌اند و از طرفی جذابیت فضای مجازی آن‌ها را به استفاده بیش از اندازه وسوسه می‌کند، والدین باید مدت استفاده فرزندان را محدود کرده و این میزان را برنامه‌ریزی کنند. برای محدود کردن زمان استفاده از فضای مجازی باید در عین صمیمیت، قاطعیت داشته باشند و جایی برای چون و چرا باقی نگذارند؛ زیرا کودکان زود به آن‌ها متوسل می‌شوند.

**دو. محدودیت کیفی:** منظور از محدودیت کیفی، میانجی‌گری و کنترل والدین بر کیفیت و محتوای برنامه‌ها، سایت‌ها و سی‌دی‌هایی است که فرزندان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بیشتر کودکان ما به جای یادگیری استفاده از نرم‌افزارهایی چون آفیس، فقط از رایانه و موبایل

به عنوان وسیله‌ای برای تفریح استفاده می‌کنند. اگر کودکان از صفحات نامناسب با سن خود بازدید می‌کنند عواقب آن را برایش توضیح دهید و برایش محدودیت در نظر بگیرید. والدین باید در کنار بهره‌مندی‌های گوناگون از وسایل الکترونیکی و فضاهای مجازی، به طور مداوم بردیگر شیوه‌های ارتباطی، اعم از گفت‌وگویی حضوری، چهره‌به‌چهره و نیز حضور در جمع‌های خانوادگی تأکید و اصرار داشته باشند و به فرزندان خود نشان دهند که هرگز ارتباط‌ها با وجود فناوری‌های نوین محدود به آن نمی‌شود و در خانواده و خارج از خانواده، مهارت‌های ارتباطی دیگری نیز دارای اهمیت هستند (سلیقه‌دار، ۱۳۹۷، ص ۳۰-۳۲).

### ج. میانجی‌گری راهبردی

امروز کودکان به جای انجام بازی‌های ظریف و حرکتی و یادگیری مهارت دیدن و شنیدن، از ابتدا با موس و کیبورد آشنا می‌شوند. در این صورت رشد ماهیچه‌ای-عضلانی و حرکتی-ادراکی کودک درست و کامل صورت نمی‌گیرد. والدین باید جایگزین‌هایی برای بازی‌های رایانه‌ای و جذابیت‌های فضای مجازی برای فرزندان داشته باشند. ورزش‌هایی مثل شنا، دوچرخه‌سواری، ژیمناستیک، رزمی، کاردستی، قرائت قرآن، موسیقی، کلاس‌های خلاقیت، الکترونیک و رباتیک، آموزش زبان، کار با چوب و... گزینه‌هایی هستند که اگر در برنامه‌های فرزند شما وجود نداشته باشد، به طور یقین او را به سمت استفاده بیش از حد از فضای مجازی سوق خواهد داد. اگر چنین فعالیت‌هایی را در برنامه فرزندان نگنجانید، در ابتدا باید خود را برای استفاده بیش از حد فرزندان مقصردانید. برخی از سایر فعالیت‌هایی که فرزندان می‌توانند با آن خود را سرگرم کنند عبارت است از: پرورش گل‌های آپارتمانی با استفاده از بذرها، مختلف برای درک مفهوم رشد، نگه‌داری حیواناتی مثل ماهی، مینا، جوجه برای ایجاد مسئولیت‌پذیری در کودکان، تعمیر وسایل خراب منزل برای درک سازندگی، کاردستی با فوم، سازه‌های ماکارانی، چوب و... برای درک فضا و خلاقیت، جمع‌آوری و کلکسیون کردن سنگ، صدف، عکس برای یادگیری نگهداری و مراقبت، نوشتن کتاب داستان و یا تعریف داستان و ضبط صدای کودک برای افزایش مهارت پردازش، عکاسی با دوربین از مناطق مختلف جهت برانگیختگی حس کنجکاوی و دقت کودک و فعالیت در مساجد محل برای رشد زمینه‌های اعتقادی کودک (منطقی، ۱۳۹۵، ص ۴۴۵).



یکی دیگر از راهبردهای مناسب، استفاده از فن‌آوری‌های بومی است که خوشبختانه آسیب‌های کمتری نسبت به فن‌آوری‌های غربی دارند. ایران از معدود کشورهای منطقه و آسیاست که تاکنون بازی‌های ایرانی متعددی را روانه بازار کرده است که با فرهنگ ملی-مذهبی ما هم‌خوانی دارد. والدین با شناسایی و معرفی این بازی‌ها به فرزندان‌شان می‌توانند از دغدغه بازی‌های رایانه‌ای نامناسب فرزندان‌شان بکاهند. بازی‌هایی چون کوهنورد، گرشاسب، سیاره میترا، میرمهنّا، نجات بندر، عصر پهلوانان، لطفعلی خان زند، شمشیر‌نادر از جمله بازی‌ها هستند که همگی از داستان‌ها و شخصیت‌های ایرانی برخوردار هستند.

#### ۲-۲-۲. فیلترینگ

همان‌طور که قوانین و مقررات در عالم واقع نقش پیشگیرانه و کنترل‌کننده افراد را برعهده دارند، فضای مجازی نیز با توجه به پیچیدگی‌ها و خصایص منحصر به فردی که دارد، نیازمند نظارت بیشتر و تدوین مقررات بازدارنده است. یکی از آخرین راهکارهای البته کم‌اثر، استفاده از فیلترینگ است. همچنین نرم‌افزارهایی نیز برای والدین طراحی شده‌اند که امکان فیلترینگ خانگی را در اختیار والدین قرار می‌دهد. با این حال، اینترنت حتی با فیلتر، بدون نظارت و میانجی‌گری والدین غیر قابل اطمینان است (رابرتس، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

#### ۲-۲-۳. استفاده از ظرفیت ارتباط نخبگان و مردم

نخبگان، اقشاری از جامعه هستند که به علت عملکرد ویژه‌ای که داشته‌اند، شناخته شده و به عنوان چهره‌های شاخص و دارای مقبولیت شناخته می‌شوند. ظرفیت پذیرش نخبگان بین خانواده‌ها، بسیار بالا بوده و اثربیشتری خواهد داشت. نخبگان جامعه اسلامی باید بکوشند فرصت‌هایی را که برای تقویت ایمان اسلامی وجود دارد، شناسایی و برای تقویت آن‌ها برنامه‌ریزی کنند و تهدیدهایی را که متوجه ایمان اسلامی است، شناسایی کرده و در جهت از بین بردن آن، برنامه‌ریزی و اقدام کنند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «الذین یبَلِّغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون أحدا إلا الله وكفی بالله حسیبا (احزاب: ۳۹)؛ آنان که تبلیغ رسالات خدا به خلق می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حساب و مراقبت کار خلق، به تنهایی کفایت می‌کند».

استفاده از آموزه‌های دینی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل

اجتماعی توسط هر شخص، قرآن کریم می فرماید: «ولتکن منکم أمة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر و اولئک ہم المفلحون (آل عمران: ۱۰۴)؛ و باید از میان شما برخی باشند که خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و آنان را به نیکوکاری امر نموده، از بدکاری نهی کنند». امر به معروف و نهی از منکر، از فروع بسیار مهم دینی در اسلام است که بشر را به دانش، آگاهی، نیکی، مهر، پرهیز از زشتی، قساوت و نادانی دعوت کرده و موجب رشد و توسعه معنوی و مادی زندگی مردم می شود.

عواملی نظیر فراموشی مرگ و قیامت، تقلید و چشم و هم چشمی، خودنمایی، غفلت رهبران فکری و اجتماعی جامعه (نخبگان) و رسانه ها، ترویج فرهنگ بیگانه و فقدان سیاست های روشن در مورد خانواده، موجبات بروز تجمل گرایی را فراهم می کند. در این میان، نقش نخبگان به عنوان الگوهای قابل مشاهده در میان افراد جامعه، در مبارزه با روحیه تجمل گرایی و ترویج روحیه ساده زیستی، بسیار مؤثر خواهد بود.

جوانان به علت داشتن روحیه تنوع طلبی، خلاقیت و گرایش به برقراری ارتباط با دیگران و همچنین حس کنجکاوی، تمایل بیشتری به عضویت در شبکه های اجتماعی دارند و روشن است که شبکه های اجتماعی، بی هویت نبوده و جوانان در تعامل با آن سبک زندگی جدیدی را خواهند آموخت. از این رو نخبگان باید به ترویج سبک زندگی اسلامی در فضای مجازی و غیرمجازی بپردازند. (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۶۰؛ منطقی، ۱۳۹۵، ص ۴۴۷).

#### ۲-۲-۴. حمایت حاکمیتی و قانون مند کردن مقابله با جرایم سایبری

آگاهی و هوشیاری پلیس سایبری در مورد انواع جدید جرایم رایانه ای با توجه به گستردگی فضای مجازی و امکان وجود مجرم و قربانی، هریک در کشوری متفاوت، دارای اهمیت است. از این رو، ضروری است تا نوعی هماهنگی بین المللی میان پلیس فضای مجازی تمامی کشورهای برخوردار از این فناوری صورت گیرد تا در صورت امکان، جلوی ارتکاب جرم گرفته شود یا پس از ارتکاب امکان، بازداشت و مجازات مجرم سریع تر و آسان تر صورت گیرد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه گذشت، فضای مجازی (اینترنت) در کنار دستاوردها و کاربردهای انکارناپذیر و مثبتی که در زمینه‌های گوناگون دارد، پیامد نامطلوبی نیز به همراه دارد که باید مورد توجه والدین، مربیان و همه مسئولان امر تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه قرار گیرد. ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری جوانان و خانواده‌ها در خصوص تهدیدات فضای مجازی، در درجه نخست اولویت قرار دارد. پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان، بسیار مهم است و برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها، والدین باید تا حدود زیادی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند و بدانند که تغییر در رفتار فرزندان، به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آن‌هاست و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آنان به صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود. بنابراین، چنانچه خانواده‌ها در مورد شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان، خودآگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از بروز بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری خواهد شد.

## فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای

### الف. کتب

۱. اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد و توسعه، ۱۳۹۰.
۲. حسینی، سید بشیر و حق پناه، حسین. ۱۵۰ هشتگ (نهضت سواد رسانه‌ای)، تهران: کتاب رواق اندیشه، ۱۳۹۴.
۳. حسینی، سید علی اکبر. تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۴. دوران، بهزاد. «هویت خانوادگی و تعامل در فضای سایبریک»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
۵. رابرتس، کوین. اعتیاد به نت (رهایی از دام اعتیاد به اینترنت و بازی‌های نرم‌افزاری)، ترجمه اکرم اکرمی، تهران: مؤسسه انتشارات صابری، ۱۳۹۳.
۶. رحیمی، محمد و آشفته‌تهرانی، امیر و حضرتی صومعه، زهرا. «عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی؛ مطالعه موردی شهر خلخال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشکده واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۰.
۷. زورق، محمدحسن. ارتباطات و آگاهی تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۹.
۸. مش، گوستاواس و ایلان، تلمود. نوجوان دیجیتال (دنیای اجتماعی نوجوانان در عصر اطلاعات)، ترجمه سعدی پور (بیابان‌گرد)، اسماعیل و آذرنوش، مینا، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۴.
۹. منطقی، مرتضی. راهنمای والدین در استفاده فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید: بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۵.
۱۰. \_\_\_\_\_ بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۵.

### ب. مقالات

۱۱. ابراهیم‌پور، کومله و سمیرا و خزایی، کامیان. «آسیب‌های نوپدید، شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی»، نخستین کنفرانس ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید، ۱۳۹۱، صص ۱۴-۵.
۱۲. ثنایی‌ذاکر، باقر. «آسیب‌شناسی خانواده»، نشریه پژوهشی تربیت، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۹.
۱۳. دلاور، مریم و قاسمی، نرگس. «از زاویه‌ای دیگر، نگاهی به نقش تلفن همراه در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»، مجله شوق تغییر، شماره ۳۸، ۱۳۹۷، صص ۲۸ و ۲۹.
۱۴. رضایی‌قادی، خدیجه. «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴.
۱۵. رحیمی، علیرضا. «تعلیم و تربیت دینی، معرفی یک رویکرد بصیرت‌گرا»، نشریه رشد آموزش ابتدایی، شماره ۴، ۱۳۸۳، صص ۴۱-۳۰.
۱۶. رسولی، محمدرضا و آزادمجد، افروشه. «اعتیاد به اینترنت و اثرات ناشی از آن در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۶۷، ۱۳۹۲، صص ۹۷-۹۰.
۱۷. زنجانی‌زاده، هما و محمدجوادی، علی. «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴، صص ۱۳۶-۱۲۷.
۱۸. شجاعی، محمدصادق. «روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت»، نشریه روانشناسی و دین، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۷، صص ۱۴۲-۱۱۵.
۱۹. صادقی، سیدهادی. «نقش خانواده در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی جنگ نرم»، مجله پیوند، شماره ۳۴۷، ۱۳۸۹، صص ۱۷-۱۴.

# مقایسه‌ی نظری شبکه‌های ارتباطی از منظر اسلام و علوم انسانی غرب<sup>۱</sup>

سید سجاد مجابی<sup>۲</sup>

مرتضی رازداری<sup>۳</sup>

محسن ذوالقدرنسب<sup>۴</sup>

## چکیده

این مقاله با هدف تبیین نظری و مواضع اسلامی در خصوص شبکه‌های ارتباطی در عصر حاضر و تمایزات آن نسبت به علوم انسانی غرب انجام شده است. بمنظور دستیابی به اهداف پژوهش، این نوشتار با رویکرد تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع مکتوب کتابخانه و انجام مصاحبه با صاحب نظران سامان یافته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علوم اسلامی فارغ از نگاه غربی که در آن بیشتر بر ابزار ارتباطی و نحوه‌ی شکل‌گیری و نقشه‌ی ارتباطی بین اعضا در شبکه‌های ارتباطی تکیه شده است؛ بیشتر بر سطوح، ترویج، عمق بخشیدن و هدف روابط، تأکید دارد. در اسلام نیز مانند علوم انسانی غرب، بر تحقق دهکده‌ی جهانی تأکید شده است، اما در علوم اسلامی، این نکته با نگاهی فراتر از پراگماتیسم و بیشتر بر مبنای تعامل و عمق زیاد موجود در روابط و اینکه این مبانی فقط به روابط انسان با انسان اشاره ندارد و ساحت‌های دیگری را شامل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. واژه‌های کلیدی: شبکه‌های ارتباطی، علوم اسلامی، علوم انسانی غرب، ارتباطات اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۸

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، کارشناس امور تربیتی آموزش و پرورش استان قزوین Sajmo1996@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه بوعلی همدان، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش همدان  
m.razdari@yahoo.com

۴. عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان mohsenzolghadr54@gmail.com

## مقدمه

روابط اجتماعی و مفاهیم آن بسیار مهم و مؤثر بر عملکرد افراد است و این رابطه چه در علوم انسانی و چه در متون دینی به فراوانی آمده است. وینیکات، روانکاو کودک و نظریه پرداز برجسته‌ی روابط شیء، معتقد است که چیزی به نام بچه وجود ندارد. بچه نمی‌تواند تنها وجود داشته باشد، بلکه اصولاً بخشی از یک رابطه است. فروید مؤسس مکتب روان‌کاوی در مبحث روابط اجتماعی به شیء اشاره کرده است. شیء، اصطلاحی است که فروید برای اشاره به افراد دیگر استفاده کرد؛ زیرا در روان‌شناسی نهاد، دیگران بیشتر به عنوان اشیائی برای ارضای لذت‌گریزی خدمت می‌کنند. حتی روان‌شناسی به نام مارگارت ماehler، مراحل رشد روان‌شناختی افراد را بر اساس روابط فرد و شیء چیده است و به ترتیب مراحل اوتیسم بهنجار، همزیستی بهنجار، تمایز و درون‌فکنی را بیان می‌کند که اختلال در این مراحل منجر به اختلالاتی چون روان‌پریشی همزیستی می‌شود (پروچاسکا، نورکراس، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳-۱۲۵).

با افزایش پیچیدگی و درهم‌تنیده شدن روابط، شبکه‌های ارتباطی ایجاد می‌شوند و بسیاری از شبکه‌های ارتباطی با شبکه‌های ارتباطی دیگری در ارتباطند. البته بسیاری از شبکه‌های ارتباطی زیرسایه‌ی شبکه‌های ارتباطی کلان نیز هستند که در رابطه با این دو تقسیم‌بندی نظریات مختلفی وجود دارد. در عصر جدید و با توسعه‌ی شبکه‌های اجتماعی این تقسیم‌بندی مهم‌تر جلوه کرده و در علوم انسانی زمینه‌ساز تحقیقات گسترده‌ای شده است، اما در متون دینی آن چنان به آن پرداخته نشده است. تاکنون با توجه به وسعت مباحث شبکه‌های ارتباطی و اهمیت این موضوع در زندگی مدرن افراد و همچنین وسعت مباحث و شاخص‌های ارتباطی از نظر اسلام، تحقیق خاصی انجام نشده است و جوامع اسلامی به دلیل خلأ پژوهش در ایجاد و دوام شبکه‌های ارتباطی، یک شیوه‌ی تقلیدی از غرب پیش گرفته‌اند که این امر، خود یک درون‌مایه‌ی وابسته‌ساز و غرب‌زده را برای جوامع شرقی و اسلامی فراهم می‌کند. در این نگارش تلاش شده است مفاهیم ارتباطی از منظر اسلام و علوم انسانی غرب به صورت مقایسه‌ای بررسی شود.

## ۱. نظریات شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی و متون دینی

نظریه شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی و اسلام به شرح ذیل است.

### ۱-۱. شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی

کلمه‌ی ارتباط به صورت مفرد، نشان دهنده‌ی فرایند و جریانی است که پیام را از منبع یا فرستنده به مقصد یا گیرنده ارسال می‌کند، اما کلمه‌ی ارتباطات به صورت جمع به معنای ابزار و وسایل پیام است. اخیراً به دلیل وجود شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده است و در این دوره افراد توسط ابزار ارتباطی جدید احاطه شده‌اند؛ از این رو بیشتر محققان علوم انسانی در پژوهش‌های خود درباره شبکه‌های ارتباطی، بیشتر به ابزار ارتباطی و اهمیت آن‌ها توجه کرده‌اند و این الگوی دو مرحله‌ای را بیشتر نشانه‌ای از انحطاط نظریه‌ی تزریقی درباره‌ی تأثیرات رسانه‌های جمعی دانسته‌اند. این نظریه بیان می‌کند که رسانه به طور مستقیم و مجزا بر افراد اثر می‌گذارد. در الگوی دو مرحله‌ای به طور خلاصه اعتقاد بر این است که اطلاعات به صورت غیرمستقیم و از طریق رهبران فکری به مردم می‌رسد و رسانه‌ها در این الگو بسیار مهم هستند؛ زیرا ابزار رهبریت افراد هستند. امروز سمت و سوی پژوهش‌های علوم انسانی در حوزه‌ی شبکه‌های ارتباطی بیشتر متمرکز بر دو مقوله‌ی رهبران فکری و شبکه‌ها و رسانه‌های ارتباطی است (رزاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷).

### ۲-۱. شبکه‌های ارتباطی در اسلام

از منظر اسلام، شبکه‌های ارتباطی را می‌توان با سه رویکرد ارزیابی کرد؛ رویکرد کمیت، کیفیت و هدف‌گرا. گفتنی است که ارتباطات در جامعه اسلامی به چهار ساحت ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با انسان‌های دیگر و ارتباط با طبیعت طبقه‌بندی می‌شود. مهمترین ویژگی ارتباطات اسلامی در مقایسه با غیر آن در این است که همه‌ی ارتباطات در ساحت‌های یاد شده رنگ الهی به خود می‌گیرد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که شاخص‌های نظام ارتباطی اسلام متمایز از شاخص‌های نظام‌های سکولار خواهد بود. تبیین رویکردهای سه‌گانه‌ی کمیت، کیفیت و هدف‌گرا در اسلام به شرح ذیل است.

## الف. کمیت

سفارش اسلام برافزایش ارتباطات بین مؤمنین است و این ارتباط می‌تواند به صورت تک جانبه، دوجانبه و چند جانبه باشد. در اسلام برای ایجاد یک ارتباط مؤثر با کفار نیز بحث شده است. البته گفتنی است که فضای الهی بر اختلاف و کینه بین دو قشر است، اما پیامبر اسلام ﷺ در ماجرای هم زیستی مسالمت آمیز قدم‌های مثبتی برداشته است. در واقع پیامبر ﷺ به رابطه‌ای که بر رشد مؤمن به خصوص رشد علمی انجامد، تأکید دارند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «برای تحصیل به دورترین نقطه‌ی عالم سفر کنید» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ح ۲۸۶۹۷) و قطعاً انسان مؤمن اندیشه‌های حکیمانه را از هر که باشد فرامی‌گیرد، حتی اگر مشرک یا منافق باشد. معصومین علیهم‌السلام همواره رابطه با منافقین و کفار را به گونه‌ای محسوس یا نامحسوس کنار زده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در حکمت ۴۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد و این بدان جهت است که فضای الهی جاری شد». این مسأله خود برافزایش تعداد ارتباطات و در نتیجه شبکه‌های ارتباطاتی متعدد و هدفمند دلالت دارد و مبین نگاه کمی به ارتباط در اسلام است و قرآن هر چه مانع این افزایش کمی ارتباطات باشد را منع کرده است؛ برای مثال خداوند تمسخر افراد را به شدت رد کرده و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند؛ شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند. و نه زنان زنان دیگر را، شاید آن‌ها، بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید (حجرات: ۱۱).

## ب. کیفیت

کیفیت ارتباط در شبکه‌های ارتباطی به عمق ارتباط، اندازه و حدود هر محتوا و عمل در ساحت‌های مختلف ارتباطی، اشاره دارد. خداوند، پیامبر اسلام و امامان در تمامی فرموده‌های خویش، به بحث کیفیت اشاره و تأکید کرده‌اند و همواره به علم اخلاق که ناظر بر بخش اعظمی از کیفیت شبکه‌های ارتباطی است، پرداخته‌اند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «اخلاق خود را نیکو کنید و با همسایگان خود مهربان باشید و زنان خود را گرامی بدارید تا



بی حساب وارد شوید» (ابن بابویه، ۱۴۱۶، ص ۱۲۷) و همچنین در حدیثی دیگر از ایشان آمده است: آیا می‌خواهید شما را از بهترین افرادتان خبر بدهم؟ عرض کردند: بله ای رسول خدا ﷺ. حضرت فرمودند: خوش اخلاق‌ترین شما، آنان هستند که نرمخو و بی‌آزارند، با دیگران انس می‌گیرند و دیگران نیز با آنان انس و الفت می‌گیرند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۱). امامان معصوم علیهم‌السلام نیز در هر فرصتی - در حرف و عمل - مباحث اخلاقی را بیان می‌کردند تا کیفیت شبکه‌های ارتباطی گسترده شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند» (نهج البلاغه، حکمت ۵۰) و اما درباره‌ی حدود اخلاق و تشریح آن امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «نرمخو و مهربان باش، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کن» (ابن بابویه [شیخ صدوق]، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳).

علمای اسلام بحث حفظ اندازه و حدود در روابط را به کیفیت شبکه‌های ارتباطی اضافه کرده‌اند که در این باره احکام بسیاری نیز وجود دارد. شاید در ابتدا این‌گونه به نظر آید که این مباحث خود محدودکننده روابط است، ولی هدف این موضوعات، کمرنگ شدن اهمیت ظواهر و عمق بخشیدن به هر بعد از ابعاد ارتباطی انسان است.

### ج. هدف مداری

ارزیابی اهداف یک ارتباط، مبحثی است که کمتر در تحقیقات اخیر علوم انسانی به آن پرداخته شده است. در تحقیقات کنونی بیشتر بر خود ارتباط و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی تأکید می‌شود و ابزار ارتباطی در حال جواب به تحقیقاتند، ولی اسلام از ابتدا بر سنجش و ارزیابی اهداف ارتباطی اصرار ورزیده و حتی چارچوب خاصی برای ارزیابی این شاخص اعلام کرده است. از نظر اسلام هدف ابتدایی در ارتباطات، الهی بودن و ترویج آن بین افراد است. اسلام از رشد افراد جامعه از طریق ارتباطات با یکدیگر یاد کرده و نیز به طور مفصل ابعاد و مضمون‌های رشدی را توضیح داده است؛ برای مثال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «تنها برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸).

گفتنی است که نهایت ارتباطات الهی در ساحت‌های مختلف باید به اطاعت از خدا و شناخت خدا ختم شود و و اگر این‌گونه نباشد، شخص، کافرو یا حتی مرده محسوب می‌شود. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «تا زنده‌ها را بیم دهد و سخن حق بر کافران ثابت شود»

(یس: ۷۰). در این آیه، خداوند، کافران را در برابر زنده‌ها قرار داده است. پس در ادبیات وحی، کافران مرده محسوب می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

### ۳. مفاهیم ارتباط

مفاهیم ارتباط عبارتند از شاخص، ارتباط، ارزش، اصل، هنجار، ادب، اخلاق و اسلام که اینک به توضیح هر کدام از این موضوعات پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. شاخص

شاخص‌ها، نظارت و مراقبت وضعیت کلان و روابط از سوی سطوح بالای سیاست‌گذاری را امکان‌پذیر می‌کنند و همچون ابزار کلان‌مدیریتی، هدایت مقامات اجرایی را به سوی اهداف مشخص، امکان‌پذیر می‌کنند. شاخص‌ها سبب هم‌زمانی نسبی در بین سیاست‌گذاران و فرهنگ‌های متفاوت جهانی شده و توان مقایسه نسبی فرهنگ‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و حتی سیاست‌های توسعه را فراهم می‌آورد (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

اکنون بزرگ‌ترین مقایسه و جدل شاخصی بین فرهنگ ارتباطی اسلام و غرب مدرن است که فرهنگ غرب بیشتر بر مصرف، مد و فردیت بنیان شده است و تماماً تجلی در عمل به سکولاریسم و امانیسم و لیبرالیسم است و همه‌ی این ارتباطات، شبکه‌هایی هم‌سو با این نوع فردیت را شامل می‌شود. البته فردیتی که در مُد است از سبقت گرفتن از دیگران تشکیل شده است، ولی دقیقاً به همین دلیل، در نهایت، عنان ما به دست کسان دیگری است (اسونسن، ۱۳۹۸، ص ۵۳)، اما فرهنگ ارتباطی اسلام به چند بُعدی بودن هر فرد می‌پردازد و تلاش به رشد تمام ابعاد ارتباطی و در عین حال گسترده شدن شبکه‌های ارتباطی چندلایه دارد. اسلام، ارتباط را تنها برای رفع نیازهای افراد ضروری نمی‌داند، بلکه با توجه به تأثیر فرد بر جمع و جمع بر فرد، روابط را هدفدار و موجب رشد متقابل می‌داند.

از ویژگی‌های شاخص مطلوب می‌توان به عقلانیت، مطلوبیت، قابل فهم بودن، عملی بودن، تعالی بخشی و پاسخگویی به نیازهای فردی اشاره کرد (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

### ۲-۳. ارتباط

تئودورسون ارتباط را به انتقال اطلاعات، عقاید، برداشت‌ها و احساسات از فرد یا گروه به فرد یا گروهی دیگر به شکل نماد تعریف کرده است (مک کوایل، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

### ۳-۳. ارزش

انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه که خوب یا بد، مناسب یا غیرمناسب و ضروری یا غیرضروری است، داشته‌اند. به این‌گونه ایده‌ها، ارزش گفته می‌شود. هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها برای ارزیابی اخلاقی و شایستگی رفتاری، سازماندهی می‌شوند، یک «نظام ارزشی» را پدید می‌آورند (یوسف‌زاده و همکاران ۱۳۹۱، ۴۲). وجود ارزش‌ها گاهی باعث ایجاد محدودیت یا جهت‌دهی مخالف میل باطنی در افراد موجود در شبکه ارتباطی می‌شود که البته باید گفت ارزش‌ها هرگونه که باشند، وجودشان مهم است و نبود ارزش‌ها خود زمینه‌ساز ملال است و نزدیکترین آن‌ها، ملال وجودی است که روح ما از هرگونه محتوایی تهی و دنیا به چیزی خنثی تبدیل می‌شود (اسونسن، ۱۳۹۸، ص ۴۸).

### ۴-۳. اصل

اصل در لغت به معنای ریشه در برابر (فرع: شاخه) است، مانند اصول و فروع دین (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۳). دکارت اصول را ذات حرکت می‌داند و مولر اصول را آغاز حرکت علوم می‌پندارد (علی احمدی و علی احمدی، ۱۳۸۳، ص ۶)، اما برخی اصول را دستورالعملی برای قضاوت ارزش‌ها در مسیر حرکت به سوی هدف یا اهدافی می‌دانند (عسکریان، ص ۵۶). در مدیریت اسلامی اصول حاکم بر ارتباطات اسلامی، عبارتند از: اصل توحیدمحوری، دعوت فارغ از نژاد و گروه خاصی بودن و امانت و استقلال. البته شاید این‌گونه به نظر برسد که در شبکه‌های ارتباطی غرب، اصولی وجود ندارد و یا اگر هم باشد، تأکید بر تعدد ارتباطات دارد، ولی جواب منفی است؛ برای مثال، در ارتباطات علمی، اصل اساسی و اولیه علم است. برای مثال فکر می‌کنم عالم، خلق الساعه، از هیچ و براساس قوانین علم به وجود آمده است. فرض بنیادین علوم، جبریت علمی است. قوانین علمی نحوه‌ی تکامل عالم را پس از شناسایی وضعیت، در

زمان خاص تعیین می‌کنند. این قوانین ممکن است به وسیله خدا تعیین شده یا نشده باشد (استیون هاوکینگ، ۱۳۹۸، ص ۴۸). پس فرض اولیه در شبکه‌های ارتباطی غرب، توحید نیست.

#### ۴. ارتباط در اسلام

ارتباط یک مؤمن دست‌کم در چهار ساحت؛ ارتباط با خدا، با خود، با طبیعت و با انسان‌های دیگر قابل بررسی است، اما ساحت اجتماعی هشت قلمرو یا گستره ارتباطی را در بر می‌گیرد که بر مبنای حقوق و تکالیفی که یک مؤمن در روابط اجتماعی خود دارد، ترسیم شده است. بررسی‌های آموزه‌های اسلام در مورد ارتباطات یک مؤمن در شبکه‌های ارتباطی خویش با اطرافیان، نشان می‌دهد که قلمروها یا بسترهای ارتباطی در ارتباطات خانوادگی از بیشترین شدت و ارتباط با مشرکین و کفار حربی، از کمترین شدت برخوردار است. بدین معنی که یک مؤمن مهم‌ترین و شدیدترین حقوق و تکالیف را در قلمرو خانواده و کمترین آن‌ها را در ارتباط با بیگانگان دارد. این بدین معنی است که خانواده در هسته مرکزی ارتباطات انسان مؤمن قرار دارد. مروری بر ادبیات حاکم بر آموزه‌های دین نیز این مدعا را ثابت می‌کند. گفتنی است که ارتباطات آیینی، گسترش و تبلیغی دارای چهار طبقه می‌باشد:

الف. ارتباط یک شیعه با شیعه‌ای در جامعه‌ای دیگر که از نظر فرهنگی با جامعه مقصد تفاوت‌هایی دارد؛

ب. ارتباط شیعه با فردی از اهل تسنن در جامعه خود یا جامعه‌ای دیگر؛

ج. ارتباط شیعه با اهل کتاب؛

د. ارتباط شیعه با کفار و مشرکین.

در نهایت، مدل ارتباطی انسان در شبکه‌های ارتباطی در ساحت اجتماعی به ترتیب عبارت است از: روابط میان اعضای خانواده، روابط میان خویشاوندان، روابط میان همسایگان، روابط میان دوستان، روابط میان مؤمنان، روابط میان مسلمین، رابطه با اهل کتاب و رابطه با کفار و مشرکین. البته ملاک و بُعد را بیشتر فرهنگ جامعه و نظام حقوقی و حرف تقسیم می‌کند.

شرف الدین سیدحسینی، ۱۳۷۸، ص ۳۶)

#### ۱-۴. ارتباط انسان با خدا

آیات قرآن نشان می‌دهد که بخش عظیمی از پیام‌های کلام وحی در مورد ارتباط انسان با خداست. رابطه‌ی خالق و مخلوق زیباترین جلوه‌ی هستی است که انسان تشنه‌ی ر، از زلال رحمت و برکات حضرت حق سیراب می‌کند. قرآن، با کلمه‌ی «الله» آغاز شده و با کلمه «ناس» خاتمه می‌یابد و این بیانگر اهمیت رابطه خدا و مردم است. در آیه ۱۸۶ سوره‌ی بقره، خداوند هفت مرتبه به ذات مقدس خود و هفت بار به بندگان اشاره می‌کند و این اوج ارتباط و پیوند خداوند متعال با بندگان است. انسان بنا بر فطرتش به ارتباط با مبدأ کمال متمایل است؛ چراکه کشش فطری در درون، او را به سوی بی‌نهایت سوق می‌دهد و این تمایل نامحدود به غیر از ارتباط با کمال مطلق و نیروی بی‌انتهای خالق هستی اکتان نمی‌شود. عبادت، دعا و نیایش بهترین راه شکوفایی این تمایل فطری و استعداد درونی انسان است و خداوند متعال هم ارزش و جایگاه واقعی انسان را در بارگاه خویش به وسیله دعا و نیایش او تعیین می‌کند (پاک‌نیا، ص ۱۵).

#### ۲-۴. ارتباط انسان با خود

انسان از آن جهت که موجودی خودآگاه است، قدرت ایجاد ارتباط با خویشتن را داراست. این ارتباط به معنای رابطه او با حقیقت و درک جایگاه خود در نظام هستی و قابلیت‌ها و توانایی‌های خویش است. انسان با توجه به بُعد معنوی خود، حقیقتی به نام من یا خود را ادراک می‌کند که هویت و شخصیت او برخاسته از آن است و در طی دوران زندگی با وجود تغییرات فراوانی که در جسم او رخ می‌دهد، این حقیقت واحد در وجود او تغییر نمی‌کند و انسان از وحدت هویت و شخصیت برخوردار است. انسان در وجود خویش به صورت فطری از بینش‌ها و گرایش‌هایی برخوردار است که لازمه ادامه حیات و سیر او به سوی کمال است. چگونگی بهره‌برداری و استفاده از این امور فطری، مشخص‌کننده‌ی مسیر حرکت وی به سوی کمال مطلوب یا سقوط و انحطاط او خواهد بود. روح انسان حقیقتی است غیرمادی که مانند هر وجود مجردی دارای سه بُعد علم و آگاهی، قدرت و محبت است. این علم و آگاهی که به صورت ناخودآگاه در هر انسانی وجود دارد و در کنار گرایش‌های فطری او، منبع و منشأ ارتباط

انسان با خویشتن است. با توجه به قدرت انسان بر تشخیص، آگاهی، پیمودن مسیر، اختیار در تفکر و عمل، گرایش به خود در انسان و محبت به خویشتن موجب می شود که علم و آگاهی ناخودآگاه او به خویشتن، به علم و آگاهی آگاهانه تبدیل شود. سپس در مرحله ی عمل با توجه به آگاهی ها، خود را برای رسیدن به خیر، کمال و قرب الهی، آن چنان که باید بسازد، به سلاح ایمان و تقوا مجهز شود و با فراهم آوردن عوامل سعادت و برطرف کردن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد تا خود را به عالی ترین مراحل تکامل برساند و از خود طبیعی به سوی خود انسانی و سپس به مرحله خود اعلا که مظهري از ذات حق است، تغییر دهد و خلیفه الله و مظهر اسما و صفات الهی شود. (آل بویه، ۱۳۸۸)

#### ۳-۴. ارتباط انسان با دیگران

از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت که ویژگی های فرد مؤمن در روابط اجتماعی، دوستی و روابط با افراد جامعه براساس خدامحوری، تعقل و صداقت است. شخص مؤمن خیرخواه دیگران و پناه مسلمین است و در رفع مشکلات دیگران تمام توان خود را به کار می گیرد. علاوه بر اینکه فردی باحیاست، سعی در پوشاندن عیوب دیگران نیز دارد. رفتارش در جامعه مبتنی بر حسن معاشرت، تواضع، مهربان و گذشت است. علاوه بر این ها سعی در جلب دوستی، محبت و احترام برادران دینی خود دارد. از این رو به تعهداتی که برعهده گرفته پایبند است و هیچ کسی از وی انتظار کارهای ناشایست، ظلم و تعدی به دیگران را ندارد (یوسف زاده، ص ۲۱۹). ارتباط انسان با دیگران در اسلام در موضوعات صله رحم، ارتباط با دوستان و اصول حاکم بر روابط دوستانه میان مؤمنان مطرح شده است.

#### ۱-۳-۴. صله رحم

شبکه خویشاوندی به عنوان یکی از مجموعه های مهم نظام اجتماعی، از کهن ترین و اصیل ترین کانون های تجمع انسانی است که بعد از خانواده در مرتبه دوم قرار دارد. تعامل سرزنده و مفید افراد یک فامیل به مثابه یک واحد کوچک از جامعه اسلامی دارای اهمیت است. تداوم ارتباط بین خانواده و خویشاوندان ستون استحکام خانواده و به تبع آن جامعه است. صله رحم دارای اهمیت فراوانی است؛ چنانکه در روایات گوناگون بسیار به آن پرداخته

شده است. وجوب فقهی صله رحم بر ما پوشیده نیست و در قرآن و روایات تاکید فراوانی به آن شده است؛ برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «بترسید از حق خویشان، پس با ارحام پیوند کنید از قطع رابطه با ارحام بپرهیزید» (نساء: ۱). از جمله موضوعاتی که در روز قیامت از آن سوال می‌شود، صله رحم است. روایات متعدد نیز صله رحم را یکی از نشانه‌های دین‌داری برشمرده‌اند (ر.ک. کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۰).

ارتباط با خویشاوندان در سلامت جسم و جان تأثیر بسزایی دارد، انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و باعث آرامش و افزایش عمر می‌شود. جوامع اسلامی این ظرفیت را دارند که از صله رحم در زمینه رشد امید به زندگی بهره ببرند. از دیگر فواید صله رحم کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری افراد به خصوص کودکان است. بسیاری از هنجارهای اجتماعی در دید و بازدیدهای روابط خویشاوندی آموخته می‌شوند. هرچه روابط گسترده‌تر باشد، کودکان فرصت‌های بیشتری برای مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای دیگران پیدا می‌کنند و مهارت‌های خود را افزایش می‌دهند.

روابط خویشاوندی از چهار اصل پیروی می‌کنند که شامل اصل احسان، سلسله مراتب، تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی و رعایت الویت‌ها است. اصل احسان با شاخص ایثار به معنای عدم انتظار دریافت پاداش پایاپای شناخته می‌شود و به شکل‌های مختلف زبانی، فعلی، قلبی و مالی قابل ارائه است. اصل رعایت سلسله مراتب به این معنی است که خویشان نزدیک‌تر بر افراد دورتر تقدم دارند. مادر، پدر، برادران و خواهران (با تأکید بر طبقات ارث) بر سایر افراد الویت دارند. اصل تقدم مصالح معنوی بر مادی نیز به این نکته اشاره دارد که تنظیم روابط باید بر اساس میزان رعایت آداب شرعی و با رعایت تقدم رضایت خدا بر رضایت اقوام باشد و در صورت وجود زمینه‌های ارتکاب گناه به حداقل اکتفا شود. اصل رعایت الویت‌ها نیز به این معنی است که ارتباط با خویشان و افراد فامیل بر افراد بیگانه، مقدم است و همچنین خویشان فقیر بر سایر نیازمندان الویت دارند.

در جهان بینی اسلامی، انسانی که در صدد است بر اساس باورهای دینی خود، رضایت خداوند را جلب کند، باید ارتباطاتش با دیگران، طبیعت و حتی خودش متفاوت از ارتباطات انسان‌ها در سایر جهان بینی‌ها باشد. چنین انسانی علاقه مند است که فرهنگ و

سازمان های مسلط بر جامعه، این ارتباطات را تشویق کنند و به رسمیت بشناسند. برای تنظیم روابط اجتماعی به صورت کلی از جمله با همسایگان و ارتباط صحیح و اسلامی با آن ها، قواعد عام و فراگیری وجود دارد که تحت عنوان اصول حاکم بر روابط اجتماعی از آن ها یاد می شود. برخی از اصولی که در ارتباط با همسایگان وجود دارد عبارت است از: خدامحوری، عدالت، کرامت انسانی، احسان، خیرخواهی، احترام متقابل، حسن معاشرت و رعایت الویت ها. در مقام عمل نیز آداب، وظایف و هنجارهایی وجود دارد که ریشه در همین اصول دارند که اینک به تبیین آن ها پرداخته می شود.

تعریف همسایه در اسلام از دو ملاک قرابت ملکی و قرابت همنشینی تبعیت می کند. نزدیکی منزل، مزرعه، مغازه و ... سبب اطلاق همسایگی به افراد می شود. همچنین هرکسی که به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته باشد، ملاک همنشینی را در برمی گیرد. لازم به ذکر است همسایگی ملکی و همسایگی همنشینی از نظر حقوق تفاوت های زیادی دارند که در مجال این بحث نمی گنجد. از طرفی بخش قابل توجهی از روایات نیز به همسایگی ملکی تاکید دارند. جایگاه همسایه از منظر اسلام اهمیت فراوانی دارد. آیات و روایت های فراوانی، احسان و نیکوکاری در حق همسایه را به مثابه عبادت خداوند دانسته اند؛ برای مثال خداوند متعال در قرآن، ابتدا مردم را به عبادت و بندگی خود دعوت نموده و بیان می کند که خدا را پرستید و هیچ چیز را براوشریک قرار ندهید. سپس به حق پدر و مادر اشاره کرده و نیکی را از پدر و مادر آغاز کرده و پس از ایشان به خویشاوندان و یتیمان و درویشان می رسد که گرچه از همسایه دورترند، ولی برای رعایت و حمایت شایسته ترند. سپس به همسایه ی نزدیک و همسایه ی دور می پردازد و آن دورا بر رفیق و همنشین مقرب مقدم می داند (نساء: ۳۶). همسایه داری نشانه ایمان افراد و موجب آموزش گناهان می شود. امام صادق علیه السلام نیز در تاکید به اهمیت همسایه داری، ارزش همسایه را با جان انسان سنجیده است و می فرماید: «حرمت همسایه آدمی مثل نفس اوست که باید به او ضرر نرساند» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۸۷).

اصول حاکم بر روابط همسایگی شامل دو اصل عدالت و احسان است. عدالت یکی از اصول مسلم اخلاقی است که بنیان بسیاری از احکام اسلامی را در برمی گیرد. بالانبردن دیوار، اجتناب از تجاوز به حریم خصوصی همسایه و سلب امنیت همسایه، از مصادیق مهم رعایت



عدالت در روابط همسایگی است. احسان نیز به معنای تفضل و امری فراتر از عدالت است؛ چراکه عدالت انجام امور به عهده‌ی انسان است، ولی احسان این است که انسان بیش از آنچه که بر عهده اوست، انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست، دریافت کند. تعارف غذا و اهدای میوه، قرض دادن، صبر بر آزار همسایه، نصیحت همسایه، حسن معاشرت و مشارکت در غم و شادی همسایگان از مصادیق اصل احسان است.

#### ۴-۳-۲. ارتباط با دوستان

بر اساس معیارهای دینی، دوستی همان محبت، علاقه، ارتباط روحی، حسن معاشرت و گفتگو میان دو فرد یا افراد جامعه با ملاک صحیح و انگیزه‌ای الهی است، به طوریکه بر اساس آن بتوان نیازهای فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی خود را برآورده ساخت. سرشت آفرینش انسان، اجتماعی است و انسان‌ها برای مرتفع ساختن نیازهای فطری خود، چاره‌ای جز ارتباط با یکدیگر ندارند. نیاز هر فرد به دیگران فقط در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه انسان‌ها در فطرت به گونه‌ای خلق شده‌اند که روح آن‌ها به یکدیگر متمایل و علاقه‌مند است. بشر خود را نیازمند به داشتن نوعی ارتباط با دیگران می‌بیند، به طوری که بدون برقراری این ارتباط، قادر به ادامه حیات به شکل مطلوب نیست (یوسف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). آنچه در باب دوستی در آیات و روایات آمده، نشان‌دهنده اهمیت بسیار بالای دوست و رابطه‌ی دوستی است. چنان‌که آمده است اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، می‌بایست از دوستانش او را بشناسید یا کسی که خدا دوستش داشته باشد، دوستی شایسته نصیحت می‌کند. در قرآن کریم محبت و اطاعت لازم و ملزوم یکدیگر خوانده شده‌اند: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند... در آن هنگام، رهبران گمراه و گمراه‌کننده از پیروان خود، بیزاری می‌جویند» (بقره: ۱۶۵). در این آیه محبت و دوستی، پایه‌ی ارتباط میان سران و پیروان قرار گرفته و رابطه میان آنان رابطه تابع و متبوع معرفی شده است؛ به این معنا که محبت و اطاعت ملازم یکدیگرند، یعنی هرکجا محبت باشد، اطاعت نیز خواهد بود.

اثربخشی نفس از دوستان امری مسلم است. هم‌نشینان و دوستان انسان که همیشه و به تناوب با او در حشر و نشر هستند، بخش قابل توجهی از دریافت‌ها، اخبار و اطلاعات وی را

تشکیل می دهند و بالطبع سهم قابل توجهی از اندیشه ها و افکار انسان را به خود اختصاص می دهند. از امام علی علیه السلام آمده است: «با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این روایت تصریح دارد که هم نشینی با انسان های نیکو، فرد را انسانی نیک و مورد رضایت خداوند و به عکس مجالست با بدان، او را در شمار بدان قرار خواهد داد (یوسف زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

#### ۴-۳-۳. اصول حاکم بر روابط دوستی میان مؤمنان

اولین اصل حاکم بر روابط دوستی، اصل خدایی بودن دوستی هاست. دوستی زمانی به صفت خدایی متصف می شود که اثر آن بر زندگی دنیوی و حیات اخروی فرد مطلوب، سازنده و تعالی بخش باشد. این مشخصه ها، معیار و ملاک دوستی هایی است که قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام، افراد را به سمت آن رهنمون شده و آن را عاملی برای رسیدن و نرسیدن انسان ها به کمال دانسته اند. امام باقر علیه السلام در اشاره به شاخص های دوستی برای خدا می فرماید: «هرگاه خواهی بدانی در تو خیری هست، به دلت نگاه کن، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن دارد، در تو خیر است و خدا هم ترا دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست دارد، در تو خیر نیست و خدا دشمنت دارد، و هرکسی همراه دوست خود است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۷). تحقق صفات الهی در روابط دوستانه، محبت به اولیای خدا و تأکید بر ایمان در دوستی از ویژگی های اصل خدایی بودن دوستی ها است. اصل دوم در تحکیم روابط دوستانه، خیرخواهی است. زمانی که شخصی ما را از ظلم به خود، دیگران و خداوند باز دارد و ما را به سمت انجام اعمال نیک و صالح رهنمون کند، از دیدگاه امام علی علیه السلام شایستگی اطلاق کلمه دوست را دارد. مساعدت مالی، دعا در حق دوستان و نصیحت به هنگام ارتکاب گناه از مصادیق اصل خیرخواهی است. حسن معاشرت نیز سومین اصل از اصول روابط دوستانه است که مصادیق آن گذشتن از لغزش ها و وفاداری است. یکی از مسائلی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، گذشت و عفو دیگر مؤمنان است و در روایات کسانی که برای رضای خدا عفو و گذشت می کنند را به بهشت بشارت داده اند. انسان مجموعه ای از عملکردها و گفتارهایی است که در میان آن ها، کردارهای درست و اشتباه بسیاری دیده می شود. دوستان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و ممکن است دست به خطا

بزنند. از حقوق متقابل دوستان، گذشتن از اشتباهات یکدیگر است. منظور از وفاداری نیز، ثبات در محبت و ارادت است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «تقوا، پرهیزکاری، امانت‌داری و وفای به عهد، از صفات شیعیان ماست». دوستی تنها در سایه وفاداری، مودت و برادری است که می‌تواند پایدار بماند. اصل تکریم نیز به عنوان آخرین اصل از روابط دوستانه مورد توجه است. یکی از مهمترین اصول محبت و دوستی، احترام متقابل است؛ چراکه شوخی‌های نابجا و بی‌احترامی‌ها، محبت را کم و از بین می‌برد. هرچه در دوستی احترام متقابل بیشتر باشد، آن دوستی پایدارتر خواهد بود. در رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام آمده است: «از حقوق دوست برگردن تو این است که به وی احترام بگذاری، همان‌گونه که علاقه‌مندی به تو احترام بگذارد» (یوسف زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

#### ۴-۴. ارتباط انسان با طبیعت

هنگامی که سخن از رابطه متقابل انسان و طبیعت به میان می‌آید، این سوال مطرح می‌شود که منظور از رابطه چیست؟ چون در نظام هستی میان پدیده‌ها و موجودات، گونه‌های مختلفی از رابطه، قابل شناسایی و تعریف است. رابطه علی و معلولی یعنی یک موجود، علت پیدایش موجود دیگر است. رابطه سبب و مسبب یعنی یک موجود، زمینه‌های پیدایش و ظهور موجود دیگر را فراهم می‌کند و یا موانع وجود آن را از میان برمی‌دارد. همچنین علاوه بر این‌ها انواع رابطه امکان‌پذیر است؛ مانند رابطه و تأثیر جسمانی و مادی و رابطه و تأثیر معنوی و معرفتی. مطالعه در آیات قرآن و همچنین تجربیات علمی و حسی نشان می‌دهد که تقریباً همه‌ی این‌گونه رابطه‌ها به جز رابطه‌ی علت و معلولی درباره انسان و طبیعت قابل شناسایی هستند. رابطه بیولوژیکی انسان با خاک و آب در بسیاری از آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن آمده است: «خداوند هر جنبنده و جاننداری را از آب آفرید». (نمل: ۴۵) دامان سخاوتمند طبیعت منبع معیشت انسان است. «اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورد و زیورهای بیرون آرید و خویشتن بدان بیارایید. و کشتی‌ها را می‌بینی که دریا را شکافند و پیش می‌روند، تا از فضل خدا روزی بطلبید، باشد که سپاس گویند» (نحل: ۱۴).

بینایی و بصیرت انسان معنا بخش زیبایی طبیعت است. یکی از مقوله‌های معنایی و

ادراکی، مقوله‌ی زیبایی است. با این خصوصیت که ممکن است تجلی زیبایی در قامت ماده باشد، ولی ارزش زیبایی و موثر بودن آن، منوط به درک شدن آن از سوی موجودی خردمند و احساس‌گر که آن موجود در زمین، چیزی و کسی جز انسان نیست: «و ما در آسمان برج‌هایی قرار داده‌ایم و آن را زینت بخشیدیم برای نظاره‌گران». (حجر: ۱۶) نظام طبیعت دارای قوانین، ضوابط، رموز و نشانه‌هایی است که تنها در پرتواندیشه و تفکر بشر قابل شناسایی و بهره‌وری است و اگر انسان و اندیشه‌ی او از جهان حذف شود، آن رموز و نشانه‌ها بی‌فرجام و لغو خواهند ماند: «به وسیله باران برای شما کشتزار و زیتون و نخل‌ها و تاکستان‌ها و انواع میوه‌ها می‌رویاند، همانا در این رویش متنوع و گونه‌گون، آیه و عبرتی است برای اهل اندیشه و تفکر» (نحل: ۱۶).

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، نتیجه می‌گیریم که در مکاتب علوم انسانی غرب بیشتر تاکیدات و تحقیقات بر اهداف منفعت طلبانه و ابزار تحقیق است و این بحران مدرنیسم و پراگماتیسم در عمق این مطالعات نیز نفوذ کرده است و همچنین جهان غرب بر مطالعه‌ی شبکه‌های ارتباطی و نقشه‌های ارتباطی و این پیچیدگی‌ها، دارای نظر و ایده است، ولی متون دینی اسلام یک نگاه کلی بر پیکره‌ی ارتباطات و شبکه‌های ارتباطی دارد که علاوه بر اهداف ارتباطی، بر مسیر الهی بودن هر نوع ارتباطی نیز تأکید می‌ورزد و بر این قرار است که خداوند در هر جهت از ارتباط باید مد نظر قرار بگیرد. اسلام علاوه بر کیفیت ارتباطات، برای جاد و افزایش کمیت ارتباط نیز تأکید دارد و این کمیت و کیفیت را در چهار ساحت اصلی ارتباط با دیگران، خود، خداوند و طبیعت باید به کار برد که همگی مکمل و راهی برای افزایش رشد مادی و معنوی انسان هستند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

### الف. کتب

۱. ابن بابویه [شیخ صدوق]، محمد بن علی. التوحید، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲. \_\_\_\_\_، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۳. اسونسن، کارل. فلسفه ملال، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر نو، ۱۳۹۸.
۴. برک، لورا. روانشناسی رشد از لقاح تا کودکی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران، ۱۳۹۴.
۵. پاک نیا، عبدالکریم. مفاتیح الغیب (کلیدهای ارتباط با خدا)، قم: فرهنگ اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰.
۶. پروچاسکا، جیمز و نورکراس، جان سی. نظریه های روان درمانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان، ۱۳۹۵.
۷. پی شولتز، دوان. نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش، ۱۳۹۵.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد. غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله. امام مهدی (عج) موجود موعود، قم: اسرا، ۱۳۸۷.
۱۰. جی، ریموند و برگر، میلتن. شیوه های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۹۴.
۱۱. رزاقی، افشین. نظریه های ارتباطات اجتماعی، تهران: پیکان، ۱۳۸۱.
۱۲. طبرسی، حسن. مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۱۳. عاملی، حر. وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم: آل البیت، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. علی احمدی، علیرضا و علی احمدی، حسین. مبانی و اصول مدیریت اسلامی، تهران: تولید دانش تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۶. مک کوایل، دنیس. نظریه ی ارتباطات جمعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.
۱۷. متقی هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین. کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۱۸. هاوکینگ، استیون. پاسخ های کوتاه به پرسش های بزرگ، ترجمه مزدا موحد، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۷.
۱۹. ولایتی، علی اکبر. نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۲۰. یوسف زاده، حسن و همکاران. شاخص های ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی، تهران: مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.

### ب. مقالات

۲۱. آل بویه، طاهره. «ارتباط انسان با خود»، نامه جامعه، ۱۳۸۸، شماره ۵۹.

# The Theoretical Comparison of Communication Networks from the View of Islam and the Humanities of the West

Seyed Sajad Mojabi<sup>1</sup>

Morteza Razdari<sup>2</sup>

Mohsen Zolghadrnasab<sup>3</sup>

This study was conducted with the aim of theoretical and Islamic explanation of communication networks, at the present time, and its differences with the humanities of the west; thus, this study, which applied an analytical approach, collected the data from library written sources and some interviews with experts. The results showed that from the western view, what is often emphasized in communication networks is communication tools and the formation of communications among the members, but from the Islamic view, more emphasis is put on the levels, promotion, depth, and purpose of communications. Islam, like the humanities of the west, focuses on creating the global village, but in Islam, it is beyond the pragmatism and often based on the high depth of communications and these basics are related to not only human relations, but also other kinds of relations.

Keywords: communication networks, Islamic sciences, humanities of the west, Islamic communications

---

1. (M.A. Student in Family Counseling, Educational Affairs Expert of Education, Ghazvin, Email: sajmo1996@gmail.com)

2. (M.A. Student in Educational Technology, Bu-Ali Sina University, Teacher of Elementary School, Hamedan, Email: m.razdari@yahoo.com)

3. (Faculty Member of Farhangian University, Department of Educational Sciences, Hamedan, Email: mohsenzolghadr54@gmail.com)

Data Received: 15/4/2018

Data Accepted: 9/7/2018

# The Damages of Cyberspace in Families and Solutions to Deal with Them

Omid Asadi<sup>1</sup>

Mohammad Husseinnejad<sup>2</sup>

Nowadays, through expanding communication studies and increasing human knowledge, it becomes possible to use some ways to instill concepts into audiences. Meanwhile, some tools have being developed to damage religions and cultures and even the unique features of social networks have been helping it. A study on the ways applied by enemies to spread anti-religion and anti-culture propaganda demonstrates that media techniques are used for many of these ways related to make audiences neglect. Because of the particular features the cyberspace has and due to the novelty of this phenomenon, many parents do not have any opportunity, possibility, or sufficient ability to precisely know about the cyberspace and its functions. So, the lack of knowledge about this phenomenon harms a lot of family functions. There are some solutions to correctly use the cyberspace and decrease its damages. The present research investigates experts' ideas about the various solutions to decrease its damages.

Keywords: pathology, cyberspace, social relationships, family

---

1. (B.A. Student in Educational Sciences, Farhangian University, Shahid Mofateh Campus of Shahr-e-Ray, Tehran, Email: [omidasadi1378.oa@gmail.com](mailto:omidasadi1378.oa@gmail.com))

2. (Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Email: [mhoseinnejad@yahoo.com](mailto:mhoseinnejad@yahoo.com))

# The Content Analysis of the Book “Heaven’s Gifts” (Elementary Fifth Grade) from the Perspective of Moral Educational Components

Shahrzad Abd al-Rahimian <sup>1</sup>

Shokoufeh Darabi <sup>2</sup>

Ethics is one of the great needs of human societies. Educational system plays an important role in moral education at the ages of childhood and after that and helps grow students’ personality, attitude, and awareness. This study aimed to analyze the book “Heaven’s Gifts” (elementary fifth grade) from the view of presenting moral teachings and suggest a proper curriculum in order that it can provide all necessary needs for moral education. This study applied a descriptive-analytical method. The book “Heaven’s Gifts” (elementary fifth grade, in the academic year 2017-2018) were reviewed and obtained 8 main and 28 sub-main components, as well as the frequency and relative percentage of each of them. Analyzing the book from the perspective of moral educational components showed that the most frequency belongs to the component of thinking with 56 cases. In this book, the least frequency is related to the components of honesty and order and there is no case for the component of discipline. The content of this book focuses never or less on some moral educational components. In other words, although moral education is one of the most significant factors of developing societies, this book does not equally cover moral educational components. Keywords: content analysis, moral education, “Heaven’s Gifts”, elementary fifth grade

1. (B.A. Student in Educational Sciences, Farhangian University, Tabriz, Email: sh.moonlight75@yahoo.com)

2. (Ph.D. in Persian Language and Literature, Faculty Member of Farhangian University, Tabriz, Email: darabi\_sh@yahoo.com)



# The Prophets' Educational Principles and Ways in Quranic Stories from the Viewpoint of Al-Mizan and Fi Zelal al-Quran

Zeinab Tayebi<sup>1</sup>

Narges Tavakol<sup>2</sup>

The purpose of humans' creation is to direct them to the way of devotion. God delegated this great mission to the prophets and confirmed them with their miracles and traits so that they take humans to desired perfection and make lighted souls ready to meet the Lord. Meanwhile, God beautifully depicted the Prophet Mohammad's unique miracle and the prophets' lives and their ways to guide humans in the form of story; because sending a message indirectly through storytelling has more significant directional and educational influences on the audiences. The identification and review of the prophets' educational principles and ways in Quranic stories solve many educational problems at different levels in an Islamic society and it is the reason why this descriptive-analytical research presents the prophets' educational principles and ways in Quranic stories from Allameh Tabatabaei's and Seyed Ghotb's viewpoints by using library written sources. According to Al-Mizan fi Tafsir al-Quran and Fi Zelal al-Quran, the prophet's educational principles are as follows: dignity, monotheism, self-esteem, graduality, morality, the reformation of human conditions and relationships, and honesty. In addition, the prophet's educational ways are as follows: modeling, encouragement and punishment, warning and evangel, ignorance, and enjoining good and forbidding wrong.

Keywords: Quranic stories, educational principles, educational ways, the prophets, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Fi Zelal al-Quran

---

1. (Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom, Email: drztayyebi@gmail.com)

2. (M.A. in Quran & Hadith Sciences, Hoda College of Islamic Knowledge, Email: salma2768@chmail.ir)

Data Received: 23/4/2018

Data Accepted: 2/8/2018

# A Study on the Causes of Inefficiency of Religious Educations in Schools

Zahra FakhR Rouhani <sup>1</sup>

The aim of religious educations in schools is students' belief, moral, and worship education. Many efforts are done for realizing this purpose, but it is necessary to know that what students learn and experience in educational systems is not limited to obvious curriculum and, sometimes, other factors affect the formation of students' experiences, thoughts, attitudes, values, acts, and behaviors in a broader, more sustainable, and more penetrating way. These factors, which are called hidden curriculum or unintended consequences, have many positive and negative effects on students. When students enter an educational system, they face the cognitive, physical, and social aspects of environment which each of them includes a hidden curriculum. Meanwhile, social environment is the most important and penetrating aspect of educational environments. Social aspect means the social relationships dominant in schools and the values promoted by mass media, especially, interactive media. The findings of this research, which are gotten from library written sources, showed that the causes of inefficiency of religious educations are including the macro social planning such as secularism dominant in the general flow of education and the development of digital media.

Keywords: religious educations, schools, students, inefficiency

---

1. (Fourth Level of Comparative Interpretation, Graduated from Management Center for Women's Seminars, Email: z.frohani@gmail.com)

Data Received: 3/5/2018      Data Accepted: 2/8/2018

# The Ten Behavioral Principles of Transferring the Concepts of Elementary School Religious Courses and Quran from the Perspective of the Holy Quran

Masoumeh Hafezi<sup>1</sup>

Masoumeh Sharifi<sup>2</sup>

This study aimed to promote the rich culture of the Holy Quran and extract the behavioral principles which are necessary for teachers who are responsible for teaching the elementary school religious courses and Quran. In the Holy Quran, the way of religious promotion is based on teachings such as tolerance, self-improvement, evangel, warning, and humility that in this study, the ten cases of these principles were examined. These behavioral principles were often extracted from the verses that divine prophets, especially the Prophet Mohammad, were addressed as the behavioral models of the process of promotion of religious sciences. This descriptive-analytical study by applying these groups of verses and an Ijtihadi interpretation methodology collected the data through a library method and explained the research problem by taking advantage of Ahl al-Bayt's sayings and lexical, interpretative, and ethical books. It is believed that the mentioned principles are among the ways to optimize the process of students' religious education and teachers of religious courses link themselves to the source of divine knowledge, which is immune from any mistake and contributes to the improvement of the culture of education by using these principles.

**Keywords:** the Holy Quran, the Prophet Mohammad, behavioral principles, trainer, elementary school religious courses and Quran

---

1. (Ph.D. in Quran & Hadith Sciences, Instructor of Farhangian University, Qom, Email: hafezi.mp@gmail.com)

2. (Assistant Professor of Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: dr\_sharifi\_masoomeh@yahoo.com)

# Quran and Etrat

Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat  
Volume 1, Fall & Winter 2018, Number 2

<b>Proprietor and Chief Director:</b>	The Head of Basij of Instructors of Hazrat Masoumeh Campus: Masoumeh Sharifi (Ph.D.)
<b>Editor-in-Chief:</b>	Zeinab Tayebi (Ph.D.)
<b>Executive Manager:</b>	Hadi Borhani
<b>Line Editor:</b>	Zeinab tayyebi (Ph.D.)
<b>copy editor:</b>	Zeinab rabiei
<b>Page Layout:</b>	Mohammad Hussein Hamedaniani
<b>English Translator:</b>	Kamal Barzegar
<b>Language:</b>	Persian
<b>Release Format:</b>	Printed-Electronic
<b>Release Frequency:</b>	Bi-Annual
<b>Magazine circulation:</b>	200 copise

It is permitted to cite the sources referred in this journal.

“Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat” was licensed by the Ministry of Culture & Islamic Guidance, No.80717, Date: 25/12/2017.

#### Editorial Board (in Alphabetical Order):

Faezeh Azimzadeh Ardabili, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Islamic Law, Imam Sadiq University)
Mohammad Faker Meibodi, Ph.D.	(Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, Al-Mustafa International University)
Fariba Hajali, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Principles of Islamic Law, Al-Zahra University)
Abdollah Motamedi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University)
Zahra (Shadi) Nafisi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, University of Tehran)
Hamid Parsania, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute for Islamic Culture & Thought)
Mohsen Rafiei, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Ahmad Rahnamaei,	Ph.D. (Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini's Educational & Research Institute)
Mohammad Mahdi Safouraei,	Ph.D. (Associate Professor, Department of Educational Psychology, Al-Mustafa International University)
Masoumeh Sharifi,	Ph.D. (Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Zeinab Tayebi,	Ph.D. (Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

#### Reviewers of This Number (in Alphabetical Order):

Fatemeh Alipour (Ph.D.), Rezvan Baghbani (Ph.D.), Talat Hassani (Ph.D.), Abolfazl Moradi (Ph.D.), Abdollah Motamedi (Ph.D.), Mohsen Rafiei (Ph.D.), Ali Satari (Ph.D.), Sedigheh Shakeri Husseinabad (Ph.D.), Fatemeh Zhiyan (Ph.D.)

#### Partners of This Number: Razieh Omrani

**Address:** The Office of Basij of Instructors, Hazrat Masoumeh Campus, Farhangian University, Opposite Banafsheh Boustan, Shahid Karimi Boulevard, Qom, Iran

**Telephone:** 02532704673

**Email:** quran.etrat.journal@gmail.com